

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ

أَوَّلُ اللَّهِ آخِرُ اللَّهِ

حَاضِرُ اللَّهِ بَاطِنُ اللَّهِ

شَافِعُ اللَّهِ خَالِقُ اللَّهِ

یاالله؛ یارحمان؛ یاربیبی؛ یامولا؛ یاولئی؛ یاشافی؛ ادرکنئی

وإرحمنا برحمتک یا احمرّاحمین

صفحه	عنوان	فهرست موضوع جانشین محمّد رسول الله (ص)
۱	الله سبحان احد فرمود:	از مردم نترسید؛ از من بترسید
۱	الله سبحان احد فرمود:	ای محمد بگو: یا الله فقط مولاتوهستی
۱	الله سبحان احد فرمود:	شهادت را برای الله درست بدهید اگرچه زیان خود اگرچه زیان خودتان باشد
۲	الله سبحان احد فرمود:	مولای حقیقی کل شما مسلمانان فقط الله سبحان علام وعلیم است
3	نکاتی از مؤلف:	
3	محمّد رسول الله	برچه دلیل ومدرك گفت: من مکت مولای فعلی مولاه
4	اگر غدیر خم وجود داشت باشد:	رسول الله کلمه و عبارت دیگر بکابد
5	جانشین محمّد رسول الله	در قرآن است
5	نکاتی از مؤلف:	
6	آیه ولی کم الله ورسول	ومؤمنین در قرآن است
7	الله سبحان احد فرمود:	اگر در راه الله کشته شوید در خیر شما است
7	اعمال و تعلیم و تعلم قرآن	بر هر مسلمان واجب عینی است
7	هر مسلمان وارث قرآن و جانشین رسول الله است	
8	الله سبحان احد فرمود:	فقط بقرآن چنگ بزنید و متوسل شوید
8	امام صادق فرمود:	دانشمندان قرآن جانشین کل انبیاء است
8	الله سبحان احد فرمود:	مسلمانان در کارهایشان مشورت میکنند
۹	نکاتی از مؤلف:	
۹	الله سبحان احد فرمود:	از علی در روز سؤال خواهم کرد که تو گفته بودی که من الله
۹ و 1	شاه نعمت الله جیهون آبادی	نوشته است که علی الله است
11 و 11	خلقت شمس تبریزی	از خاکستر حلاج برده است
12	ملارومی گفت	شمس تبریزی خدای من است
12	اشعار دیگر مولارومی گفته است:	ای شاه شاهان الله مولانا علی
13	مصحف فاطمه زهرا	هفتاد ذراع طول دارد
14	خداوند تورات فعلی	همجنس باز است
14	قوم یهودتتها قومی هستند	که گشت و خون گیری یهودی بر آنها خلال است
۱۵	احوالات عیسی مسیح و مادر مقدس او	مریم

- 21 یهودیان بهتان و تهمت و افتراء بزرگ بمریم مادر عیسی مسیح‌ززند
- 21 الله سبحانه احد جنازه عیسی مسیح را به آسمان برده است
- 21 نکاتی از مؤلف:
- 21 اصل واصل وصل آیات شیطانی تورات فعلی میباشد
- 22 قبل از نزول قرآن یهودیان قلعه خیبر را در مدینه سختند
- 22 24 پروتکل‌های یهودیت
- 23 ورزش حرفه ایجاد یهودیت است؛ ورزش حرفه حرام اند را حرام است
- 23 ورزشگاه های جهانی FIFA مالکیت یهود است
- 24 بنام ورزش یهودیان جهان را بفساد کشیدند
- 24 حقیقت حجاب در قرآن وجود دارد
- 24 نماز انسان را از کارهای زشت باز می‌دارد
- 24 اشعار درباره ارزش نماز
- 25 هر کسی نماز نخواند از دین اسلام خارج است و مسلمان نیست
- 25 شمه از کفر و شرک گمراهی یهودیان بمسلمانان و دین اسلام
- 26 فرعون سر بچه پسران بنی اسرائیل را می‌پورید و ذبح می‌کرد
- 27 محمّد رسول الله 12 نفر جوانان را بمدینه فرستاد قرآن را بخوانند
- 28 حجت مسلمانان از مکه بمدینه
- 28 با خیانت یهودیان جنگ احزاب شروع شد
- 28 یک زن یهودی ملعون بر محمّد رسول الله (ص) زهر داد شهید کرد
- 29 یهودیان عمر خلیفه دوم مسلمانان را بآدم‌کشی ابولولوت ترور کردند
- 231 باطراحی یهودیان بخانه عثمان حمله شده و عثمان بقتل رسید
- 31 یهودیان شیطان پرست در لباس گوسفندی گرگی می‌کردند
- ۳۱ عبد الله ابن سبا گفت: علی الله است؛ و گفت: علی ولی الله است؛ و گفت:
- 31 من كنت مولاه فهذا علي مولاه
- 31 امام علی دال بر کفر و شرک عبدالله ابن سبار در آتش سوزانید
- 32 پیراهن عثمان را یهودیان شیطان پسرت بمعاونیه فرستاد
- 33 شورشیان کوفه بر علیه امام علی (ع)
- 33 با تحریکات یهودیان سه جنگ بوجود آمد
- 34 شهادت امام علی (ع) باطراحی یهودیان بود
- 34 معاویه نامه به امام حسن (ع) فرستاده است
- 34 صلح بین معاویه و امام حسن (ع)

- 35 یهودیان یزید را بر علیه امام حسین(ع) تحریک کرده اند
- 36 معموران و جاسوسان یزید در مکه فراوان شده بود
- 37 مسلم ابن عقل را در کوفه شهید کردند
- 38 امام حسین(ع) دست یهودیان را در راه کوفه احساس کرد
- 38 اشعار درباره امام حسین(ع) (بر عیله یزید ملعون
- 39 اشعار درباره قرآن
- 39 خلق را تقلیدشان برباد داد
- 41 اشعار درباره قرآن
- 41 نکاتی از مؤلف:
- 41 امام حسین(ع) در میدان جنگ
- 42 الله سبحانه احد فرمود: مقابل کفار و منافقان مقاومت کنید
- 42 نکاتی از مؤلف:
- 43 ماجرای منع رأی و بیعت امام حسین(ع) (فقط بیک آیه قرآن بود
- 44 افکار و فکر امام حسین(ع) (درباره یزید
- یهودیان شیطان پرست به اهل کوفه گفتند: امام حسین(ع) بشهادت نرسیده که شما گریه وزاری
- 46 کنید؛ آماده جنگ با یزید بشوید
- 46 منظور امام حسین امر معروف نهی از منکر بوده است
- 47 هر کسی که از قرآن روی گرداند در روز قیامت کور زنده میشود
- 47 نکاتی از مؤلف:
- 48 بیعت کردن یعنی رأی دادند است
- 48 قرآن کتاب آسمانی روشنگری و آقاهی دهنده است
- 49 کسانی که در راه الله کشته شده است مورد نگوید:
- 51 اگر الله دوتا بود در آسمانها و در زمین فساد بزرگ بوجود می آمد
- 51 الله سبحانه احد فرمود: برای کفار و منافقان عذاب سخت است
- 52 کافران بمحمد میگویند: اگر راست میگویی: وقت روز قیامت بگو:
- 53 مشرکین خدایانی را گرفته اند که نمیتوانند برای خود کمک بکنند
- 53 محمد تو میتوانی کافران منافقان با سخنانشان بشناسی
- 54 زندگی دنیا بازیچه و ملعبه و سرگرمی است
- 54 تمامی حیوانات مانند شما متحایی هستند
- 55 الله سبحانه احد فرمود: فقط به الله متوسل شوید و توسل کنید
- 55 نکاتی از مؤلف:

- 57 گورها در تازگیها جسئیه ایجاد و بنا کردند
- 57 جریان دون به دون گورانها و به اصطلاح اهل حق در عقاید آنها
- 57 مقبره نور علی الهی رهبر گورانها در هشت کرج است
- کوفیان برای خون خواهی امام حسین(ع) 18 هزار لشگری تشگیل نام تو ابین دادند
- 58 که بچنگند
- 61 تو ابین در جنگ بالشگریزید شکست خوردند و از بین رفتند
- 62 یهودیانیکه در لباس گوسفندی گرگی میکردند و ریزید جمع شدند
- 62 شیعه ملحد شش امامی را ایجاد کردند
- 63 اولین ملاقات رهبر ملحدین حسن صباح با مردم الموت
- 63 حسن صباح امام ملحدین نماز و روزه از پیروانش برداشته
- لشگر خواجه نظام الملک وزیر ملشاه سلجوقی از قشون ملحدین حسن صباح در الموت
- 63 شکست سخت خورد
- 64 شاه اسماعیل صفوی بلشگر عثمانی از پشت خنجر زد
- شیخ بهالدین مرجع تقلید شاه عباس صفوی شد و توضیح مسائل تقلیدی بنام جامعه
- 65 عباسی در تاریخ 1121 هجری قمری نوشت
- 65 ازان ایجاد یهودانیان هنوز از مساجد بگوش میرسد
- 66 من کنت مولاہ فعلی مولاہ را ملعون عبدالحسین امینی نوشته
- 66 تاریخ تولد علامه و آیت الله ملعون عبدالحسین امینی
- 66 هر کسی در روز عاشورا روزه بگیرد مثل اینکه در تمام عمر روز مگرفت
- 67 علامه و آیت الله عبدالحسین امینی خدا ناسناس بود
- 67 سبب و شصت مراجع تقلید من کنت مولاہ فعلی مولاہ را تأیید کردند
- 67 الغدیر در اصل ده جلد عربی نوشته شد و بیست جلدی فارسی ترجمه
- 68 کلمه مولا در پانزده آیات قرآن موجود نوشته شده است
- ۷۱ نکاتی از مؤلف:
- پانزده آیات کلمه مولا در قرآن وحی منزل موجود است عبدالحسین امینی مانند یهودیان شیطانی
- 71 پرست قرآن را میدانست
- اگر غدیر خم وجود داشته باشد محمدرسول الله(ص) کلمه یا عبارت دیگر را فرموده است نه
- 71 عبارت من کنت مولاہ فهدا علی مولاہ
- 71 من کنت مولاہ فعلی مولاہ کفر و شرک و گمراهی و ضد قرآن است
- ۷۱ الله سبحان احد فرمود: ازان ستمکارتر چه کسی است که به الله دروغ بگوید: !!!؟؟؟
- ۷۱ امام علی فرمود: بهترین دوست و بنده الله کسی است که عنان خود را به قرآن بد هد

- ۷۳ امام علی فرمود: قرآن امام خلق است و در روز قیامت الله سبحانه احدب اقرآن حساب خواهد
- 73 امام صادق فرمود: نوحه گری اداب و رسوم ایام جاهلیت است
- 74 امام علی (ع) فرمود: قرآن بهار و سرچشمه و علم عقلهاست
- ۷۴ محمدرسول الله (ص) فرمود هر کسی بمسلمانان خیانت کند در روز قیامت بایهودیان مشحور
- 74 میشود زیرا که یهودیان خیانت کار تر هستند
- اشعار درباره علم و دانش امام زینال عابدین فرمود: قرآن برای همه مومنین وسیله براه
- 75 الله است
- ۷۵ اسلام علیک ایها النبی و رحمة و برکاته؛ کفر و شرک و کمراهی است
- 76 مورده را حضرت ماطب قرار دادند؛ هر کسی و هر مقامی باشد! کفر
- ۷۷ مولا فقط الله است! بیک انسان و زنده و مورده مولا گفتن کفر و شرک است
- 77 در دعا انشاالله گفتن کفر و شرک و کمراهی است
- 77 در فعل انشاالله گفتن صواب و مبارک است
- 77 سؤال قبر و زندگی در برزخ و بقای روح انسان وجود ندارد
- 77 محمدرسول الله (ص) فرمود: دو کتاب گرانبهدار میان شما میگذارم
- 78 الله سبحانه احد فرمود: شما نباید کمک و پشتیبان کفار و مشرک شوید
- 78 نکاتی از مؤلف: ام معروف و نهی از منکر برای هر مسلمان واجب است
- فریب خوردگان در توی آتش جهنم عرض میکنند: ای الله قهار بدستیکه سادات و بزرگان و آقایان
- 79 ما؛ ما را گمراه کردند به ایشان لعنت بزرگ بفرما
- 79 اشعار درباره تدریس و تعلیم و تعلم قرآن نباید از کسی ترسید
- 81 پایان کتاب

حافظ مرتد بود

می خوردن و شاد بودن آئین من است	فارق از کفر و دین بودن دین من است
ز مسجد سوری میخانه دویدن	در آنجا مدت چند آره می دن
ز راه میکرده یاران عنان بگردانید	چراکه حافظ از این راه مفلس شد
دوش دیدم ملائک در میخانه زدند	گل به آدم بسرشتند پمانه زدند
سکنان حرم ستر عفاف ملک	با من راه نشین باده مستانه زدند

حافظا می خور و رندی کن و خوش باش ولی

دام تزویر مکن چون دیگران قرآن را

آیا محمد سوال الله (ص) گفته است؟! من كنت مولاة فهذا على مولاة؟! قال الله تعالى: فَلَاتَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِي (قرآن کریم سورة المائدة آیه 44)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: از مردم نترسید از من بترسید!!!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوَالِدِ الَّذِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدُوا وَإِنْ تَلَّوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (قرآن کریم سورة النساء آیه 135)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: ای کسانی که ایمان آورده اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای الله گواهی بدهید؛ هر چند بزبان خودتان یا بزبان پدر و مادر و خویشاوندان شما باشد؛ اگر چه یکی از دو طرف دعوا توانگریا نیازمند باشد؛ باز الله به آن دواز شما سزاوارتر است؛ پس از پی هوی و هوس نروید که در نتیجه از حق عدول کنید؛ و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایند بدرستی که الله به آنچه انجام میدهد آگاه است!!!

لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا الْاَوْسَعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا اتَّوَّخَذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَاطِقَةٌ لَنَا بِهِ وَاغْفُ عَنَّا وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (قرآن کریم سورة البقره آیه 286)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: الله هیچ کسی را جز بقدر توانایی اش تکلیف معین نمیکند؛ آنچه از خوبی بدست آورده بسودا و است؛ و آنچه از بدی بدست آورد بزبان او است؛ کسانی که میگویند: ای صاحب اختیار کل ما؛ اگر فراموش کردیم یا بخطاء رفتیم بر ما مگیر؛ و میگویند: ای صاحب اختیار کل ما؛ هیچ بارگرانی بردوش ما مگذار؛ همچنانکه بردوش کسانی که پیش از ما بودند نهادی؛ ای صاحب اختیار کل ما؛ و آنچه طاقتی آن را نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از مادر گذر؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت بفرما؛ **توی مولای ما؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز بفرما!!!**

وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاَعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيْرُ (قرآن كريم سورة انفال آيه ۴۰)
 ترجمه: الله سبحان احد فرمود: واگر از الله روى برگردانيد پس بدانيد كه الله مولاى شماست چه نيكو مولا؛ و چه نيكو ياورى است!!!

وَجَاهِدُوا فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ اَبِيكُمْ اِبْرَاهِيْمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِيْنَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُوْنَ الرَّسُوْلُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُوْنُوْا شُهَدَاءَ عَلٰى النَّاسِ فَاَقِيْمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوْا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوْا بِاللّٰهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ النَّصِيْرُ (قرآن كريم سورة الحج آيه 78)

ترجمه: الله سبحان احد فرمود: و در راه الله چنانكه حق جهاد در راه الله است جهاد كنيد؛ الله است كه شمار ابراي خود برگزيده و در دين بر شما سختى قرار نداده است آيين پدرتان ابراهيم نيز چنين بوده است؛ الله بود كه قبلًا شمارا مسلمان ناميد؛ و در اين قرآن نيز همين مطلب آمده است تا اين رسول بر شما گواه باشد و شما هم بر مردم گواه باشيد؛ پس نماز ابرپا داريد و زكات رابدهيد و به الله متوسل شويد؛ توسل كنيد كه الله مولاى شماست چه نيكو مولاى و چه نيكو ياورى است!
 ذَلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ مَوْلٰى الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَاَنَّ الْكٰفِرِيْنَ لَمَوْلٰى لَهُمْ (قرآن كريم سورة محمد (ص) آيه ۱۱)
 ترجمه: الله سبحان احد فرمود: بدرستي كه آن الله مولاى كسانى است كه ايمان آورده اند؛ ولى كافران مولاى ندارند!!!

بَلِ اللّٰهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِيْنَ)؛ (قرآن كريم سورة آل عمران آيه 151)

ترجمه: الله سبحان احد فرمود: آرى الله مولاى شماست و الله بهترين يارى دهندگان است!!!

قَدْ فَرَضَ اللّٰهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ اٰيْمَانِكُمْ وَاللّٰهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ (قرآن كريم سورة التحريم آيه 2)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: حقیقت این است که الله برای شما واجب کرد گشودن راه سوگند هایتان را مقرر داشته است والله **مولای** شماست والله دانای حکیم!!!
 قُلْ لَنْ يُصِيبَنَّ الْإِمَّاكَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ **مَوْلَانَا** وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ
 (قرآن کریم سورة التوبه آیه 51)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: ای محمد بگو: آنچه الله برای ما نوشته است هرگز جزاوبما نمیرسد؛ الله **مولای** ما است؛ و مؤمنان باید تنها بر الله توکل کنند!!!
 إِنَّ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ **مَوْلَاهُ** وَجِبْرِيلُ
 وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (قرآن کریم سورة التحريم آیه 4)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: اگر شما از دو زن بدرگاه الله توبه کنید بهتر است؛ واقعاً دل هایتان انحراف پیدا کرده است؛ و اگر علیه محمد بیکدیگر کمک کنید؛ پس بدرستی که خود الله **مولای** محمد است؛ و جبرئیل و صالح مؤمنان نیز یاور محمد هستند؛ و از این گذشته فرشتگان هم پشتیبان محمد خواهند بود!!
 ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ **مَوْلَاهُمْ** الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ
 (قرآن کریم سورة الانعام آیه ۶۵)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: آنگاه که بسوی الله **مولای** حقشان برگردانیده میشوند آگاه باشید که داوری از آن الله است؛ و الله سریعترین حساب رسان است!
 هُنَالِكَ تَبْلُوكُلُ نَفْسٍ مَّا سَلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ **مَوْلَاهُمْ** الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ
 (قرآن کریم سورة یونس آیه 31)

الله سبحانه فرمود: آنجاست که هرکسی آنچه را از پیش فرستاده است میآزماید؛ و بسوی الله **مولای** حقیقی خود بازگردانیده میشوند؛ و آنچه بدروغ برمی ساخته اند از دستشان بدر میرود!!!

نکاتی از مؤلف: پانزده = 15 آیه از آیات قرآن کریم وحی منزل الله سبحانه احد ازلی؛ ابدی خلاق جهان هستی و رب العالمین فرموده است؛ الله سبحانه خودش **مولای**

کلّ رسولان؛ وانبیاء و پیام آوران؛ و کلّ مؤمنین باتقوی و شهداء و صدیقین؛ از آدم تا روز قیامت میباشد! در این آیات قرآن اصلاً نفرموده است! یکی از رسولان؛ و انبیاء و پیام آوران مولای قوم و یا یک نفر از قومش بوده باشد! که در دایره کلّ قرآن کریم وحی منزل دونوع مولا وجود دارد! یکی الله سبحان؛ که **مولای کلّ مؤمنین؛ ایمان آوردگان و تسلیم شدگان بفرمان قرآن وحی منزل الله سبحان تعالی خلاق جهان هستی و ربّ العالمین ازلی و ابدی میباشد!** و دیگری؛ ابلیس و یارانش **مولای ربّ کلّ شیاطین کفار و مشرکین و منافقین گمراهان و کذابین میباشد!** بنابراین دال بر آیات قرآن کریم وحی منزل فوق فرمود: **مولای متّقیان فقط الله سبحان است!!!**

محمّد رسول الله (ص) دال بر چه مستندات و مدرک بعد از بیست و سه سال رسالتش وحی نزول قرآن حدوداً به آخر رسیده بود چگونه گفت: من کنت مولاهُ فهذا علیّ مولاهُ؟! آیا قرآن را نمیدانست؟! و آیا عقل مبارکش که قرآن را ضبط کرده بود پاک شده از بین رفته بود؟! و یا نسیان و آرزایمرداشت؟! و یا وسوسه ابلیس در قلب مبارکش اثر کرده و مسلت شده بود؟! آیا این همه آیات قرآن کلمه مولا را خودش خوانده بود؟! آیا برای هزاران نفر مهاجر و انصار کلمه مولا را در قرآن تدریس و تعلیم و تعلّم نکرده بود؟! آیا بفرمان محمّد رسول الله (ص) تمام محاجرین جان و مالشاه را قربانی بکلمه مولایشان الله سبحان نثار نکرده بودند؟؟؟؟!!!

و اگر محمّد رسول الله (ص) این عبارت **من کنت مولاهُ و فهذا علیّ مولاهُ** را گفته باشد؟! دال بر پانزده آیات کلمه قرآن مولا؛ هم الله سبحان را و هم قرآن وحی منزل را و هم رسالت خود را و هم اسلام را بجزیر سؤال نبرده است؟! زیرا که هیم ضد نقیض گوئی رسالت رسول الله خودش بود؛ و هم ضد نقیض گوئی قرآن وحی منزل بود! که اول

خودش را مرتد کرده است! از بزرگان اسلام تشیع و تسنن و تمام مسلمانان جهان در این باره راهنمایی یاری و کمک مسئلت مینمایم که مرا را هنمایی فرمایند! و اما درباره جانشین امام علی (ع) برای محمدرسول الله (ص) آیات قرآن وحی منزل حدیث فروان داریم که امام علی (ع) جانشین محمدرسول الله (ص) است! که خواهیم نوشت انشاءالله سبحان احد تعالی! و اما اگر ماجرای غدیر خم وجود داشته باشد! یقین محمد رسول الله (ص) عبارت **من كنت مولاه فهذا علي مولاه** را بیان نکرد است! احتمالاً حرف و کلمه و عبارت دیگر را فرموده است! بر جانشینی محمدرسول الله (ص) از قرآن وحی منزل و از اخبار و احادیث باید دلیل و مدرک داشته باشیم!؟

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذِنَ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (۳۲)
(قرآن کریم سورة الفاطر آیه 32)

ترجمه: الله سبحان احد فرمود: سپس وارث کردیم این کتاب قرآن را بر آن بندگان خود که آنان را برگزیده بودیم میراث دادیم پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه رو بندگان خالص الله سبحان الله علام هستند!!!
(نکاتی از مؤلف یکی از درکارهای نیک بفرمان الله سبحان پیشگام؛ وارثین قرآن و جانشین محمدرسول الله (ص) امام (ع) بوده است)

إِنَّمَا أَوْلِيَاكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ (55) وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (56)
(قرآن کریم سورة المائدة آیات 55 و 56)

ترجمه: الله سبحان احد فرمود: این است جزاین نیست ولی شما تنها الله و رسول او است؛ و کسانی که ایمان آورده اند همان کسانی هستند که نماز را برپا میدارند؛ و زکات میدهند؛ و ایشان رکوع کننده هستند! و هر کسی که الله و رسول او؛ کسانی را که ایمان آوردند ولی خود بداند پیروز است؛ بد رستیکه حزب الله همان کسانی هستند که پیروزند!!!

نکاتی از مؤلف: حزب الله نماز را برپامیدارند؛ وزکات میدهند؛ وایشان رکوع کننده هستند! و هر کسی که الله و رسول او؛ و کسانی را که ایمان آورده اند ولی خود بداند پیروز است؛ بدرستی که حزب الله همان کسانی هستند که پیروز ماندند؛ در این آیه نشانگر آن است که یکی مردان؛ ولی مؤمنین و جانشین محمد رسول الله (ص) امام علی (ع) بوده است؛ بعضی ها نوشته اند که امام علی (ع) در حال رکوع انشترش را زکات داده است؛ اول امام علی (ع) از انگوشتراستفاده نمیکرد؛ زیرا که کسانی از انگوشتراستفاده میکنند برای او؛ وسیله باشد که او را به الله نزدیکتر کند؛ که بنظر ایشان سنگ عقیق یک خاصیت دارد؛ و سنگ فیروزه یک خاصیت دارد؛ و سنگ شجر یک خاصیت دارد؛ و غیره این سنهای قیمتی را انواع جاندار مقدس حساب میکنند؛ در همین جهت از آنها استفاده میکنند! که این عمل شرک میباشد؛ زیرا که بسنگ امیدوار میشوند! دوماً در آیه در حال رکوع وجود ندارد؛ فقط تنهارکوع وجود دارد! سوماً؛ الذین را تنهابه امام علی (ع) معنی کردند در حالیکه الذین اسم موصول است! الذی یعنی یک مرد؛ الذان یعنی دو مرد؛ الذین یعنی حداقل سه مرد؛ و حد اکثر مردان بینهایت؛ اگر الذین را حداقل معنی کنیم سه مرد میشود؛ یکی از سه مرد امام علی (ع) خواهد شد؛ در این صورت این دو مردیگر چه کسانی خواهد شد؟! و اگر الذین را بینهایت معنی کنیم یکی از مردان بینهایت امام علی (ع) بود این مردان بینهایت چه کسانی خواهد شد؟! إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (قرآن کریم سورة المائدة آیات ۵۵ و ۵۶) معنی آیه تفسیر تابشی از قرآن همانا دوست شما خدا است و رسولش و آنانکه ایمان آورده اند آنانکه نماز برپامیدارند و زکوة را میدهند؛ در حالیکه خاضعند! إِنْ اللَّهُ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنْ اللَّهُ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنْ اللَّهُ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٥٨﴾ يَا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا
(قرآن کریم سورة النساء آیات ۵۸ و ۵۹)

ترجمه: الله سحان احد فرمود: الله بشما فرمان می دهد که اماناتهارا بصاحبان آنها رد کنید و؛ وقتیکه میان مردم داوری می کنید به عدالت داوری کنید بد رستیکه این فرمان نیکوی است که الله شمارا به آن پند و نصیحت می دهد؛ الله شنوای بیناست! ای کسانی که ایمان آورده اید الله را اطاعت کنید و رسول الله اطاعت کنید؛ و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید؛ پس هرگاه در امری؛ شیئی دینی اختلاف نظریافتید اگر به الله و روز بازپسین ایمان دارید آن را بکتاب الله و سنت رسول الله عرضه بدارید این بهتر و نیک فرجامتر است!!!
وَلَيْنَ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمَغْفِرَةً مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةً خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿١٥٧﴾
وَلَيْنَ مِتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لِأَلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿١٥٨﴾ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا نَفُضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾

(قرآن کریم سورة آل عمران آیات از ۱۵۷ الی ۱۵۹)

ترجمه الله سبحان احد فرمود: اگر در راه الله کشته شوید یا بمیرید؛ آمرزش و رحمت الله از آنچه در این جهان گرد می آید؛ برای شما بهتر است! و اگر بمیرید یا کشته شوید؛ بد و نیشک در پیشگاه الله محشور می شوید! بسبب رحمت الله است که ای محمد تو با آنها اینچنین خوشخوی و مهربان هستی اگر تندخو و سخت دل بودی از اطراف تو پراکنده میشدند؛ پس بر آنها را ببخشای و برای ایشان از الله آمرزش بخواه؛ و در کارهای خود با ایشان مشورت کن؛ وقتیکه قصد کار کنی بر الله توکل کن؛ که الله توکل کنندگان را دوست دارد!!!
وَالَّذِينَ يَجْتَنُونَ كِبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَفْرُونَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣٨﴾
(قرآن کریم سورة الشورى آیه ۳۷ و ۳۸)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: آن کسانی که از گناهان بزرگ و زشتیها اجتناب میکنند؛ وقتی که خشمگین شوند خطاها را می بخشایند! و آنانی که دعوت صاحب اختیار کلّ خودشان را جواب لبیک میگویند: و نماز را برپا میدارند و کاریشان را در پایه مشورت بایکدیگر انجام میدهند؛ و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق و احسان میکنند!!!

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۸۵) (قرآن کریم سورة القصص ۸۵)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: ای محمد! بد رستی که همان الله که عمل و تعلیم و تعلّم این قرآن را بر تو واجب کرد دقیقینا تو را بسوی و عده گاه روز قیامت باز میگرداند بگو: صاحب اختیار کلّ من بهتر میداند چکسی هدایت آورده و چکسی در گمراهی آشکاری است!!!

نکاتی از مؤلف: الله سبحانه احد؛ تعلیم و تعلّم و تدریس و عمل قرآن وحی منزل را

برای محمدرسول الله(ص) واجب فرموده است؛ هر کسی که بر رسالت محمد و قرآن

وحی منزل او ایمان آورده است؛ الله سبحانه احد تعلیم و تعلّم و تدریس امر بمعروف

و نهی از منکر قرآن منزل را بر او؛ واجب فرموده است؛ زیرا که هر مسلمان وارث

و جانشین محمدرسول الله در قرآن وحی منزل میباشد!!!

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۴۳) وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَ لِقَوْمِكَ

وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ (۴۴)؛ (قرآن کریم سورة الزخروف آیات ۴۳ و ۴۴)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: ای محمد! پس قرآنی که بسوی تو وحی شده است فقط بقرآن چنگ بزن و متوسل شو که تو بر راهی و روشی است الله قرار دادی! و بد رستی که قرآن برای تو؛ و برای قوم تو وسیله تذکری و نصیحت و راه و روش است و بزودی قرآن در روز قیامت از تو و از همه قوم تو پرسیده خواهد شد!!!

عَنْ أَبِي إمام صادق (ع) عَنِ الْعُلَمَاءِ وَرَثَةِ النَّبِيِّاءِ وَذَاكَ أَنَّ النَّبِيِّاءَ لَمْ يُورِثُوا إِدْرَهَنَمَا
وَالدِّينَارِ أَوْ إِنَّمَا رُتُّوا أَحَادِيثٌ مِنْ أَحَادِيثِهِمْ فَمَنْ أَخَذَ حَظًّا وَافِرًا فَانظُرُوا عِلْمَكُمْ هَذَا عَمَنْ
تَأْخُذُونَهُ! (از اصول کافی حداول کتاب فضل العلم (ص)

ترجمه: امام صادق (ع) فرمود: دانشمندا اسلام وارثان قرآن و سنت پیمبران هستند؛
برای اینکه پیمبران پول و طلاع و نقره به ارث نمیگذارند؛ و تنها احادیثی از احادیث
شان میگذارند؛ هر کسیکه از آن احادیث بگیرد بهره بسیار گرفته است؛ پس بنیکو
بنگرید که در علم خود را از چه کسی میگوید؛ الله سبحانه احد در آیات قرآن وحی منزل
فرمود: مؤمنین کسانی هستند که به الله ایمان خالص می آورند و نماز را برپا میدارند
وزکات میدهند و گناهان بزرگ را انجام نمدهند و از کارهای زشت دوری میکند؛ و در
در کارها هایشان بایکدیگر مشورت میکنند؛ بعد از شکت جنگ أحد الله سبحانه احد
به محمد برسول الله (ص) فرمود: بیاران و پیروان خود محبت و محربانی کند و در
کارهای خود با آنها شوری و مشورت کند؛ این دستورا الله سبحانه احد وقتی صادق
صادر میشود که هنوز وحی پابرجا بود که وحی قط نشده بود؛ این دستور نشانگر آن
است که مسلمانان باید در کارهای خود و با مؤمنین باید همیشه مشورت و شوری
بکنند؛ بعد از شهادت محمد رسول الله (ص) خلفاء را شدین را با شوری و مشورت
انتخاب کردند و حتی امام حسن (ع) را بزرگان اسلام با شوری و مشورت خلیفه انتخاب
کردند؛ مخالفت امام حسن (ع) موروثی نبود که بعد از شهادت امام علی (ع) بخالفت
انتخاب کردند بنابراین شوری و مشورت همشیه تاروز قامت باید ناسخ میباشد؛ و
هیچ وقت منسوخ نخواهد شد؛ زیرا که اساس اسلام قرآن و سنت در این اساس شوری
مشورت میباشد؛ که بعد از امام حسن (ع) تا حال هیچ وقت شوری و مشورت اجرانشد
نکاتی: الله سبحانه احد در روز قیامت! از محمد رسول الله (ص) سؤال خواهد فرمود:
ای محمد: آیاتو بمسلمانان گفته بودی که! **من كنت مواله فهذا علي مواله؟! حتماً یقین**

محمّد رسول عرض خواهد کرد: ای الله سبحان احد موالی و ربّ کلّ من: و موالی
 وبّکلّ انبیاء و رسولان؛ پیام آوران: و ای موالی و ربّ کلّ مسلمانان مؤمنین: اگر من
 چنین عبارت سخن را گفته بودیم تو خود میدانستی زیرا که تو عالم الغیوب بود و
 هستی! و در همه جا حاضر و ناظر فقط تو هستی! و برای من هم سزاوار نیست که چنین
 عبارت را بگویم: من در قرآن کریم وحی منزل تو گفتم: که الله سبحان احد موالی
 کلّ انبیاء ربّ العالمین و رسولان و پیام آوران و کلّ مسلمانان مؤمنین الله خالق
 جهان هستی و ربّ العالمین و الله سبحان احد ازلی و ابدی میباشد! و الله سبحان
 احد! در روز قیامت هم از امام علی (ع) خواهد پرسید؟! ای علی آیا تو گفته بودی که
 من الله خالق جهان هستم جز من الله دیگری وجود ندارد؟! امام علی در جواب الله
 سبحان احد خواهد گفت: ای الله سبحان احد خالق جهان هستی و ربّ العالمین ازلی
 و ابدی! اگر من چنین جسارتی کفر و شرک گمراهی را گفته بودم! تو خود میدانستی
 زیرا که تو عالم الغیوب و در همه جا حاضر و ناظر ازلی ابدی هستی و برای من هم
 سزاوار نیست چنین سخن و عبارت علی الهی کفر را بزبان بیاورم؛ که خود حضرت
 اعالی که عالم الغیوب در همه جا حاضر و ناظر و شاهد هستی! و میدانی که دشمنان
 تو و دشمنان دین قرآن تو و دشمنان من و دشمنان شیعیان حقیقی من چنین نسبتی کفر
 و شرک را بما نسبت داده اند! من میدانم که بشر و منده و مخلوق ضعیف و مهتاج
 و فقیر درگاه تو موالیم الله هستم! و اگر من الله بودم قدرت الهی داشتم بدست
 دشمنان خود گذشته نمیشدم! یکی از پیروان یهودی شیطان پرست عبدالله سبأ معلون
 نعمت الله جیحون است! دیوان شاه نعمت الله جیحون آبادی بنام حقّ الحقایق و
 یاشاه نامه حقیقت است! این دیوان ۸۷۱ صفحه میباشد؛ که بین دانشگاه ایران و
 فرانسه در سال ۱۳۶۱ شمس چاپ دوم بچاپ رسیده است؛ و یک نمونه از اشعار شاه
 نامه حقیقت درباره علی الهی مینویسیم؛ که مشتمل نمونه خروار است؛ تقاضا دارم

خوانندگان توجه فرمایند؛ این کتاب با سه زبان فارسی؛ و ترکی آذری؛ و انگلیسی نوشته شده است!!!

بگفتا علی اوّل و آخر است خداوند در باطن و ظاهر است
جز حیدر نباشد بمن کس خدا که دیدم همه اوست در دوسرا
بدور محمّد همان کرد گار شد از جامه مرتضی آشکار
از کتاب دیوان حق الحقایق و یا شاه نامه حقیقت ص ۱۲ و ۱۴
جیحون آباد یکی از ده کده های کرمانشاه است

بیامد ابر دون خواندگار
 که خود کرد ظاهر پیران راد
 کسی جز علی نیست از مخبر آن
 کس نبودى از آن با خبر
 خالق است؛ نیست جز او دگر
 بجز او نخوانیم کس داد گر
 کنم طاعت و هست او کردگار
 بُدی مظهری احمد مصطفی
 خداوند در باطن ظاهر است
 دیدم همه او در دسرا
 که ذات علی بود در آن بشر
 ز بغداد شد مظهر او عیان
 نبشناخت کسی آن دادگر ص ۲۲۳

چو شد ذات حقّ در جهان آشکار
 علی بود آن صاحب عدل و داد
 اگر بُد خدایی دگر در نهان
 علی گفت باشد خدائی دگر
 بکلی خالقی بزیر و زیر
 خداوند ما خدا است در دوسر
 بذات محقق علی کبار
 چو آدم شدی حی بامر خدا
 بگفتا علی اوّل و آخر است
 جز حیدر نباشد بمن کس خدا
 در آن عهد بهلول بُد دادگر
 ز بهلول دیگر نمایم بیان
 که بُد مظهر مرتضی زان بشر

خلقت شمس تبریزی از خاکستر سوخته حلاج؛ و خدای بود تولد از فروج
 کنون شرح منصور بیا آمده
 چو شد مست منصور زان کوثر
 ز پس خلق منکر در آن روزگار
 چو رجمش نمودند مردم ز نکین
 برون کرده از آنچه ورا آن کفار
 همی تیر بارانش کردند زود
 شدی بیشتر شوق آن پاک هوش
 که تاسوختند جامه انورش
 نشد باز تسکین آن صوت پاک
 همه خلق از صوت و طامات او
 که تا آن خردمند ملای روم
 برفتند اندر لب بحر رود
 خاک منصور در آن برفت
 بیاورد در خانه پنهان نمود
 ملا گفت ای دختر نیکرو
 گذشت آن زمان تا که دختر بسخت
 بهر گونه کردند از آن مزاج
 زبس دختر از جان خود ببری
 بگفتا خورم زهر گرم فنا
 بیاورد آن شیشه در بش گشود
 همان دم بشد راحت و پس دیگر
 همه خلق از آن بداد آمده
 بگفتا انا الحق منم داورا
 نمودند او را بچه سنگسار
 نشد باز خاموش آن قطب دین
 کشیدند او را بخواری بدار
 آن جسم تیر کاری نبود
 نشد زان جفا شعله او خمش
 بدریا بیپاشیده خاکسترش
 همیخواند اوصاف آن ذات تاک
 بحیرت بُدند از کرامات او
 یکی شیشه برداشت زان مرزوبوم
 بسوی همان خاک شیشه گشود
 بشد خاموش و هیچ دیگر نگفت
 بپرسید دختش زبان: آن چه بود؟!
 که این زمار است باکس مگو
 دلش درد بگفت غلطید بتخت
 نشد درد آن دخت دیگر علاج
 برفت بسوی آن شیشه یاد آوری
 شوم راحت از درد از این جفا
 همه خورد آن خاک هر چند بود
 از آن خاک منصور شد بارور

بدیدند گشتند زو بدگمان
 که دخترت کرده خطاء در وطن
 بکن رجمش اکون که گردد فنا
 ز مردانگی در دلت سور کن
 بقول محمد رسول کبار
 دیوٹ است و بدنام در هر مثل
 بیامد بدختر بگفتار فلان
 بمن خلق داده بزشتی خبر
 که ای باخرد باب بیدار هش
 بخوردم شدم بارور آنچنان
 بیا آمدش سر گذشت کهن
 قضا کار خود کرده شو کامیاب
 رشد زپس گشت مولود آن
 چو خورشید رخشان بُدی در ورود
 فروزان بُدی همچو خورزان مفاک
 شدی روشن از نور آن نو پسر
 بیاورد صندوق چوبی ببر
 بیپلوش بنهاد بس گنج وزر
 بردی بیدنداخت در بحر آب
 ز رودی جدا گشت در آن کذر
 بمادی بیک گنج باغ از قدر
 برون کرد صندوق ز آب روان

بزرگ گشت بارش زبس مردمان
 بملاً گفتند پس مرد و زن
 شده پس گرانبار او از زنا
 تو این ننگ از خانه ات دور کن
 زنا کار باید شود سنگسار
 هر آنکس کند سستی از این عمل
 چو بشنید ملاً سخن بس گران
 بگو راست از چه شدن بارور
 بیاسخ بگفت دختر از حال خوش
 بشیشه چه بودی کون من از آن
 چو بشنید ملاً ز دختر سخن
 بدختر بگفتا که ای جان باب
 گذشت آین زمان تابوعود آن
 ز دختر بشد یک پسر در وجود
 ز کامش برون آمد آن ذات پاک
 همه طاق ایوان ؛ همه رهگذر
 چو ملاً از آن پور شد باخبر
 بصندوق بنهاد پس آن پسر
 دگر کرد مسدود صندوق بتاب
 روان شد در آن بحر آن نو پسر
 برفتی چنان تا بشیهر دیگر
 همی باغبان آمد و دید آن

شده شدی شاد زان طفل و مرزوق را
نگفتا بکس راز کدی نهان
باو داد آن طفل پاکیزه جود
که با پسر نی کند اختلاف
همی شیر دادی ز خود بیشتر
ورا پرورش داد بهتر از جان
ورا شمس نامیده از این نشان
یکی شاه بودی در آن بوم و بر
نبودی همالش کسی زان بشر
پر از حق بدیدی ز پا تا بسر
بشد آگه از خویش بر حق رسید
تو بر نباشی پدر زین بشر
بهر گونه ؛ هر باب ؛ از تو نیم
کنون راست گویم بتو آن بیان
بُدی جلوه گر همچو شرق چراغ
برون کرده و دیده آن روی خوب
که تا این زمان گشته ای باتودان
بگوفتم بتو راستی سر بسر
بیاد آمدش روزگار کهن
که منصور بودی بسایق زمان
کنون دانشم زان مکاتم برد
چرا بر من نیکوی کرده سیر
بیامد بیغداد زان بارگاه

گشودی زپس درب صندوق را
زپس برد آن طفل بازر بخان
یکی دایه پُر شیر آورده زود
بدایه همیداد مُزد گزاف
دگر دایه از مهر بر آن پسر
چنان بود با آن پسر مهربان
که تا شد کبیر آن پسر در زمان
چرا همچو خورشید بُد جلوه گر
بعلم و طانت بفضل و هنر
زپس آن پسر کرد برخود نظر
بهر جا نظر کرد حق را بدید
بآن باغبان گفت هان ای پدر
بگوراست با من زانسل کیم
بپاسخ باو گفت پی باغبیان
یو را یافتم مر بآن کُنج باغ
نهان گشته بودی بصندوق چوب
بدایه سپردم تو را بعد از آن
از بیش دیگر ندانم خبر
چوبشنید شمس از پدر این سخن
بتقدیر حق گشت بینا از آن
بگفتا بآن باغبان ای خرد
خداوند بدهد تو را اجر خیر
چو این گفت زانجا روان شد براه

برفتی بخان ملا بعداز آن پس آنکه بآن مام و باب مام بر او شد ملا بعداز آن بنده وار بخواهم مفصل اگر آن کلام همین بس باین مختصر نامه را که مقصود من از حکایت نیست بود مقصدم از غلامان حق

بگفتی باو جمله نام و نشان بشد آشنا ؛ گشته زو شاد کام گذر کرد زانها دگر روز گار بگویم بصد کتب نبود تمام بهر کسی کنم روشن آن جامه را از این ره مفصل روایت نیست که سازم عیانشان ورق در ورق

در این زمان ملا رومی بلخی فرزند بهاولد؛ یهودی گفت:

گفت: پیر من و مراد من؛ درد و دواى من؛ فاش بگویم این؛ شمس و خدای من!
پایان شمه از سرگزشت شمس تبریزی خداوند تولد از فروج؛ از کتاب حق القحایق و یا شاه نامه حقیقت؛ شاه نعمت اله جیحون آبادی؛ از صفحه ۲۶۱ اشعار دیگر از ملا رومی یهود معلون

ای مرغ خوش الحان بخوان الله مولانا علی** تسبیح خود کن بر زبان الله مولانا علی خواهی که یابی زندگی بشتاب اندر بندگی** تا بخشدت زبندگی الله مولانا علی اسمش عظیم واعظم است غفران و فردو عادمست** مولای حق آدم است الله مولانا علی خواهی که یابی زونشان جان در ره او برفشان** کوجان دهست وجانستان الله مولانا علی سبحان حی لاینام پیدا ز تو هر صبح و شام** حج و نماز است وصیام الله مولانا علی رزاق رزق بندگان مطلوب جمله طالبان** مأمور امر کن فکان الله مولانا علی سلطان بی مثل و نظیر پروردگار بی وزیر** دارنده برنا و پیر الله مولانا علی

دارنده لوح و قلم پیدا کن خلق از عدم **میر عرب فخر عجم الله مولانا علی سر دفتر هر انجمن علامه مصر و یمن ** آن پردل دشمن فکن الله مولانا علی مجموع قرآن مدحتش حمد و ثنا و عزتش ** نام بزرگی خدمتش الله مولانا علی هم مؤمنان و مؤمنات وحش و طیور و هم نبات ** مقصود کل کائنات الله مولانا علی اشجار و کوه و بحر و بر هم آسمان اندر نظر ** تسبیح گویندش بفر الله مولانا علی در بندگی می بند کمر اندر طلب میرو بسر ** خوش هادی است و راهبر الله مولانا علی گر عاشقی و راه بین غره مشو خود را ببین ** وانگه زجان و دل گزین الله مولانا علی ای بنده شیرین زبان از دیو اگر خواهی امان ** هر دم بر آور تو زجان الله مولانا علی ای شمس دین جانباز جان در معانی بر فشان ** تا آیدت در گوش جان الله مولانا علی خواهی که یابی زونشان جان در ره او بر فشان ** کوجان ده است و جان ستان الله مولانا علی نکاتی از مؤلف: الله سبحانه احد خالق جهان هستی و رب العالمین: از زهرای اطهر دختر محمّد رسول الله (ص) (و همسر امام علی (ع) مادر امام حسن (ع) و امام حسین (ع) مادر قهرمان کربلا زینب (س) و مادر عمگنثوم که تنها یار و زینب بوده است! و از مادر ائمه اطهار خواهد پرسید؟! ای زهرا آیاتو گفته بودی که من الله هستم؛ و تو گفته بودی که جبرئیل بمن وحی آورده من گفتم: همسر امام علی ابن ابیطالب نوشت؛ کتاب بنام مصحف فاطمه و جامعه که مشتمل بر تمام نیاز مندیهای مردم در آن است؛ که در آن تمام حوادث عالم بیان شده است؛ و کتابی است که هفتاد ذراع طول آنست؟! فاطمه زهرا (س) یقیناً عرض خواهد کرد: ای الله سبحانه احد! ولی و موالی و رب من اگر من چنین جسارت و عبارت و سخن گفته بودم: تو خود دانسته بودی زیرا که تو

عالم الغیوب و در همه جا حاضر و ناظر ازلی و ابدی بودی؛ هستی! برای من سزاوار نیست چنین کلمات و عبارات؛ شرک گمراهی بزرگ بزبان بیاورم! ای الله سبحان احد خود تو از همه داناتر؛ عالم تر؛ آگاه تر هستی چنین عبارت بیان کفر و شرک افترا! تحریف کننده های تورات موسی و نسل آنانکه یهودیان گفته و نوشته اند! همان تورات فعلی را نوشته اند که سکسی ترین کتاب جهان بوده و هستی! **کتاب تورات فعلی الله را انسان آسمانی نوشته است که آدم را بصورت خود آفریده است و نوشته است خدای تورات فعلی از زنان برای خود زن گرفته است؛ از مردان نیز برای خود زن گرفته است؛ و خودش هم زانیده است!** سلیمان نخست زاده خدای تورات فعلی میباشد! بنابراین خدای تورات فعلی جسم و مذکر و مؤنث است؛ و کسیکه میزاید باید شوهر داشته باشد؛ ولی شوهر خداوند تورات فعلی را در تورات فعلی پیدا نکردیم؛ شاید نداشت؛ ولی جسم و مذکر و مؤنث میباشد! پس در صورت خدای تورات فعلی هم جنس باز است؛ زیرا که اگر مرد بود از مردان زن گرفته است؛ و اگر زن بود از زنان زن گرفته است؛ و خودش هم زانیده است! بنابراین خداوند تورات فعلی هم جسم؛ و هم مذکر؛ و مؤنث؛ و هم همجنس باز است؛ شاید مردان و زنان همجنس باز و هوی پرست امروز همجنس بازی را از خداوند تورات فعلی یاد گرفته اند! بنابراین در این تورات فعلی جعلی! به ابراهیم بُت شکن خلیل الله و قهرمان توحید (ص بزرگترین و تهمت افترا را بخودش همسرش خانم سارا (س) مادر بزرگ کل انبیاء؛ رسولان روا داشتند و در این تورات سکسی فعلی نوشته اند (لوط) نبینا باد و دختر زنا می محر کرده هر یکی دختران لوط یک پسر زنا زاده بدنیا آورده اند! قوم یهود در تورات فعلی نوشته اند! خداوند میدانست برای ما انسان حیوانیاتی الزام است! دال بر این عبارات انسانهای غیر یهودیان حیوانات مال یهودیان است! زیرا که گفتند: ما فرزندان حضرت خداوند هستیم از آنان هر طوریکه میخواهیم از آنها استفاده میکنیم برای اینکه حیواناتند!

قوم یهودتتهاقومی هستند! گوشت و خون غیریهودی را حلال میدانند و میخورند
 قوم یهودتتهاقومی هستند که انبیاء و رسولان؛ پیام آروران الله سبحان احد را بناحق
 بقتل میرسانیدن میکشند این عمل ه[م در تورات فعلی و هم در انجیل و هم قرآن
 کریم وحی منزل الله سبحان احد خالق و رب العالمین موجود میباشد قوم یهودیان
 ؛ ظاهر اعیسی مسیح رسول و نبی الله (ص) سبحان احد را بسلیب کشدند؛ و بعد گفتند:
 عیسی الله است؛ مریم مقدس (س) تهمت و افتراء گفتند: مریم با مرد بنام باندار زنان
 کرده عیسی از آنها تولدیافت که عیسی زنازاده میباشد! نعوذ بالله! یهودتتهاقومی
 هستند است الله سبحان احد خالق جهان هستی و رب العالمین ازلی ابدی! اجداد این
 قوم ملعون را فرزندان یهودا و تمار عروس یهودا را بخوک و میمون تبدیل کرد!!!

احوالات عیسی مسیح رسول الله (ص)؛ (و مادر مقدس مریم)؛ (س) در قرآن کریم
 وحی منزل الله سبحان احد علام و علیم خالق جهان هستی و رب العالمین!!!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَإِذْ كَرَّمْنَا الْقِتَابَ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِ مَكَّنَا شَرِقِيًّا (١٦) فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا
 فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتُ تَقِيًّا
 ﴿١٨﴾ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ﴿١٩﴾ قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ
 يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ﴿٢١﴾ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَنَجَعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ
 وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَفْضِيًّا ﴿٢١﴾ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٢﴾ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ
 إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا نَسِيًّا ﴿٢٣﴾ فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا
 أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿٢٤﴾ وَهَزِي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا
 جَنِيًّا ﴿٢٥﴾ فَكَلِمَةَ وَشَرَّبِي وَقَرِي عَيْنًا فَأَمَّا تَرِينَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقَوْلِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ
 صَوْمًا فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ أَنْسِيًّا ﴿٢٦﴾ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا

﴿27﴾ يَاأَخْتَ هَارُونَ مَاكَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوْءًا وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا ﴿28﴾ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا
 كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿29﴾ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا
 ﴿31﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿31﴾ وَبَرًّا
 بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿32﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ
 أُبْعَثُ حَيًّا ﴿33﴾ ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿34﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ
 يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذْ قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿35﴾ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ
 فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿36﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ
 مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿37﴾ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ
 مُّبِينٍ ﴿38﴾ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿39﴾ إِنَّا
 نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِنَّا يُرْجَعُونَ ﴿41﴾

(قرآن کریم قرآن کریم سورة مريم آيات از 16 الى 41)

الله سبحان احد فرمود: ای محمد ودراین کتاب قرآن از مریم یاد کن آنگاه که از
 کسان خود در مکانی شرقی بکناری شتافت! و در برابر آنان پرده ای بر اطراف خود
 گرفت؛ پس روح القدس خود را بشکل بشرخوش اندام بسوی او فرستادیم؛ بر او
 نمایان شد! مریم گفت: اگر پرهیزگاری من از تو به الله رحمان پناه میبرم! روح
 القدس گفت: من فقط فرستاده صاحب اختیار کلّ تو هستم؛ و برای اینکه بتو پسری
 پاکیزه ببخشم! مریم گفت: چگونه پسری برای من میباشد؟! برای آنکه دست بشر
 ؛ بمن نرسیده و من هم زن بد کار نبوده ام! روح القدس گفت: صاحب اختیار کلّ تو
 چنین اراده فرمود: و تا آن پسر را نشانه ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش
 قرار بدهیم و این دستوری از طرف الله قطعی بوده است! پس مریم به عیسی
 آباستن شد؛ از درد زایمان او ب مکان دور افتاده پناه جست! و درد زایمان او را بسوی
 تنه درخت خرمایی کشانیده گفت: ایکاش پیش از این مرده بودم؛ فراموش شده بودم

ندای باو گفت: مخور صاحب اختیار کلّ تو؛ زیر پای تو چشمه آبی پدید آورده است و گفت: غم مخور تنه درخت خرما را بطرف خود بکش و تکان بده بر تو خرما می تازه میریزد و بخور و بنوش و دیده روشن دار؛ پس اگر کسی از آدمیان را دیدی بگویی: من برای الله رحمان روزه نذر کرده ام و امروز مطلقا با انسانی سخن نخواهم گفت: پس مریم در حالیکه عیسی مسیح را در آغوش گرفته بود بنزد قومش آورد گفتند: ای مریم بدرستی که کار بسیار ناپسندی مرتکب شده ای: خواهر هارون پدرت مرد بدی کار نبود و مادرت هم نیز بد کاره نبوده! مریم بسوی عیسی مسیح اشاره کرد و با اشاره گفت: با بچه گفتگو: کنید! گفتند: چگونه با کسیکه در گهواره و کودک است سخن بگوییم؟! عیسی گفت: من بنده الله هستم و بمن الله کتاب داده و مرا رسول و پیام آور قرار داده است! و هر جایکه باشم مرا با برکت ساخته و تازنده ام بنماز و زکات سفارش کرده است! و مرا نسبت بمادر م نیکوکار کرده و زورگو: و نافرمانم نگردانیده است! و سلام بر من روزی زایده شدم و روزیکه میمیرم و روزیکه بر حساب قیامت زنده برانگیخته میشوم که! الله سبحان احد فرمود: این است ما جرّای عیسی پسر مریم همان گفتار: الله سبحان احد: بدرستی که در آن شك میکنند! الله فرمود: برای الله سبحان احد! سزوار نیست که برای خود فرزندی برگیرد؛ و انتخاب کند؛ الله سبحان احد از این عیب ایراد پاک و منزّه است! الله قادر کاری را اراده کند همین قدر است بآن میگوید: موجود باش پس بیدرنگ موجود میشود! و عیسی گفت: بدرستی که الله سبحان است؛ صاحب اختیار کلّ من؛ و صاحب اختیار کلّ شما است؛ پس الله احد را بپرستید این راه راست و در ستر! الله سبحان فرمود: اما دسته های گوناگون از میان آنها به اختلاف پرداختند؛ پس وای بر حال کسانی که کافر شدند از مشاهده روزی قیامت دهشتناک! الله سبحان احد فرمود: چه شنوا و بینا هستند روزیکه بسوی مامی آیند؛ ولی ستمگران امروز در گمراهی آشکار هستند! ای محمّد: آنان را از حسرت بیم بده آنگاهیکه داوری

انجام بگیرد و حال آنکه آنها اکنون در غفلتند؛ و فردی است ایمان آوردن را ندارند! الله سبحان فرمود: ماییم که زمین را با هر کسی که در آن است بمیراث میبریم و همه بسوی ما بازگردانیده میشوند!!!

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ إِنَّا نَصُطْفَاكَ وَطَهَّرَكَ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ﴿٤٢﴾ يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٤﴾

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَ جِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٥﴾ وَ يُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا وَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٤٦﴾ قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرًا قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذْ يَقُولُ ضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿٤٧﴾ وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ ﴿٤٨﴾ وَ رَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَبْرَأُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أَحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَنبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٤٩﴾ وَ مَصَدَقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَحْلَلْ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَيُتَّقُوا اللَّهَ وَ أُطِيعُوا (٥١) إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٥٢﴾ فَلَمَّ أَحْسَسَ عِيسَىٰ مِنْهُمْ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّمَا نُسَلِّمُونَ ﴿٥٣﴾ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٤﴾ وَ مَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ﴿٥٥﴾ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَحْكُم بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٥٦﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذِبْنَا لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَالَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٥٧﴾ وَ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٥٨﴾ ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَ الذِّكْرِ الْحَكِيمِ ﴿٥٩﴾ إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿٦٠﴾ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُن مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿٦١﴾ (قرآن کریم سورة آل عمران آیات 42 الی 61)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: ای محمد: ویا د کن هنگامیرا که فرشتگان گفتند: ای مریم الله تورابرگزیده وپاک ساخته وتورابرزنان جهان برتری داده است ای مریم تسلیم فرمان صاحب اختیارکلّ خود باش؛ وسجده کن وبارکوع کنندگان رکوع نما!

الله سبحانه احد فرمود: ای محمّد: این جمله از اخبار غیب است که بتو وحی میکنیم؛ وقتیکه بزرگان قلمهای خود را برای قرعه کشی به آب می افکندند تا کدام يك سر پرستی مریم را به عهده بگیرد؛ تو نزد آنان نبودی؛ و نیز وقتی بایکدیگر کشمکش میکردند نزدشان نبودی! بکلمه ای از جانب خود که نامش مسیح عیسی ابن مریم است مژده میدهد؛ در حالیکه عیسی مسیح در دنیا و آخرت آبرو مند و از مقربان درگاه الله است! و در گهواره با اعجاز و در میان سالی بوحی الله با مردم سخن خواهی گفت: و از شایستگان است! مریم گفت: ای صاحب اختیار کلّ من؛ چگونه مرا فرزندی خواهد بود؛ با آنکه بشری بمن دست نزده است روح القدس گفت: کار الله چنین است؛ کار صاحب اختیار کلّ تو الله این چنین است! هر چه را بخواهد می آفریند چون بکاری فرمان بدهد فقط به آن میگوید: باش پس میباشد! و به عیسی مسیح کتاب و حکمت و تورات و انجیل را می آموزد! عیسی مسیح را به عنوان رسول و پیام آوری بسوی بنی اسرائیل فرستاده که او به آنان میگفت: بدرستی که من از جانب صاحب اختیار کلّ خود شما؛ برای شما معجزه ای آورده ام من از گل برای شما چیزی بشکل پرنده میسازم آنگاه به آن میدم پس به اذن الله پرنده ای میشود؛ و به اذن الله نابینای مادر زاد و پیس را بهبود می بخشم و مردگان را به اذن الله زنده میکنم؛ و به اذن الله شما را از آنچه میخورید و در خانه هایتان ذخیره میکنید خبر میدهم؛ مسلماً در این معجزات برای شما اگر مؤمن باشید عبرت است! میگوید: آمده ام تاتورات را که پیش از من نازل شده است؛ تصدیق کننده باشم و تا پاره ای از آنچه را که بر شما حرام گردیده برای شما حلال کنم و از جانب صاحب اختیار کلّ خودتان برای شما معجزه ای

پس از الله بترسید و از من هم اطاعت کنید! بدرستی که الله صاحب اختیار کل من و صاحب اختیار کل شماست؛ پس الله را بپرستید و بندگی کنید که راه راست و درست فقط این راه است! چون عیسی از آنان احساس کفر کرد؛ گفت: یاران من در راه الله چکسانی هستند حواریون گفتند: مایاران دین الله هستیم به الله ایمان آورده ایم و گواه باش که ما تسلیم الله هستیم و گفتند: ای صاحب اختیار کل ما! به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم و فرستاده ات و رسول ات را پیروی کردیم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس! و دشمنان مکر و رزیدند؛ و الله در پا سخشان مکر در میان آورد و الله بهترین مکرانگیزان است! ای محمد یاد کن هنگامی را که الله گفت: ای عیسی من تو را فوت میدهم و میمیرانم و بسوی خویش بالامیبرم و تو را از کفر و شرک کسانی که کفر ورزیده اند پاک میگردانم؛ و تا روز رستاخیز کسانی را که از تو پیروی کرده اند فوق کسانی که کافر شده اند؛ قرار خواهم داد آنگاه بازگشت فرجام شما بسوی من است؛ پس در آنچه بر سر آن اختلاف میکردید میان شما داوری خواهم کرد! اما کسانی که کفر ورزیدند در دنیا و آخرت بسختی عذابشان میکنم؛ و یارو یاورانی نخواهند داشت! و اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند الله مزدشان را بتمامی به آنان میدهد؛ و الله ظالمین را دوست نمیدارد! اینهاست که ما آن را آیات و قرآن حکمت آمیز را؛ ای محمد بر تو میخوانیم! در واقع مثل عیسی مسیح نزد الله همچون مثل خلقت آدم است؛ که آدم را از خاک آفریدم؛ سپس بدو گفتم: باش پس وجود یافت؛ و آنچه درباره عیسی گفته شد حق و از جانب صاحب اختیار کل تو است؛ پس از تردید کنندگان مباش! فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفِّرْتُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتَلْتُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿155﴾ وَ كُفِّرْتُمْ وَ قَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا ﴿156﴾ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا

اتَّبَعَ الظَّنُّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿١٥٧﴾ بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٥٨﴾
 وَ إِنِّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا
 ﴿١٥٩﴾ فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بَصَدَهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
 كَثِيرًا (١٦٠) وَأَخَذَهُمُ الرِّبَا وَقَدْنَاهَا عَنَهُ وَ أَكَلَهُمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ
 مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦١﴾ (از قرآن کریم آیات از 155 الی 161)

ترجمه: الله سبحان احد فرمود: پس بسزای پیمان شکنی یهودیان؛ و انکار ایشان نسبت بکفر آیات الله؛ و کشتار ناحق یهودیان از انبیاء و رسولان را! گفتار ایشان که دل‌های مادر غلاف است لعنتشان کردیم! بلکه الله بخاطر کفر ایشان بر دل‌های شان مهرزده و در نتیجه جز شماری اندک از ایشان ایمان نمی آورند! و نیز بسزای کفر ایشان؛ و آن بهتان و تهمت افتراء بزرگی که بمریم مادر عیسی مسیح زدند! و گفته ایشان که مامسیح عیسی ابن مریم پیام آور و رسول الله را کشتیم و حال آنکه آنان عیسی را نکشتند و مصلوبش نکردند! لیکن امر بر یهودیان مشتبه شد و کسانی که درباره عیسی اختلاف کردند! یقیناً! در مورد عیسی مسیح دچار شک شده اند و هیچ علمی بدان ندارند! جز آنکه از گمان پیروی میکنند و یقیناً عیسی را نکشتند! بلکه الله عیسی مسیح را بسوی خود بالا برد و الله توانا و حکیم است! و از اهل کتاب کسی نیست مگر آنکه پیش از مرگ خود حتماً به عیسی مسیح ایمان می آورد! و روز قیامت عیسی نیز بر آنان شاهد خواهد بود! پس بسزای ظلمی که از یهودیان سرزد و بسبب آنکه مردم را بسیار از راه الله باز داشتند! چیزهای پاکیزه ای را که بر مردم حلال شده بود؛ حرام گردانیدن! و بسبب ربا گرفتن ایشان با آنکه از ربا گرفتن نهی شده بودند! و بنا بر او مال مردم را ایشان خوردن؛ و از راه الله باز داشتند؛ و ما برای کافران ایشان عذابی دردناک آماده کرده ایم!!!

قال الله: وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا (۱۵۷) بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا (158) (قرآن کریم سورة النساء 157 و 158)

قال الله سبحانه احد فرمود: وگفته ایشان که مامسیح عیسی بن مریم رسول الله را کشتیم! و حال آنکه آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که درباره او اختلاف کردند قطعاً در مورد آن دچار شک شده اند و هیچ علمی بدان ندارند جز آنکه از گمان پیروی میکنند و یقیناً او را نکشتند! بلکه الله او را بسوی خود بالا برد و الله توانا و حکیم است!!!

قال الله: إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ارْقُطْ إِلَيَّ وَمُطَهِّرِكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاجْعَلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (قرآن کریم سورة آل عمران آیه 55)

قال الله سبحانه احد فرمود: و چون الله گفت: ای عیسی من تو را وفات میدهم میمیرنم؛ و تو را بسوی خودم بالا میبرم؛ و تو را از دست کفار نجات میدهم؛ و از نسبتهای ناروا پاک میکنم؛ و آنان را که پیرو تو اند! برتری میدهم بر منکرین تو تا روز قیامت؛ سپس باز گشت شما بسوی من است تا حکم میکنم بین شما؛ در آنچه همواره اختلاف میکردید!!!

نکاتی از مؤلف: جمله متوفیک را فعک الی دلالت دارد که عیسی (ص) قبض روح شده و؛ وفات نموده و جسد او بمقام اعلی رسیده! پس اخباری که دلالت حیات عیسی دارد! کلاماً مخدوش است! بنابراین از آیات قرآن این معنی بدست میآید؛ الله سبحانه احد عسی (ص) را میمیراند و فوت داد و جنازه او را ببالا برد و بکجا برد معلوم نیست پس در این صورت عیسی (ص) ابن مریم مقدس (ص) زنده نمیباشد!!!

شمة از احوالات و سرگذشت مریم مقدس (س) و پسرش عیسی مسیح (ص) نوشته شده جواب کفار و مشرکین خیانت کاران و شیطان پرست ملعون یهودیان ضدالله سبحان احد خلاق جهان هستی ورب العالمین ازلی و ابدی دشمن کل رسولان و نبیین و ائمه اطهار و شهداء و صدیق و ناموس دهر قرآن کریم و قاتلین انبیاء مرسلین و خون خوار و گوشت خوار انسانهای غیریهود را نوشته ایم؛ و اگر کسیکه میخواهد یهودیان فاسد اخلاقی را خوبتر بشناسید!!!

قبل از نزول قرآن کریم وحی منزل الله سبحان احد خلاق هستی ورب العالمین ازلی و ابدی! یهودیان ملعون شیطان پرست عده انبیاء و مرسلین و پیام آوران و پیروان مؤمنین و مسلمانان خالص و حقیقی را بقتل رسانیدن؛ و شیطان و بت پرستی کبالای و فسادهای گوناگون را بتام معنا انجام میدادند!!!

بدترین بهتان و تهمت اهانت و دروغ را روا داشتن و نوشتند که در این کتاب مقدس عهد عتیق تورات فعلی موجود میباشد؛ و خودشان نوشته اند که تورات موسی کلیم الله تحریف کرده اند؛ و در کتاب تلمود (یعنی آئین یهود) در همین کتاب تلمود؛ همان اراجیف و کذب که در تورات فعلی آیات شیطانی نوشتند و در تلمود هم نوشته اند؛ و اناجیل فعلی همان کفر و شرک و اراجیف کذب نوشته ای این دو کتاب آیات شیطانی تورات و تلمود را؛ و نوشته اند بیان کردند! و قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی وحی منزل الله احد و ختم کننده ای وحی و نبوت و خاتمن نبیین؛ قتل غارت و کفر و شرک بت پرستی فساد اخلاقی جهانی بی بندباری و گمراهی خیانت کاری این قوم ملعون یهود خون و گوشت خواری غیریهود را بجهانیان بیان فرموده؛ است! حتی تاریخ تمدن و لدرانت خود یهود است؛ برای خیانت و جنایت ربا خواری و قتل غیریهود را احترام کرده است؛ و حتی نوشته از تمام ممالک دول کل اروپا بیرون کردند! اینجانب از سمای جمهوری اسلامی ایران تقاضا دارم که سریال دسیه را دوباره

پخش فرمایند که برای این سریال زمان خلیلی خوبی است؛ و از شبکه های کلمه و نور و غیره هم تقاضا دارم این سریال دسیه تاریخی تشکیل غاصب دولی شیطان پرست را پخش فرمанд!!!

یهودیان ملعون شیطان پرست؛ کتاب دارند بنام پروتکل‌ها که بیست و چهار پروتکل دارد که هر پروتکل به اصطلاح چند قانون اصل حدوداً دویست سال پیش نوشته شده مانند قانون اساسی است که تمام قانون این پروتکل ضد اصل تورات موسی (ص) میباشد؛ حتی یک قانون پروتکل با اصل تورات موسی کلیم الله (ص) مطابقت ندارد که هیچ بلکه ضد اصل تورات موسی کلیم الله (ص) میباشد! این کتاب در اصل بزبان عبری نوشته شده است! ده نفر که این کتاب را ترجمه کرده هر ده نفر ترجمه کنندگان را یهودیان ترست ملعون شیطان پرست کبابی ترور کردند!!!

اولین بار کسی که این کتاب را ترجمه کرد یک خانم فرانسوی بود بزبان فرانسه ای ترجمه کرده بود که یهودیان ملعون شیطان ترورست این خانم را ترور کردند!!! اصل شماره سیزدهم این کتاب ضد موسی کلیم الله (ص) و ضد انبیاء و ضد نسانیت رامینوسیم! اول در تلاش برای ورزش حرفه ای گوناگون جهانی؛ و دوم گسترش بسیار گوناگون و پیچیده مواد موخدر؛ و سوم مشروبات الکلی گوناگون؛ و چهارم مراکز رقص و آوازی بندبازی و فحشاع برای جوانان؛ و پنجم بهرکاری و راهی که طلا را بدست آوریم و جمع نمایم؛ و ششم هرطوری شده دشمنان یهود را ترور کرده از بین میبریم؛ و هفتم ربا گرفتن از غیر یهود خلیلی بیرحم باشیم با این راه هم مال غیر یهود را از دستش میگیریم و هم خود ایشان را بنده وارمینمایم!!!

ورزش حرفه ای از همه اینها خلیلی مهمتر است! زیرا که مغز ورزشکار حرفه ای جز ورزش حرفه ای چیز دیگر فکر نمیکنند همیشه تفکر و اندیشه اش ورزش حرفه ای خود با تلاش ترقی کرده در ورزش حرفه ای خود اگر بتواند یک روزی قهرمان بشود!

هزاران نفر در ورزش حرفه ای خود در تلاش کوناگون در همه وقت شب و روز تمرین ورزش حرفه ای خود را انجام می‌دهد و از همه معنویات دینی سیاسی و خدا شناسی اقتصادی و کسب کار و تشکیل خانواده و محروم میماند و اگر هم ازدواج کند به سرش بخوبی رسیدگی نمی‌کند و طول یک عمر در ورزش حرفه ای تلاش کند؛ باز هم نمیتواند قهرمان جهان بشود عمرش با عشق و باطل ورزش بسر میرود اگر هم که قهرمان جهان بشود خطرهای غیره منتظره در اینظارش وجود دارد! مانند جهان پهلوان غلام رضاتختی با آن افخار پهلوان جهانی شنیدیم که خودکشی کرده؛ است هنوز که هنوز علت خودکشی آن مرد پهلوان معلوم نشده است! در آن زمان روزنامه بنام توفیق نوشته بود که تختی را خودکشی را کردند! همان روزنامه شعر دو بیتی داشت که هر روز آن شعر را مینوشت که این بود!!!

بدبخت کسی است که پیروی پیر عقل شد = شبخت کسی است که خرآمد الاغ رفت

و دختران جوانم و خانمها مسلمان را بحجاب قرانی توصیه سفارش مینمایم زیرا که حجاب اصل آیات و قانون قرآن وحی منزل الله سبحانه احد میباشد؛ حجاب قانون بشر نیست بلکه قانون الله سبحانه احد میباشد؛ بر سولان و انبیاء و پیام آوران بوسیله وحی منزل فرستاده و دستور داده است! که حجاب نقانون بشر است و نقانون امامت است و نقانون آیت الله عظام است و نقانون علماء است و نقانون حجت الاسام است و نقانون سادات است! حجاب فقط و فقط قانون فرمان الله سبحانه احد نص آیات قران کریم وحی منزل الله سبحانه احد میباشد! و هر کسی که حجاب را رعایت نکرده لجاجت با قانون قران الله سبحانه احد کرده؛ مرتد میشود؛ یعنی از اسلام قرآن خارج شده؛ و به داخل کفار و مشرکین و گمراهان داخل میشود و از رحمت الله سبحانه احد؛ در هر دو جهان محروم میشود!!!

کلّ فرزندان جوانم و بردارن و خواهرانم رابه نماز خواندن توصیه و سفارش میکنم زیرا که نماز است که انسان را بنزدیکی الله سبحانه و بندگیش را ثابت محکم می نماید؛ و نماز انسان را از گاهای پست و زشت ناپسند باز میدارد؛ و برای نماز خوان آرامش میبخشد و امیدورای میدهد و نماز اصل بندگی در پیشگاه الله سبحانه خلاق از همه چیز و همه کسی با ارزشتر است؛ و اگر نماز انسان قبول شود عملهای دیگرش قبول است!

اشعار درباره نماز

سبب عزت موجود نماز است و نماز	زینت درگه معبود نماز است و نماز
بی نماز از نظر لطف خدا محروم است	شرع را مقص و مقصود نماز است و نماز
پیش سلطان همه کس تحفه لایق ببرد	تحفه بر حضرت معبود نماز است و نماز
روز میزان عمل موقع دیوان حساب	قاضی و شاهد و مشهود نماز است و نماز
گفتم ای عقل ز طاعت همگی افضل چیست	عقل یکبار به فرمود نماز است و نماز
روز و شب گریه کنی	شرط اول که دهد سود نماز است و نماز
همه وقت در حرم او به زیارت باشی	شرط لازم به نجات ناب نماز است و نماز
هان حسین روز جزا دشمن ضال و بی نماز	خضم طاغوت و ابلیس نماز است و نماز

شیطان رانده گشت به جزیک خطا نکرد خود را برای سجده آدم رضا نکرد
شیطان هزار مرتبه بهتر ز بی نماز آن سجده بر آدم و این بر خدا نکرد

أَتْلُ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (قرآن کریم سوره العنکبوت آیه 45)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: ای محمد آنچه از کتاب قرآن منزل بسوی تو وحی شده بخوان؛ نماز را برپا دار که نماز انسان از کارهای زشت و ناپسند باز میدارد و بدستیکه ذکر الله بالاتر است؛ و الله میداند چکار میکنید! و هر کسیکه نماز نخواند مسلمان نیست و دین ندارد!!!

نکاتی از مؤلف: شمه ای از کفر و شرک و گمراهی خیانت فساد و خون ریزی قتل و غارت یهودیان بُت پرست و شیطان پرست که دشمنی الله را هم کردند؛ و از انبیاء و رسولان و پیام آوران الله چندین بار شکست سخت خوردند؛ ولی باز هم دشمنی از دین الله دست نکشیدند؛ یکبار بخت نصر از پادشاهان کلدان که تا 562 قبل از میلادی سلطنت داشت؛ ببیت المقدس حمله کرد؛ و آن را خراب و ویران کرد و دولت یهود را منقرض ساخت؛ بعد از قتل و غارت تمامی یهودیان ببرده گی گرفتند؛ و فروش رسانیدمینویسند: **برده یهودیان آنقدر ارزان بود؛ یک اسب معمولی از برده یهودی گرانتر بود!** تا اینکه کورش بزرگ قیام کرد یهودیان را از برده گی آزاد کرد؛ باز هم شروع کردن دشمنی با الله سبحان و دین الله؛ در نتیجه یک بار هم گرفتار فرعون مصر؛ رام سس دوم؛ در زمان موسی کلیم الله (ص) شدند؛ قرآن کریم درباره فرمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طَسَمَ (۱) تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲) نَتَلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۳) إِنْ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدْبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (۴) وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۵)

(قرآن کریم سوره القصص آیات 1 تا 5)

ترجمه: الله سبحان احد فرمود: ای محمد: این است آیات کتاب قرآن روشنگر بخشی از گزارش حال موسی و فرعون را برای آگاهی مردمیکه ایمان می آورند؛ بدرستی که ای محمد بر تو میخوانیم! فرعون در سرزمین مصر سر برافراشت و مردم آن را گروه گروه ساخت گروهی از آنان را بزبون وضعیف میداشت؛ پسرانشان را سر میبرد؛ بقتل میرسانیدند؛ و زنان ایشان را برای بهره کشی کوناگون زنده بر زمین میگذاشت که فرعون از فساد کاران بود! الله فرمود: و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین وضعیف شده بودند منت بگذاریم؛ و امامان برای مردم وضعیف شده بودند قرار بدهیم و ایشان را وارث زمین فرونیان نمایم!!!

نکاتی از مؤلف: بعد از اینکه الله سبحانه احد قوم موسی (ص) را از دریا عبور فرمود: و فرعون و لشگریانش در دریا غرق فرمود: بنی اسرائیل از بندگی فرون و فرونیان آزاد شدند شروع بطیغان کردند گوساله را خدای خود گرفتند و بت پرستی کردند! و موسی (ص) گفتند: اگر الله را آشکارا نبینیم بتو ایمان نمی آوریم!!! مدتی زیادی با این لجاجت کفر و شرک و گمراهی و شیطان پرست شد؛ و تا عیسی مسیح رسول الله (ص) ابن مریم مقدس (س) رسالت و نبوت خود را درسی سالگی آشکار و اعلام کرد بزرگان یهود با آن جناب مخالفت بعد از اینکه الله سبحانه احد قوم موسی (ص) را از دریا عبور فرمود: و فرعون و لشگریانش در دریا غرق فرمود: بنی اسرائیل از بندگی فرون و فرونیان آزاد شدند شروع بطیغان کردند گوساله را خداوند خود گرفتند و بت پرستی کردند! و موسی (ص) گفتند: اگر الله را آشکارا نبینیم بتو ایمان نمی آوریم!!!

مدتی زیادی با این لجاجت کفر و شرک و گمراهی و شیطان پرست شد؛ و تا عیسی مسیح رسول الله (ص) ابن مریم مقدس (س) رسالت و نبوت خود را درسی سالگی آشکار و اعلام کرد بزرگان یهود با آن جناب مخالفت بظاهر او را بسلیب کشیدند از بین بردند پیروز شدند! ولی منتظر نبی و رسول بودند که رسول نبی بنام محمد و احمد در منطقه حجاز ظهور خواهد کرد یهودیان به امید اینکه آن رسول و نبی از طایفه یهود خواهد شد بشهر یثرب کوچ کردند در کنار یثرب قلعه بسیار محکمی ساختند خارج از قلعه کشاورزی و دامداری و پرورش شتر کردند! شش قرن بعد از سپری شدن میلاد عسی مسیح (ص) ابن مریم مقدس (س) محمد رسول الله (ص) در مکه ظهور کرد! آواز ظهور محمد رسول الله (ص) در همه جای منطقه حجاز منتشر شد! و همه؛ اهل یثرب ب فکر افتادن آیا این همان رسول و نبی است؟! که تورات موسی کلیم الله (ص) و انجیل عسی مسیح ابن مریم مقدس (س) خبر داده است و همه در انتظار میکشیدند و برای آنها سؤال بود؟! در این زمان دوازده نفر جوان هوشیار از اهل یثرب با هم توافق که

بمکه بروند با محمد رسول الله (ص) ملاقات کنند و سوالات نمایند و صحبت بجای آورد
 ؟! تا بفهمند آیا واقعاً محمد رسول و نبی هست یا نه؟! ۱۲ جوانان هوشیار رفتند بمکه
 محمد رسول الله (ص) را پیدا کردند! چندین روز با محمد رسول الله (ص) صحبت کردند
 و سوالات نمودند؛ برای این جوانان هوشیار ثابت شد محمد رسول الله (ص) و نبی از
 طرف الله سبحانه احد می باشد! با محمد رسول الله (ص) همه دوازده جوان عاقل و هوشیار
 ایمان آوردند و مسلمان شدند و مدتی در مکه ماندند و مقداری از قرآن یاد گرفتند! محمد
 رسول الله (ص) به این جوانان هوشیار تازه مسلمانان فرمود: دیگر در مکه نمانید و
 بشهر خود بروید مردم را بر طرف اسلام قرآن دعوت کنید! عرض کردند یا رسول الله
 آشنایی نداریم که چگونه مردم بدین اسلام و قرآن دعوت کنیم! رسول فرمود: فقط
 قرآن را با آواز و بالهجه حجازی در مجاس و کوچه بازار و در محل در مزعه بخوانید!
 هر کسی که سوال و پرسش کند که این حرفها چیست از کجا آمده اید آنوقت بگویند:
 قرآن وحی منزل الله سبحانه احد است که در مکه با محمد رسول الله (ص) بوسیله جبرئیل
 نازل و فرستاده شده است جوانان هوشیار و تازه مسلمان برگشتند؛ بی ثرب و مدینه
 همان فرمان محمد رسول الله (ص) ایجا دو اجرا کردند؛ تازمینه را در مدینه برای مسلمانان
 محاجر و محمد رسول الله (ص) آماده کردند! و فقط با خواندن قرآن موفق و پیشرفت
 کردند که دال بر این دستور و ایجا دو اجرای محمد رسول الله (ص) مدینه برای اسلام
 قرآن مرکزیت پیدا کرده است! حال باید با مسلمان چه سنی و چه شیعه در هم هه جا
 قرآن و سنت را علم خود بنماییم یا بدهیم و یاد بگیریم روش و عملهای ضد قرآنی را
 بدور اندازیم! امر معروف و نهی از منکر قرآنی را در همه جامانند جوانان انصار مدینه
 به اجرا بگذاریم؛ و دشمنان دین را نا امید کنیم که جزا این راه؛ راه دیگری نداریم
 والسلام وبس!!!

بعد از حجرت مسلمانان مکه و محمّد رسول (ص) با ابوبکر بمدینه مکزیت مسلمان خیلی قدرتمند شدند و عده از یهودیان هم بمحمّد رسول (ص) ایمان آوردند محمّد رسول الله (ص) با یهودیان قلعه خیبر پیمان بستند که در مقابل دشمنان مدینه کمک هم دیگر شوند از شهر مدینه با هم دفا کنند! ولی یهودان کفار قلعه خیبر خیانت کردند با مشرکین مکه هم پیمان شدند که با محمّد رسول الله (ص) بجنگ و محمّد رسول (ص) و مسلمانان پیمان را از ربین ببرند نابود کردند! در نتیجه جنگ احزاب را بوجود آوردند! با راهنمای سلمان فارسی دور مدینه خندک زدند! و هفت نفر از نام دارو پهلوانان مشرکین از خندک عبور کردند! و مبارز خواستند یکی از پهلوانان عمر ابن عبدوید خلیلی قوی ترسناک بود! هفت نفر از مسلمانان با جنگ پهلوانان مشرکین رفتند یکی امام علی ابن ابی طالب بود که با عمر ابن عبدوید روبرو شد! و یکی از مسلمانان عمر ابن خطاب بود یکی از پهلوانان قوی روبرو شد! پهلوانان مسلمانان همه شان حریفات خود را بجهّتم فرستادند! و از طرف الله سبحان احد طوفان شدید سرد و سخت فرستاده شد! و در نتیجه لشگر مشرکین مکه فرار کردند!!!

بعد از فرار لشگر مشرکین مکه جنگ مسلمانان و محمّد رسول الله (ص) بین با خیانت کاران یهودیان قلعه خیبر شروع شد! که فرمانده کلّ لشگر اسلام امام علی (ع) بود بود! یکی از فرماندهان عمرو یکی از فرماندهان عثمان بود! یهودیان شیطان پرست خیانت کار به اسارت مسلمانان درآمد! محمّد رسول الله (ص) دستور داد یهودیان شیطان پرست را آزاد کنند! باید قلعه خیبر را ترکند بهر جا که خواهند پرود! خلاصه مرکز اصل یهودیان شیطان پرست در اثر خیانت پایان یافت؛ و در شهرهای دیگر اسلام ساکن پراکنده شدند بعضی از یهودیان شیطان پرست خیانت کار مفسد فی العرض که بظاهر مسلمان شده بودند! شروع کردند! در لباس گوسفندی گرگی میکردند اولین خیانتی که کردند! با دست یک زن ملعون یهودی بمحمّد رسول الله (ص) زهر خورا نیدند؛ که اثر آن زهر بمحمّد رسول الله (ص) را شهید کردند! بعد از آن شروع بجعل حدیث و روایات پرداختند! در زمان ابوبکر خلیفه اول نتوانستند بمسلمانان کار آشکار خیانت

را انجام بدهند! ولی در اواخر خلافت عمر ترور خلیفه دوم را طراحی کردند غلام بود بنام فیروز ابولولواورا یهودیان انتخاب کردند و او را راضی کردند که عمر خلیفه مسلمین را ترور و بقتل برساند که تا او را آزاد کنند! فیروز ابولولوایرانی فریب آنها را خورد عمر را ترور کرد بقتل رسانید! بلا فاصله همان دم در آنجا فیروز ابولولورا یهودیان شیطان پرست گرگ بودند خلد گوسفندی پوشیده بودند بعنوان قصاص ابولولورا ترور کردند بقتل رسانیدند! که طراحی تروریستها آشکار و معلوم نشود! عجیب اینجاست فیروز ابولولورا در مدینه ترور کردند و کشتند! حالا قبر او در کاشان است! یک زیات گاه دوست داران اهل بیت است؛ آن چنانی جلا و جبروت درست کردن خلی با عظمت تابلوی نام او را با عربی پیچده طراحی کردند؛ و نوشتند! شاید فیروز ابولولو با این سند اهل کاشان بوده باشد! باز هم عجیبتر که تاریخ تکرار شده است! که جان اف کندی رئیس جمهوری امریکا را بوسیله یک نفر با توفنگ ترور کردند و کشتند! بلا فاصله تروریست قاتل جان اف کندی را با توفنگ دوربین دارتر کردند و کشتند! تا بحال پرونده جان اف کندی ریاست جمهوری امریکا در باگانی باز است که رسیدگی نمیشود! چندین بار خواستند که رسیدگی کنند موافقت نشد! مانند پرونده فیروز ابولولو و عمر ابن خطاب خلیفه مسلمین! الله سبحانه احد خلاق جهان هستی ورب العالمین در روز قیامت رسیدگی خواهد فرمود: هر چه از ضد الله و ضد قرآن و ضد محمدرسول الله (ص) و ضد اسلام ناب و ضد کل انبیاء و رسولان و پیام آوران؛ و ضد کل مسلمانان موحد و ضد انسانیت و بشریت! یهودیان شیطان پرست فسادکارهای فرزندان خوک و خنزیر و میمونها و بگفته عیسی مسیح (ص) ابن مریم مقدس (س) فرزندان ابلیس معلون! بگویم: و بنویسم شمه از کفر و شرک و گمراهی والحادی و یهودیان مذهب کبلای را ننوسته ایم! برای اینکه به اصطلاح در کتاب مقدس عهد عتیق یعنی تورات فعلی که سرتاپا و اول تا آخر سکسی میباشد؛ در این دنیای موجود چنین کتاب کسافتترو سکسی تر پیدا نميود در کتاب سرچشمه آیات شیطانی از فرهنگ؛ **جلد اول یک کسافت مذهب کبالائی را نوشته ام که موسی با**

با خداوند مذهب کبالتی زنا و مقاربت کرد خدا یک پسرزائید که نامش مسود مقدس میباشد!!!

بنابراین هدف این یهودیان شیطان پرست ملعون کبالتی هدفشان این است که قرآن وحی منزل الله سبحانه احد خلاق جهان هستی ورب العلمین را؛ مانند! تورات آیات شیطانی و سکسی و مانند انانجیل بنمایند! اول مخواهند که اهل اسلام را به قرآن بی مهر و بی توجه نمایند بعد قرآن را از بین ببرند و این هدف ملعونی ناشدنی است! زیرا که الله سبحانه احد خودش پشتبان قرآن وحی منزل خودش میباشد!!!

یهودیان کبالتی ملعون شیطان پرست بعد از ترور و قتل عمر خلیفه دوم مسلمانان طراح اختلاف و فتنه خیلی بزرگ را طراحی کردند که بین اهل اسلام تفرقه و فتنه ایجاد کنند که کردند! در زمان خلیفه سوم عثمان بین اختلاف شدید ایجاد کردند؛ و مردم شورش کردند تا اینکه بخانه عثمان خلیفه سوم مسلمین را در خواندن قرآن بود با شمشیرها کشتند! بعد از قتل عثمان در شهر مدینه هرج و مرج قتل و غارت چهار روز ادامه داشت و صحابه محمدرسول الله (ص) گفتند: جز علی (ع) کسی نمیتواند این قتل و غارت و آشوب را خاتمه بدهد همه بطرف خانه امام (ع) روانه شدند امام علی را وادار کردند که خلافت قبول فرماید: و به امام علی بیعت کردند! و امام علی را خلیفه مسلمین انتخاب کردند امام علی (ع) شروع کرد آرام کردند! خلاصه شهر مدینه را آرام فرمودند! ولی دشمنان الله و محمدرسول الله (ص) و دین اسلام قرآن ساکت نشتنند! زیرا که کسانی که مدینه را با آشوب کشیدند قتل و غارت و چپاول کردند همان یهودیان گرگ بودند که جلد گوسفندی پوشیده بودند؛ مسلمان نمیتوانستند در چنین قتل و غارت و چپاول شرکت کنند! این گرگها یاران عبد الله ابن سبأ بیاران شیطان پرست خود گفت: از فاتحان قلعہ خیبر علی و عمرو عثمان را باید از بین بردیم؛ ولی اصل فاتح قلعہ خیبر و کل دشمن یهودیان که علی ابن ابیطالب است که زنده میباشد! هر طوری که باید او را از میان برداریم مگر نه بنی اسرائیل و بنی یهود روی خوش نخواهد دید!!!

سردسته یهودیان عبد الله ابن سبا که اول در خودش لباس گوسفندی گرگی مکرد خودویاران شکست خوردگان خشمگین گرگان قلعه خیبر شیطان پرستان یهودیان خیبر که در همه ای شهرهای اسلامی پراکنده شده بودند بر علیه مرکز اسلام مدینه جاسوسی میکردند و طراح نقشه عبدالله سبأ ابهمه یهودیان شیطان پرست قلعه خیبر میرسانیدند؛ عبدالله سبأ دستور که یهودیان شکست خورده قلعه خیبر در لباس گوسفندی گرگی کنند! و بیایند بشهرهای مدینه؛ و کوفه؛ و شام؛ و در آن شهرها زندگی نمایند؛ و منتظر دستور من باشند؛ تا بتوانیم انتقام یهودیان را از علی ابن ابی طالب که اصل فرمانده کل فاتح قلعه خیبر بود! از او؛ و از فرزندان او بگیریم! و اگر بلای بسر من آمد بلشگر معاویه بپیوندید؛ زیرا که معاویه تا بحال یک یهودی را نکشته است و در جنگ خیبر هم شرکت نداشت بود! سعی کنید که کشته نشوید! و سعی کنید که از لباس گوسفندی استفاده نکنید!!!

عبدالله ابن سائیکی از علمای بزرگ یهودیان شیطان پرست شروع بتبلیغ کرد! که علی الله است؛ و بعد از افه کرد و گفت: علی ولی الله است؛ و بعد از افه کرد و گفت: محمد رسول الله ص (فرمود: من كنت مولا فها علی مولا؛ با این عبارتهای کفر و شرک و گمراهی خیلی بزرگ و فتنه انگیز بسیار بزرگ را براه انداخت؛ مسلمانان را ناراحت و آشوبته خیلی بزرگ کرد!!!

اما علی (ع) باشندیدن؛ این عبارتهای کفر و شرک و گمراهی و الحادی را؛ خواست آنها را از بین ببرد! از عبد الله ابن سبا خواست این عبارتهای کفر و شرک گمراهی را پس بگیرد و توبه کند؛ و از الله سبحان احد بترسد ولی عبد ابن سبا قبور نکرده که هیچ؛ و در جواب امام (ع) گفت: بخدا قسم چهار هزار حدیث نوشتم حلال را حرام؛ و حرام را حلال کردم! و نوشتم **توالله هستی** و نوشت **تو ولی الله هستی!** و نوشتم که محمد رسول الله گفت: که **من كنت مولا فها علی مولا!** عبدالله ابن سبا از افه کرد که من این عبارتها نوشتم و گفتم: پیروان من آنها را پخش کردند؛ و عوام الناس هم قبول کردند! ای علی این اخبارها برای تو خیلی دیر رسیده است؛ و ای علی بدانکه بزودی انتقام کشتگان قلعه خیبر از تو و از فرزندان تو گرفته خواهد شد! بعد از مرگ تو در دین واحد

مذاهب فراوانی بوجود خواهد آمد! **اول یکی از آن مذاهب بنام علی الهی الان بوجود آمده است!** تو دیگر نتوانی از این مذهب جلوگیری کنی امام علی (ع) هر چه توانست عبدالله سبأ را قانع کند تا از کفر و شرک و گمراهی دست بردارد؛ و توبه کند قبول نکرد! آخر امام علی (ع) مجبور شد عبدالله ابن سبأ و یاران بزرگ درجه یکش را در گودال آتش بسوزانید و یاران کوچک و کم رنگ او را به اورامانات (قره میسن) کرمانشاهان و شهرزور که پایتخت پسر زهاک ماردورش بود؛ ایران و عراق و نفی بلد بکنند! ولی کسانی که شناخته نشده بودند در لباس گوسفندی گرگی میکردند؛ بعنوان مسلمان در مدینه و کوفه باقی ماندند! آنها طوری نفوذ کرده بودند که از مقربان خلیفه سوم عثمان شده بودند! حتی بر علیه محمد ابن ابوبکر بازبان خلیفه سوم عثمان نامه پنهانی نوشته بودند! و با مهر عثمان مهر کرده بودند! که هرگز شناخته نشده بودند؛ در قتل عثمان هم شرکت داشتند؛ و بعد از قتل عثمان همان کسانی بودند که هر ج مرج و قتل و غارت و چپاول را در مدینه براه انداخته بودند؛ حتی داغتر از کاسه آتش بودند! و یهودیانی که در لباس گوسفندی گرگی میکردند؛ هم مراسم آنها در کوفه و شام همان طور سالم باقی شادمان مانده بودند؛ و منتظر فرست بودند که! بین مسلمانان تفقره و اخلاف فتنه ایجاد بنمایند! وقتیکه عثمان را بقتل رسانیدند؛ زمان را مناسب دیدند که پیراهن عثمان را این یهودیانی که در لباس گوسفندی گرگی میکردند؛ بشام بوردند! و بمعایه حاکم شام دادند؛ و سوسه شیطانی هم کردند که خون خواهی عثمان را از امام علی (ع) درخواست بنماید! بعد از آن شایعه کردند که پیراهن عثمان را عایشه عم المؤمنین بمعایه فرستاده است؛ آیا عایشه عم المؤمنین با معاویه چه نسبتی و یا رابطه و همکار داشت؟! در حالیکه بست سال بود که عایشه عم المؤمنین معاویه حاکم شام را ندیده بود! و آیا قبل از فتح مکه شوهر عایشه محمد رسول الله (ص) و پدرش ابوبکر صدیق و برادرش محمد ابن ابوبکر سه بار با معاویه و پدرش ابوصوفان جنگیده بود؟! مگر خواهر معاویه زن محمد رسول الله (ص) و رقیب عایشه عم المؤمنین

نبود؟! مگر در جنگ بدر و در جنگ احد و در جنگ احزاب معاویه و پدرش ابوصفیان؛
 باشوهر عایشه عم المؤمنین محمدرسول الله(ص) و پدرش ابوبکر صدیق و برادرش
 محمدابن ابوبکر عایشه عم المؤمنین ننگیده بودند؟! مگر دندان مبارک محمدرسول
 الله(ص) در جنگ احد نشکسته بود؟! با این مدارک و سند آشکار عایشه عم المؤمنین
 چه رابطه دوستی و عقیدتی با معاویه داشت؟! که پیراهن عثمان را بمعاویه بفرستد
 ؟! و بگوید: خواستار قاتلان عثمان از امام علی(ع) بکند؛ و آیا عایشه عم المؤمنین با
 امام علی(ع) چه دشمنی داشت؟! و امام علی(ع) به عایشه چکار بدی کرده بود که؟!
 با امام علی(ع) دشمنی کند و پیراهن عثمان مظلوم را بمعاویه ارسال نماید و سفارش
 کند که از امام علی(ع) قاتلان و خون خواهی عثمان را بکند؟! بعد از قتل عثمان امام
 علی(ع) درباره قاتلان عثمان تفکر و تحقیق میکرد که چه باید بکند این آیه قرآن
 نظرش را جلب کرد!!!

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ
 عَذَابًا عَظِيمًا (قرآن کریم سوره النساء آیه 93)

**ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: و هر کسی عمداً مؤمنی را بکشد کفرش جای او جهنم
 است؛ که در آن حنهم همیشه ماندگار خواهد بود و غضب و خشم الله برای او میباشد
 ؛ و الله بر او لعنت کرده است و عذابی بزرگ برای او آماده فرموده است!!!**

در این زمان خبرنگار گوار از کوفه به امام علی(ع) رسید در کوفه آشوب و شورش بوجود
 آمده است! و با پیروان خود مشاوره و شوری کرده و تصمیم گرفتند که بطرف کوفه
 بروند و در کوفه ساکن بشوند! بکوفه رفتند و در آنجا با پیورانانش ساکن شدند!!!
 تبلیغات و تحریک طراحی و تلاش و سوسه شیطانی یهودیان شیطان پرست گرگان
 در لباس گوسفندان باعث شدند؛ جنگهای سفین و نهر و ان خوارج و جمل بوجود آمد
 و ایجاد شد عده مسلمانان کشته و زخمی شدند و خسارات جانی و مالی جبران ناپذیر
 برای مسلمانان وارد گردید! یهودیان شیطان پرست در لباس گوسفندی طوری در
 جنگ شرکت کردند که یکنفر از آنها کشته نشدند! مانند در انقلاب روسیه یهودیان
 استالنی براه اندخته اند آن همه کشتار در آن انقلاب تغییر ناپذیر بود رژیم یکنفر یهودی

کشته نشده است که قبلاً نوشته ام! مسلمانان بانارحتی فراوان نمیدانستند که چه کنند! در آن زمان مانند جریان فیروز ابولولور اطراحی کردند! عبدالرحمان ابن ملجم را فریب دادند که امام علی را از میان بردارند! آن ملعون امام علی (ع) را بشهادت بنابراین با صلح کردن خون ریزی و کشتار مؤمنین از هر دو طرف جلوگیری کردند هر کسی که بقتل رسیده بود؛ از مسلمانان و مؤمنین بود جز کشتار و ضعیف مسلمانان و دین اسلام هیچیز نصیب اسلامیان نبود وجود نداشت جز ضعیف و سستی بدین اسلام نمی آمد!!!

بعد از جریان صلح نامه امام حسن (ع) از کوفه حرکت بمدینه کرد مدت ده سال امام حسن (ع) در مدینه زندگی کرد که بآدمیت یهودان شیطان پرست ملعون پیروان عبد الله ابن سبا که در لباس گوسفند گرگی میکردند امام حسن (ع) را مسموم نمودند و شهید کردند! و بعد از اطراحی شایعه پراکنی کردند که زن امام حسن (ع) جعده امام حسن (ع) را مسموم و شهید کرد! بعد از شهادت امام حسن (ع) **کعب الاخبار** از پیوران عبد الله ابن سبا باشادمانی گفت: یکی از پسران قهرمان فاتح قلعه خیبر راهم از بین بردیم؛ باید یکی پس دیگری حسین (ع) باشد از بین ببریم!!!

یهودیان شیطان پرست ملعونین قاتلین انبیاء و رسولان طور اطراف معاویه را گرفته بودند که خود معاویه اصل ظن نکرده بود که گرگان گوسفندی از یهودان هستند که وسوسه گوانانون میکرد که حاکمیت مورثی و خون خواهی و دقاتلین عثمان نقش بسیار داشتند! و یواش یواش و آرام آرام جانشینی صحبت و وسوسه یزید را بمیان آوردند! در اثر وسوسه شیاطین دوپا یهویان فرزندان ابلیس خوک و میون موفق شدند! که معاویه یزید ابن را معاویه وارث و جانشین خود کند! آرام آرام شروع کرد از مردم بیزید بیعت بگیرد؛ و معاویه بیزید گفت: با حسین (ع) مدارا کن که مثل من باش بعد از صلح با امام حسن من از حسین بیعت نخواستم و مثله هم پیش نامد

یزید تو هم در برابر حسین پافشاری مکن بگذار همی طور بی سرو صد بماند بلاخره با حسین مدارا کن! امام حسین که در مدینه بود؛ بعد از فوت معاویه با وسوسه یزید بحاکم مدینه نوشت که از حسین برای من بیعت بگیر! حاکم مدینه از امام حسین (ع) خواست بیزید بیعت کند امام با یگ نقشه از دست حاکم مدینه راهای یافت امام حسین (ع) همان شب یاران خود را جمع کرده به اطلاع آنها رسانید که یزید بازور میخواد از من بیعت بگیرد! من میخوام همین امشب بمکه حجت کنم شما هم حجت بمکه و یاماندن اینجا صاحب اختیار هستید قوم امام حسین (ع) بایک صدا جواب دادن تو هر حرکتی بروی ما هم به آنجا میرویم!!!

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۱) وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ (۶۲)

(قرآن کریم سوره الانفال آیات 61 و 62)

ترجمه الله سبحانه احد فرمود: ای محمد! و اگر از تو صلح درخواست کردند تو هم نیز پس بصلح کردن راضی باش و بر الله توکل کن که الله شنوای داناست! و اگر بخواهند تو را حیله کنند؛ پس بدرستی که الله برای یاری تو کافی و بس است؛ الله کسی است که تو را بایاری خود و مؤمنان نیرومند میگرداند!!!

بعد از جریان صلح نامه امام حسن (ع) از کوفه حرکت بمدینه کرد مدت ده سال امام حسن (ع) در مدینه زندگی کرد که بآدمت یهودان شیطان پرست ملعون پیروان عبد الله ابن سبا که در لباس گوسفندی گرگی میکردند امام حسن (ع) را مسموم نمودند و شهید کردند! و بعد از طراحی شایعه پراکنی کردند که زن امام حسن (ع) جعده امام حسن (ع) را مسموم و شهید کرد! بعد از شهادت امام حسن (ع) **کعب الاخبار** از پیوران عبد الله ابن سبا باشادمانی گفت: یکی از پسران قهرمان فاتح قلعه خیبر راهم از بین بردیم؛ باید یکی پس دیگری حسین باشد از بین ببریم!!!

یهودیان شیطان پرست ملعونین قاتلین انبیاء و رسولان طور اطراف معاویه را گرفته بودند که خود معاویه اصل ظن نکرده بود که گرگان گوسفند؛ از یهودان هستند که و سوسه گوانانون میکرد که حاکمیت مورثی و خون خواهی و دقاتلین عثمان نقش

بسیار داشتند! و یواش یواش و آرام آرام جانشینی صحبت و سوسه یزید را بمیان
 آوردند! در اثر سوسه شیاطین دویا یهودیان فرزندان ابلیس خوک میون موفق
 شدند! که معاویه یزید این را معاویه وارث و جانشین خود کند! آرام آرام شروع
 کرد از مردم بیزید بیعت بگیرد؛ و معاویه بیزید گفت: با حسین (ع) مدارا کن که مثل من
 باش بعد از صلح با امام حسن من از حسین بیعت نخواستم و مثل هم پیش نما میزید
 تو هم در برابر حسین پافشاری مکن بگذار همی طور بی سرو صد بماند بلاخره با
 حسین مدارا کن! امام حسین (ع) که در مدینه بود؛ بعد از فوت معاویه با سوسه یزید
 بحاکم مدینه نوشت که از حسین برای من بیعت بگیر! حاکم مدینه از امام حسین (ع)
 خواست بیزید بیعت کند امام با یگ نقشه از دست حاکم مدینه راهای یافت امام
 حسین (ع) همان شب یاران خود را جمع کرده به اطلاع آنها رسانید که یزید بازو از
 می خواهد از من بیعت بگیرد! من می خواهم همین امشب بمکه حجت کنم شما هم
 حجت بمکه و یا ماندن اینجا صاحب اختیار هستید قوم امام حسین (ع) بایک صدا
 جواب دادن تو هر حرکتی بروی ما هم به آنجا میرویم!!!

در همان شب تمام ویار و انصار امام حسین (ع) بمکه حجت کردند؛ چهار ماه و پنج
 روز در مکه زندگی کردند ولی از چشم جاسوسان فروان یزید دور نبودند ولی در کوفه
 یهودیان شیطان پرست که در لباس گرگی گسفتندی می کردند که زیاد هم بودند در
 کوفه پراکنده بودند؛ امام حسین (ع) بیزید بیعت نکرد و بمکه حجت کردند! همان
 یهودیان شیطان پرست گرگان در لباس گوسفندان در میان مردم گفتند: بیاید به امام
 حسین (ع) نامه بنویسیم بکوفه بیاید بایزید چنگ نمایم و یزید را سرنگون کنیم
 امام برحق امام حسین (ع) را بیعت کنیم و حکومت عدل و داد محمد رسول الله (ص)
 را در کوفه تشکیل بدهیم! پشت سر این نامه های شیطانی طراحی نقشه کشیده بودند
 که امام حسین (ع) را بکوفه بشکاتند؛ و از یاران مدینه و مکه دور نمایند؛ و امام حسین
 (ع) را تنهاتر و ناتوانتر نمایند؛ تا بتوانند نقشه ای **عبدالله ابن سبأ ملعون** را یهودیان
 شیطان پرست عمل شیطانی خودشان را اجرا کنند؛ در کوفه خوبتر میتوانند؛ امام

حسین(ع) را در محاصره خود نگاهدارند تا نیت های شیطانی خود را هر طوریکه می خواهند بعل آورند؛ با همین نیت ناپاک مسلمانان را فریب دادند دوازده هزار نامه برای امام حسین(ع) نوشته اند و بکوفه دعوت کردند که بکوفه بیاید رهبری پیروان جدش محمد رسول الله (ص) را قبول فرماید؛ و به عهده بگیرد! و یهودیان شیطان پرست میدانستند که زمان حج نزدیک است؛ و میدانستند که امام حسین(ع) در حج مستحبی شرکت خواهد کرد و قتی که از مکه خوارج شد نباید بمکه برگردد؛ زیرا که باید کاری کرد که بکوفه برود و در آنجا محاصره کامل بشود!!!

به همین جهت بیزید نادان و سوسه و توصیه شیطانی کردند که جاسوسان و معموران برای مکه بسیار بفرستند که در صحرای عرفات دور امام حسن را احاطه نمایند؛ و طور و نمود کنند که میخواهند امام حسین را در آنجا بقتل برسانند و امام حسین(ع) را نگران کنند تا متوجه کوفه بشود؛ زیرا که کوفه تنها جای است که خواهان امام حسین(ع) میباشد؛ زیرا که برای امام حسین دوازده هزار نامه نوشته اند؛ و به همین جهت بکوفه خواهد رفت ما میتوانیم او را در آنجا بخوبی محاصره و احاطه کنیم؛ پس در آن صورت بهیچ جاری نمیتواند حرکت کنند و برود و در همان دم گرفتار در دست ما خواهد بود؛ و هر طوریکه دلمان بخواهد با او رفتار خواهیم کرد! یزید نظریه یهودان شیطان پرست قبول کرد و جاسوسان و معموران بسیار فروان عرفات مکه فرستاد! و قتی که امام حسین(ع) در روز عرفه خود و یارانش احرام بستند بصحرای عرفه حرکت کردند و دپاین کوه جبلن نورخیمه زدند؛ هنوز آرام نگرفته بودند متوجه روبرو جاسوسان یزید شدند! بایاران خود شوری و مشورت کردند که چه باید بکنند خون اینها در این سرزمین مقدس مکه ریخته نشود! بعد از شوری و مشورت به اینجا رسیدند عوض اینکه از صحرای عرفه به معشر الحرام بروند بطرف کوفه حرکت کنند؛ و در این تسمیم صابت و مراقب ماندند؛ نماز عصر را بجا آوردند و بعد از بطرف کوفه که خواسته یهودیان شیطان پرست پیروان **عبدالله ابن**

سبأ حرکت کردند امام حسین(ع) قبل از خودشان مسلم ابن عقیل را بعنوان سفیر خود بکوفه ارسال کردند که بمردم کوفه بگوید: آماده باشند که امام و رهبر

ایشات امام حسین(ع) تشریف می آورد! از آنطرف یهودیان شیطان پرست جریان آمدن امام حسین(ع) را بیزید رسانیدند برای کوفه قشون و لشگر بفرستند! اول یزد ابن زیاد را فرستاد که سنگر کوفه را تصرف نماید بعد از پشت سر آن چهل هزار قشون و لشگر فرستاد؛ و دستور داد چهار طرف کوفه را محاصره نمایند! و نگذارند امام حسین وارد کوفه شود! و امام حسین را در هر کجا دیدند در همانجا توقف نمایند و نگذارند بجای حرکت کند تا دستور صادر شود که چه بکنند! اما امام حسین(ع) از مکه بییم و امید بطرف کوفه حرکت میکرد؛ تا اینکه بمحل صعلیه رسیدند که یک منزل بکوفه میماند! در آن زمان سوری را دیدند که از کوفه می آید راهش را از قافله امام حسین(ع) کج کرده است! امام حسین(ع) کسی را فرستاده تا آن مسافر را پیش امام بیاوند؛ امام از او پرسید از کجا می آیی آن شخص گفت: از کوفه می آیم امام پرسید از کوفه چه خبری داری مسافر گفت: برای شما خبری بدی دارم امام فرمود: هر خبری داری بی پروا بگو: مسافر گفت: ابن زیاد بکوفه آمده است و سفیر شما مسلم را بقتل رسانیده و شهید کردند و گفت: خبری خیلی بدی را هم دارم جرعت گفتن آن را ندارم امام حسین(ع) فرمود: بخودت جرت بده بگو: نترس مسافر گریه کرد گفت: نمی ترسم بگفتن آن افتراء و تهمت خجالت میکشم! امام حسین(ع) فرمود: خجالت مکش هر خبری که شنیده ای و میدانی بگو: مسافر سرش را بزیر اندخت با گریه کنان گفت: یا حسین(ع) برای تو تهمت کفر انسبت میدهند! شایع پراکنی کردند و میگویند: حسین از دین جدش خارج و مرتد شده است که قتلش واجب است! زیرا که حج را ناتمام گذاشته است و لباس احرام را از بدنش بیرون کرده خیلی از مردم عوام هم این تهمت را قبول کردند؛ امام حسین(ع) بمرد فسافر اجازه رفتن را فرمود:

خبرهای سخنان مسافرا همه یاران و قوم امام حسین(ع) شنیدند امام حسین(ع) بیارانش فرمود: خود شما خبر مسافرا شنیده اید که یزید فقط بامن کار دارد جز من با کسی کاری ندارد؛ فقط از من بیعت میخواهد ظاهر ماجرا این است؛ اما نسبت ارتداد دادند بمن چیزی دیگری میباشد؛ که مرا بیاد پدر بزرگوارم امام علی(ع) و برادر

بزرگوارم امام حسن (ع) انداخته است؛ که مثل اینکه میخواستند بیعت را بهانه کنند مرا بقتل برسانند! زیرا که دست یهودیان پیروان عبد الله ابن سبا ملعون شیطان پرستان را در ماجرا احساس میکنم! بنابراین در این طراحی و نقشه شیطان پرستان برای من راه گریزی وجود ندارد! و از شما تمنی دارم و خواهش میکنم که خودتان را بشکستن ندهید بروید و کسی باشما کاری ندارد!!!

یاران و پیروان امام حسین (ع) با یک صدا گفتند: از رهبر و امام بزرگوار خودمان تقضا داریم در نظر خود تجدید نظر فرماید: زیرا که خون ما از خون حضرت عالی رنگین تر نیست ما از تو جدا بشویم و مرگ زنگی ما با هم مخلوت شده است و مرگ و زندگی ما با تو با هم میباشد و هیچ تغییر در این میان وجود ندارد؛ امام فرمود: الله سبحانه احد از شما راضی باشد! اما از دست با این ملت نادان جز صبر چه باید کرد؟! همه با هم بشوری مشورت کردند و نتیجه این شد که بطرف کوفه بروند و اگر بتوانند وارد کوفه شوند شاید مردم بکمک اینها بیایند تا بیواند کوفه تسخیر نمایند؛ تا بتوانند جلو این ظلم و جنایت یزید و یهودان شیطان پرست گرگان در لباس گوسفند پیروان عبد الله ابن سبا ملعون را بگیرند!!!

**بزرگ فلسفه قتل امام دین است = که مرگ سورخ به از این زندگی ننگین است
نظم کن بکسی نه زیر ظلم برو = مرام امام دین این است منطق دین است**

اشعار ترکی آذری

هر عمر ایلین قیمت ایا من بلوسن
هر امرده لازمدی سرانجامن بلوسن
دین اهل گرک دینین احکامن بوسن

هر ملت اولاً دینین قانونن جاعل
أز خیبرنی بولمز اولی بمسرف باطل

بوقائده مرسوم جهان دور ازین
زنبور عسل خلقه تانندی عسل لین
هر ملت عالمده تانولار عمل الین

دنیاده مسلمان که یالان سوز دیلمز
قرآن بولن ریشوه و حرامی ییه بلمز

بر عده جوانلار که بکون دینده قالمور
دین پرچمنن سایه سینی باشنه سالمور
بو علتیه دور درسن قرآن دن عالمور

مسموم ایلن کج الان افکار اُخولار
دینن چخادان یوخلادان آسار اُخولار

بیر امرکه دولت یازا ای مرد خجسته
هرگز اُخمازلار او سوزی قبرلر اُسته
یوخ فاده قایلر اُزون ایله خسته

هرگز دین اُماز اولیه اولما زنا کار
اسلامده زانی اُانا حد وُرلار

هرکسین که یوخدی علم و دیندن آگاسی

اختیار یوخدی تقلید ایماق دور چاره سی

خلق را تقلید شان برباد داد ای دوست لعنت بر این تقلید باد

نکاتی از مؤلف: شمه از امتحان امام حسین (ع) را بیان مینمایم؛ وزیرا که مقدار کمی از شهادت؛ و شجاعت؛ و دیانت امام حسین (ع) را درک کرده ام؛ که در زندگی من اثر فراوان گذاشته است؛ و بعد از تحقیق زیاد درباره امام حسین (ع) بجایی رسیدم که

نمی‌توانم ارزش واقعی شهادت او را درک کنیم که در مقابل یک قوم جاهل و نادان و جبار بظاهر مسلمان ایستادگی کرد! مواظبت نمود؛ که نباید بدین و ایمانش ضرر و زیان وارد بشود! و این نکته را خوب درک کردم که جریان جنگ کربلا برای چه بود؟! و یزید ظالم برای چه زیر بار آن خسارت؛ دنیا و فانی رفت و گرفتار شد؟! دشمنی یزید با امام حسین (ع) خیلی خوب درک کردم؛ که قصار موضوع اینطور بوده است! یزید برای ثبات حکومت جبار خود نیاز فراوان بیعت؛ و یا بروش امروزی بیک رأی امام حسین (ع) احتیاج شدیدی داشت! و یک رأی امام حسین (ع) را حسین (ع) را با سلطنتش برابر میدانست! و فکر می‌کرد که اگر از امام حسین (ع) رأی بگیرد دیگر خطری حکومت جبارش را تهدید نمی‌کند! همین طور هم بود! که انگشت را بنکته باریک گذاشته بود! و اگر موفق میشد! دیگر خطر برای سلطنت ظالمانه او؛ وجود نداشت! اما امام حسین (ع) همین موضوع را هزاران بار از یزید خوب تر درک می‌کرد؛ بخاطر این امر بود که فرمود: مردن؛ و شهادت هزاران بار بهتر از بیعت کردن و یارای دادن است؛ خلاصه کار بجایی رسید که یزید دیدن کشتن امام حسین (ع) راه دیگری نمانده است؛ آخر کار کشید بمیدان جنگ کربلا؛ که عمر ابن سعد فکر می‌کرد! که اگر فرزندان و برادران و یاران امام حسین (ع) را بکشد؛ او توانائی جنگ کردن را از دست می‌دهد سست و ناتوان میشود! و او را زنده دستگیر می‌کند! و زنده؛ زنده به اربابش تحویل بدهد بخيال خود از عذاب خون امام حسین (ع) در امان میماند؛ بخاطر این فکر غلط بوده که جنگ تن به تن را براه انداخت یکباره حمله نکرد تا اینک جوانان و یاران امام حسین (ع) را شهید کرد! تا او را زنده دستگیر نماید! و این عمل شیطنت عمر ابن سعد در امام حسین (ع) تأثیر نکرد که هیچ بلکه روحیه امام را شدیداً قویتر ساخت! زیرا که در معامله با الله سبحانه احد خلاق پیروز شده بود؛ و رضایت مولا و ولی خودش را بدست آورده بود؛ که بعد از شهادت تمامی یارانش یگه و تنها قدم بمیدان جنگ گذاشت؛ و یک رجز جوان مردانه خواند؛ با تبسم و پیروز مندانه؛ و با قیافه بشاش؛ حتی در صدایش کوچکترین سستی؛ و لرزه مشاهده نشده بود؛ با فریاد علی (ع) وار نعره زدو؛ گفت: آهای عمر ابن سعد بیا بمیدان جنگ؛ عمر ابن سعد گفت: من نمی‌آیم

بلکه پهلوانی میفرستم؛ امام فرمود: میدانم که نمیتوانی زیرا که شهادت و غیرت جنگ کردن نداری؛ و اگر بیایی مُلک ری از دستت خارج خواهد شد و امام حسین (ع) آنقدر جنگ کرد؛ و زخمهایی فراوان برداشت! دیگر نتوانستند امام را زنده دستگیر نمایند! و بشهادت رسانیدند! که ننگ و عذاب دنیا و آخرت را بجان خود خریدند؛ و در دنیا و آخرت رسوا و بدنام شدند!!!

فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾ وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَالُكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾

(از قرآن کریم و از سوره هود آیات 112 و 113)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: ای محمد همان طوریکه فرمان یافته استقامت کن؛ و همچنین کسانی که با تو توبه کردند؛ بسوی دین الله آمدند؛ باید استقامت بکنند؛ و طغیان و عصیان نکنید؛ بدرستی که آنچه را که انجام میدهند الله علام میبیند! و بسوی ظالمان میل و محبت و تکیه ننمایید؛ که موجب میشود! که آتش جهنم شما را فرا بگیرد! و در آن حال هیچ ولی و سرپرستی و جز الله نخواهید داشت! و سپس یاری نمیشوید!!!

نکاتی از مؤلف: بامستندات این آیات قرآن وحی منزل رب العالمین الله احد خلاق جهان هستی؛ بمحمد رسول الله (ص)؛ و یاران باایمان او توبه کرده اند؛ امر و فرمان داده است: که در مقابل کفار و مشرکین و منافقین و گمراهان استقامت و ایستادگی کنید! و عقب نشینی و سستی ننمایید؛ و بسوی ظالمان میل؛ و محبت؛ و کمک و بیعت نکید؛ و رأی ندهند؛ بنابراین؛ این آیات قرآن وحی منزل؛ شامل حال تمام مسلمانان مؤمنین؛ تا بروز قیامت ناسخ واجب میباشد!!!

زیرا که هر مسلمان واقعی جانشین؛ و ارث قرآن و محمد رسول الله (ص) در دین اسلام ناب تأیید شده است؛ و بر هر مسلمان تعلیم؛ و تعلم؛ و امر بمعروف و نهی از منکر قرآن مثل عمل کردن بقرآن واجب عینی است؛ زیرا که اصل هدف انبیاء عظام و رسولان بزرگواران و ائمه اطهار و شهداء و صدیقین از این راه بوده است؛ باید مسلمانان قدم

خودشان را بجای قدم این بزرگواران بگذارند؛ تادر آخرت بآنها پیوست شده باشند! بنابراین امام حسین (ع) در این راه انبیاء عظام و رسولان بزرگواران؛ و ائمه اطهار و شهداء و صدیقین استثنانمیباشد؛ زیرا که بر عهده امام حسین (ع) امتحان و آزمایش سنگین گذاشته شده است؛ که یزید ظالم خلیفه بظاهر مسلمانان از امام حسین (ع) بیعت و باصطلاح امروزی یک رأی خواست؛ اما امام حسین (ع) دال بر آیات موجود قرآن وحی منزل نمی توانست بیزید بیعت کند و یا رأی بدهد؛ برای اینکه امام حسین (ع) همانند خود محمد رسول الله (ص) پیرو قرآن بود؛ و به قرآن ایمان خالص آورده بود؛ و بقرآن متوسل خالص و کامل شده بود؛ و هم قرآن وحی الهی؛ امام و پیشوای رهبر و فرهنگ پناهگاه امام حسین (ع) تأیید واجب عینی انتخاب شده است؛ بخاطر همین باور؛ او نمیتوانست ضد قرآن عمل و کاری انجام بدهد و اگر امام حسین (س) بیزید ظالم بیعت کرده؛ و باصطلاح امروزی رأی داده بود؛ از دین جدش محمد رسول الله (ص) و قرآن و سنت خارج شده بود؛ زیرا که نعوذ بالله؛ ضد قرآن وحی منزل؛ و ضد روح و امر الله سبحانه احد خلاق ورب العالمین جهان هستی؛ عمل و کاری انجام داده بود؛ ولی اما امام حسین (ع) چنین کاری و عملی را انجام نداده است؛ و اصلاً نمی توانست چنین عمل بیعت و رأی کفر را به عمل بیاورد؛ زیرا که در خانه وحی قرآن و در دامان محمد رسول الله (ص) و امام علی (ع) و زهرای اطهر (س) تربیت و پرورش یافته بود؛ و خودش هم حافظ کل قرآن بود؛ بهمین علت امام حسین (س) در پیشگاه الله سبحانه علام به عزت و شرافت و رستگاری و کامیابی رسیده؛ و ارث ارض بهشت جاودانه شده است؛ برای اینکه همه مادی هستی و جان خود را در راه قرآن و دینش نثار و شایاش کرده بود؛ باید پیروان او قدم خود را در جای قدم او بگذارند؛ قرآن امام حسین (ع) را که قرآن موجود است؛ بردارند و چنگ بزنند و متوسل بشوند؛ و در تعلیم و تعلم؛ و امر بمعروف؛ و نهی از منکر؛ قرآن وحی منزل تلاش و کوشش؛ که راه کلیه انبیاء عظام و رسولان بزرگواران و شهداء و صدیقین همین راه مستقیم بوده است؛ و باید بدانیم که وقایع کربلا امام حسین (ع) تنها و فقط مربوط به این دو آیه قرآن وحی منزل مورد بحث بوده است؛ و امام

حسین(ع) تنها و فقط به این دو آیه مورد بحث قربانی شده است؛ که یزید ظالم از امام حسین(ع) درخواست یک بیعت؛ باصطلاح امروزی یک رأی را کرده بود! امام در در جوابش فرمود: امام و پیشوا و پناهگاه الهی من قرآن وحی منزل چنین بیعت و رأی کفر را صلاح نمیداند و اجازه نمیفرماید؛ و ماجرای کربلا فقط مربوط به این دو آیه قرآن وحی منزل بود؛ و اگر امام حسین(ع) بیزید بیعت میکرد شهید نمیشد که هیچ! و بمقام و ریاست و ثروت هم نائل میشد! بنابراین در ماجرای کربلا جریان اُربیب و شهربانو؛ کینه اجداد پدری یزید و امام حسین(ع) ساخته و پرداخته دشمنان قرآن وحی منزل و پیروان عبدالله سبأ و کعب الاخبار بود که میخواستند هدف کربلا را وارونه نشان بدهند که کردند! زیرا که قرآن و هدف و مرام امام حسین(ع) را از دست پیروان امام حسین(ع) گرفتند در عوض کتابهای کفر و شرک و گمراهی نوحه گری را بدست ایشان دادند! و سینه زنی و زنجیر زنی؛ قمه زنی تعلیم دادند؛ آیا کفر و شرک و گمراهی از این هم بدتر میشود؟! آهای پیروان امام حسین(ع) بر بیابان راه قرآن؛ که راه انبیاء عظام و رسولان الله و ائمه اطهار است؛ لبیک بگوییم!!!

اشعار ترکی آذری جواب امام حسین(ع) بیزید ظالم

جلاد و ظالمیم؛ یزید سولدی حسینیه بول امریم منه رأی ور

رأی اگر جاه و جلالون چو خالار ساق طرفمنده یوری گور

رأی ورمین قانوه قلتان ادرم اهل و عیالون سن اسرگور

مظلوم حسین وردی جواب ای ادی مسلم عمل دشمن قرآن

ظالم اولان حاکم ره رأی ورماقی نهی ایلوبو آخربیزه قرآن

قرآن دیوری ظالمه یول یولداشی اولما

حاکم اولا عالم اولادین قارداشی اولما

ظالم گر اولا مسلم اونار ایوی سالما

ظالم اده جاق دینوز دنیاوزی ویران

چوخ یرده؛ اشاره الیوبور مونا قرآن

قرآن دیوری دین وی ایمانوی ساتما
بیچاره نی یادان چخادوب قصر ده تاتما
قرآنه عمل ایلین اسانلار؛ ظلمه سخما

بیردن گورسن الله الی تودی یختن
بیرکمه تاپولماز دف عذابنی سنن

قرآن اوخور ایلر عمل یاخشی مسلمان
ناحق توکه بلمز یره قان پیرو قرآن
قرآندا یازوب ناحق یرده بیر انسان

مثلین که یتوب قتل تمام مردم دنیا
قرآندا یازوب خلقی اندون دنیادا احیا

قرآندا یازوب ایله وفا عهدوه اسنان
سن عهده وفا ایله مسن پیوری قرآن
سن کافر وهم ظالم و هم بیدین و ایمان

هم ایله عمل هم دینه گفتار صوابی
تا ایله رحمت سنه رحمان الهی

هر کمسه گرک ظلم قباقنده دایانسون
ظالمئر قتل یتورب ظلم قوتارسون
مشرک اولان حاکمئر تختن یره سالون

مشرک لر اگرزنده اولا قرآن اوجالماز
عدل و شرفین سایسن هریانه سلاماز

قرآن دین انسان گرک عالمده چالوشسون
دین و شرفنن اوتور هریرده و رشسون
ظلم و ستمین محونه هریاندا دورشسون

قان ورمسه قان توکمسه کامین آلا بولمز

مشرك لری ظالمـری تختن سلابولمز

رای ورسه اگر ظالمه مظلوم گرک اولسون

هیچ وقت گوره بلمز دین سالم قالابولسون

ظلمون الی لازمدی که ارّه یله کسلولوسن

مظلوم اگر ظلمین الین کسمه هر آن

هر گوچه و بازار و خیاباندا توکر قان

انسانلار اگر رام قانینین؛ جانین سوراجاقلار

هریرده شکنجه و محبوسله جانین آلاجاقلار

طاغوت توکوب قان یره قان یاقدر اجاقلار

عصیان ایله سن قویما توکه قان یره طاغوت

عالم لری گوی منتق قرآن وه مبهوت

طاغوت سنون دینوه قرآنوه الله وه دشمن جهاندا

نابود ادجاق تلگی کمین شیرلرین؛ جان چخاندا

نیکرنگه قرآن باخور شمس گمین نور چخاندا

ابلیس ویهود خوک صفت گرگمین سسلنی طاغوت

قرآن دی اولان اصغریا دشمن ظالم لر و طاغوت

آهای آن کسانیکه خود را پیرو امام حسین (ع) میپندارید! خوب بدانید و آگاه و هوشیار

باشید؛ امام حسین (ع) بشهادت نرسیده که شما گریه و زاری ریایی نمایید؛ و در کوچه

و خیابانها بنام عزاداری رقاصی و آواز خوانی بکنید! امام حسین (ع) در راه قرآن

؛ و ناموس دهر دین قرآن و سنت اسلام محمد رسول الله (ص) شهید شده است! هر

کسیکه خود را پیروان امام و الامقام میدانند باید در راه قرآن مجاهدت تلاش کند! و

درتعلیم و تعلّم و امر بمعروف و نهی از منکر قرآن نستوه بوده باشد! و در راه دین اسلام و قرآن و سنت محمّد رسول الله (ص) و از حریم اسلام ناب محمدی دفاع نماید! جنگ کند؛ بکشد و کشته شود! و در راه قرآن وحی منزل و سنت محمّد رسول الله (ص) و طریقه ائمه اطهار آزار و اذیت و گرسنگی و شکنجه ببیند! آن زمان میتواند بگوید: من پیرو امام حسین (ع) هستم! و کسیکه نمیداند قرآن چیست و در قرآن چه چیزی است؟! و نماز هم نمیخواند! و اگر هم نماز بخواند نمازش غلط است! چنین کسی چطور میتواند ادّعی مسلمانان کند؟! او یا چطور میتواند بگوید: که من پیرو شیعه امام حسین (ع) هستم؟! و در حالیکه امام حسین (ع) از چنین آدمی و اشخاصی بیزار است و نفرت دارد! آهای بی نماز و شراب و خوار و زناکار و دروغگو و کذاب و کافرو مشرک و سارق و دین فروش و قاچاق فروش بدانید که امام حسین (ع) از تو بیزار است؛ و نفرت دارد! و بدانید شما بر امام حسین (ع) ننگ هستید! زیرا که با عمل زشت و گناه و بدکردار خودتان آبروی قرآن و اسلام و امام حسین (ع) را میبرید! باید بدان که امام حسن (ع) امام حسین (ع) رهبر و آقای مؤمنین؛ و پرهیزکاران؛ و درستکاران است؛ نه امام و آقای فاسقان و گناهکاران! و راه و روش امام حسین (ع) قرآن وحی منزل سنت محمّد رسول الله (ص) است! که در راه قرآن وحی هم قربانی شده است و هر کسیکه از راه هدایت امام حسین (ع) روگردانیده و بقرآن چنگ نزده؛ و متوسّل نشده است! امام حسین (ع) دشمن سرسخت چنین شخصی است! امام حسین (ع) و هر کسیکه قرآن را متروک کرده! بکنار گذاشته! و در تعلیم و تعلّم و امر بمعروف و نهی از منکر قرآن تلاش و کوشش نکرده است؛ الله سبحانه احد خلاق رب العالمین جهان هستی؛ و انبیاء عظام؛ و رسولان بزرگواران؛ و ائمه اطهار؛ و شهداء و صدیقین دشمن سرسخت چنین فرد و شخصی است! و السلام و بس! باید بدانید که راه مستقیم الله سبحانه احد خلاق رحمان و رحیم؛ و کلیه پیام آوران؛ و رسولان بزرگواران؛ و ائمه اطهار؛ و شهداء و صدیقین تنها و فقط این قرآن وحی منزل موجود میباشد؛ بهمین

جهت برای هر مسلمان در این راه جهاد و تلاش و تعلیم و تعلم و امر بمعروف و نهی از منکر قرآن مثل عمل به قرآن واجب عینی است!!!

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى (۱۲۴) قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدَكُنْتُ بَصِيراً (۱۲۵) قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى (۱۲۶) وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى (۱۲۷) أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَى (۱۲۸) وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزِمَامِ وَأَجَلٌ مُّسَمًّى (۱۲۹) (از قرآن کریم و از سوره طه آیات از ۱۲۴ الی ۱۲۹)

ترجمه: الله سبحان احد فرمود: هر کسی که از ذکر قرآن من رویگردان شود! پس بدرستی که زندگی سخت و تنگی خواهد داشت! و در روز قیامت او را نابینا محشور میکنیم! میگوید: ای صاحب اختیار کل من! چرا نابینا محشورم کردی؟! حقیقت این است من بینا بودم! الله میفرماید: آن طوریکه تو آیات قرآن ما را برای تو آمده بود! تو آن را فراموش کردی! امروز نیز تو فراموش خواهی شد! و این گونه جزا میدهیم کسی که اسراف کند! و به آیات قرآن صاحب اختیار کل خودش؛ ایمان نیاورد! و بدون شک عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است! آیا برای هدایت آنها قرآن کافی نیست؟! که بسیاری از نسلهای پیشین را که طغیان و فساد کردند هلاک نمودیم؟! و اینها در مسکنهای ویران شده آنها است که راه میروند؟! بدرستی که در این امر آیات قرآن الله برای خردمندان است! و اگر ای محمد سنت و تقدیر صاحب اختیار کل تو نبود! و ملا حظه زمان مقرر نشده بود! عذاب دردناک الهی آنها را میگرفت!!!

نکاتی از مؤلف: خلاصه مطلب اینچنین شده است! اوضاع و احوال ظالمین مسلمان نما را الله اینطور بیان فرموده است! مسلمان و مؤمن واقعی نباید! بظالم مسلمان نما؛ میل و محبت و تکیه نماید! و یک وکیل بیعت کند؛ و با اصطلاح امروزی یک رأی بدهد؛ و بایک رأی ولی و سرپرست؛ ولی امر خود قرار بدهد؛ و بایک رأی نماینده

دینی؛ و سیاسی؛ و اقتصادی خود؛ و خانواده؛ و غیره انتخاب نماید! که از این امور از یادگار امام و پیشوای؛ و رهبر مسلمانان حقیقی؛ واقعی امام حسین (ع) است! که وصیت و نصیحت و توصیه و سفارش و بیپروان؛ و شیعیان خود با گفتار؛ و کردار؛ و عمل؛ امر فرمود! که هیچ گونه بظالم میل و محبت و کمک ننمایند! زیرا که آتش ظالم آنها شمار امیسوز اند که عین دو آیات قرآن است! و قبلانوشتم که وقایع کربلای امام حسین (ع) تنها و فقط بیک بیعت و یا باصطلاح امروزی بیک رأی مربوط شده است! آهای شیعیان امام حسین (ع) هنوز که هنوز است صدای مظلومیت امام حسین (ع) بگوش شما نمیرسد؟! بیایید به هدف؛ مرام امام حسین (ع) و بقرآن وحی منزل الله سبحانه احد خلاق صمد لبیک بگوییم!!!

قال الله تبارک و تعالی

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ ﴿٢١٤﴾

(از قرآن کریم و از سوره البقره آیات ۲۱۳ و ۲۱۴)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: مردم در آغاز یک قوم بودند؛ تضادی در میان آنها وجود نداشت؛ بتدریج جوامع طبقات پدید آمد! و اختلاف های در میان آنها پدیدار شد؛ در اینحال الله پیام آوران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم بدهند و کتاب آسمانی آنها را که بسوی راه حق دعوت میکرد به آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم در آنچه اختلاف داشتند دآوری کند! افراد باایمان در آن کتاب آسمانی اختلاف نکردند؛ تنها گروهی از کسانی که کتاب آسمانی را دریافت کرده بودند؛ و نشانه روشن بآنها رسیده بود؛ بخاطر انحراف از راه حق و ظالمین در آن کتاب آسمانی اختلاف کردند والله

آنهاییکه ایمان آورده بودند درحقیقت آنچه مورد اختلاف بود؛ بفرمان خودش هدایت نمود؛ و اما افراد بی ایمان همچنان درگمراهی و اختلاف خودشان باقی ماندند؛ الله هرکسی را بخواهد براه مستقیم خود هدایت میکند! آیا گمان کردید که داخل بهشت میشوید؟! بی آنکه حوادثی همچون مانند حوادث گذشتگان بشما برسد؟! همانان بشما برسد؟! همانان که گرفتاریهای و ناراحتیهای فقر و گرسنگی و تشنگی و گرفتاریهای جسم و جانی و روانی و حتی در مقابل دشمن بلرزه افتادند بآنهارسید و آنچنان ناراحت شدند که محمدرسول الله (ص) و افرادی که به او ایمان آورده بودند؛ گفتند: پس یاری الله کی خواهد آمد؟! در این هنگام تقاضای کمک و یاری از الله کردند؛ و آنها گفته شد: که آگاه باشید کمک و یاری الله سبحانه احد خلاق نزدیک است!!!

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (۱۵۱) فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونَ (۱۵۲) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۱۵۳) وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ (۱۵۴) وَنَبِّئُونَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (۱۵۵) الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۱۵۶) أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (۱۵۷)

(قرآن کریم سورة البقره آیات 151 تا 157)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: همان طوریکه پیام آوری و رسولی از خودتان در میان شما انتخاب کردیم؛ تا آیات الله را بر شما بخواند؛ و شمارا پاک کند و کتاب قرآن و علم حکمت را بشما بیاموزد؛ و آنچه را نمیدانستید بشما تعلیم و یاد بدهد؛ پس بذکر و یاد من باشید؛ تا بیاد شما باشم؛ و برای من شکر کنید و در برابر نعمتهای من؛ کفران نعمت نکنید؛ ای کسانی که ایمان آوردید؛ از صبر و اسقامت و از نماز کمک و یاری بگیرید؛ بدرستی که الله با صابرین است؛ و آنهاییکه در راه الله کشته میشوند؛ بلکه

آنهازنده هستند؛ ولی شما نمیدانید که آنان چگونه زنده هستند! بدون شک همه شما را با چیزهای از ترس و گرسنگی؛ و کاهش در اموال؛ و جانهایتان؛ و میوه آزمایش و امتحان میکنیم؛ و بشارت و مرزده بده بصابرین و استقامت کنندگان! آنهاییکه هرگاه مصیبتی به ایشان میرسد؛ میگویند: بدرستی که ما از آن و مُلک الله هستیم و بدرستی که بسوی الله باز میگردیم! اینها همان کسانی هستند؛ که مغفرت و رحمت الله رحمان شامل حالشان شده است؛ و آنها هدایت یافتگان هستند!!!

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْعَانَهُمْ ﴿٢٩﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَا كَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٠﴾ وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ ﴿٣١﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحِبُّ أَعْمَالَهُمْ ﴿٣٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَ هُمْ كَفَّارٌ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ﴿٣٤﴾ فَلَاتَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلُونَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَتْرَكَ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٥﴾ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ إِنْ تُوْمِنُوا وَ تَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجُورَكُمْ وَ لَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ ﴿٣٦﴾ إِنْ يَسْأَلْكُمْ هَا فَيُحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَ يُخْرِجْ أَضْعَانَكُمْ ﴿٣٧﴾ هَا أَنْتُمْ هُوَ لَأَعْتَدُ عَوْنَ لِنُفْقٍ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَ مَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَن نَفْسِهِ وَ اللَّهُ الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَ إِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمُ ﴿٣٨﴾

(قرآن کریم سوره محمد آیات 29 تا 38)

ترجمه: سبحان احد فرمود: آیا کسانی که در قلبهایشان بیماری کفر است! گمان کردند الله کینه هایشان را آشکار نمیکند؟! و اگر ما بخواهیم آنها را بتونشان میدهم؛ یا با قیافه هایشان بشناسی! هر چند میتوانی آنها را از طرز سخنانشان بشناسی؛ و الله علاوه اعمال شما را میداند! و ما همه شما را بدون شک میآزماییم؛ تا معلوم شود مجاهدین واقعی؛ و صابرین از میان شما چه کسانی هستند؛ و با اخبار شمارامی آزمایشیم! بدرستی که آناییکه کافر شدند! و مردم را از راه الله بازداشتند! و بعد از روشن شدن هدایت قرآن الله

برای آنان؛ بمخالفت با محمد رسول الله (ص) برخاستند! هرگز یانی به الله نمیرسانند! و الله بزودی اعمال خیرشان را نابود میکند! ای کسانی که ایمان آوردید! از الله سبحانه احد اطاعت کنید؛ و از محمد رسول الله (ص) هم اطاعت کنید؛ و اعمال خودتان را باطل نسازید! بدرستی که کسانی که کافر شدند و مردم را از راه الله بازداشتند! سپس در حال کفر از دنیا رفتند! الله هرگز آنها را نخواهد بخشید! ای مؤمنین پس هرگز سست نشوید؛ و دشمنانتان را بصلح ذلت بار دعوت نکنید! در حالی که شما برترید؛ و الله رحمان با شماست؛ و چیزی از اعمال ثواب و کردار شما کم نمیکند! زندگی دنیا تنها بازیچه؛ و سرگرمی است؛ و اگر ایمان آوردید؛ و تقوی پیشه کنید؛ الله پاداش شما را میدهد؛ و اموال شما را نمی طلبد! چرا که هرگاه اموال شما را مطالبه کند؛ و حتی اصرار نماید؛ بخل میورزید؛ و کینه و خشم شمارا آشکار میسازد! آری شما همان گروهی هستید که؛ برای انفاق در راه الله دعوت میشوید؛ بعضی از شما بخل میورزید؛ و هر کسی که بخل میورزد؛ نسبت بخود بخل کرده است؛ و الله غنی و بی نیاز است؛ و همه شما نیازمند هستید؛ و هرگاه سرپیچی کنید! الله گروهی دیگری را بجای شما میآورد؛ پس آنها مانند شما نخواهد بود؛ و سخاوت مندانه در راه الله رحمان و رحیم انفاق خواهند کرد!!!

وَمِمَّنْ دَابَّةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ عِثْمَ إِلَى رَبِّهِمْ يَحْشُرُونَ (۳۸) وَالَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا صُمْ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَأِ يُجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۳۹) قُلْ أَرَأَيْتُمْ كُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرِ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۰) بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَتَّسِقُونَ مَا تَشْرِكُونَ (۴۱) وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (۴۲) فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۴۳) فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ (۴۴)

(از قرآن کریم و از سوره الانعام آیات از 38 الی 44)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: هیچ جنبنده و حرکت کننده در زمین؛ و هیچ پرنده که بادوبال خود پرواز میکند؛ نیستند مگر اینکه امتهایی همانند شما هستند؛ الله فرمود: هیچ چیز را در این کتاب قرآن وحی منزل فرو گذار نکردیم؛ سپس همگی بسوی صاحب اختیار کلّ خودشان محشور میگردند؛ آنها که آیات قرآن الله را تکذیب کردند کرها و لالهایی هستند؛ که در تاریکیها قرار دارند؛ که الله؛ مستحقّ عذاب بداند؛ گمراه میکند؛ هر کسی را بخواهد و شایسته بداند براه مستقیم قرار خواهد داد؛ ای محمد بگو: بمن خبر بدهید که اگر عذاب الله قهار و قادر بسراغ شما در آید؟! یا روز قیامت ناگهان برپا شود؟! آیا برای حلّ مشکلات خود؛ غیر از الله کسی را که میخوانید؟! اگر راست میگویند؟! باید بشما یاری کمکی بکنند؛ نمیتوانند یاری کنند؛ بلکه تنها و فقط الله را بخوانید؛ و اگر الله؛ بخوانید مشکلی را که بخاطر آنکه الله را خوانده اید؛ برطرف میکند و آنچه در این دنیا شریکانی و همتایانی بر الله قرار میدهند؛ در روز قیامت آخرت فراموش خواهید شد؛ و حقیقت این است؛ که ما بسوی امتهایی که پیش از تو بودند؛ پیام آوران فرستادیم؛ و هنگامیکه با این پیام آوران مخالفت کردند؛ آنها را با شدت ورنج و ناراحتی مواجه ساختیم؛ شاید که بیدار شوند؛ و در برابر راه حقّ الله؛ خضوع کنند و تسلیم بشوند؛ چرا هنگامیکه مجازات الله بآنها رسید؟! خضوع نکردند و تسلیم نشدند؟! بلکه قلبهای آنها قساوت پیدا کرده بود؛ و هر کار حرامی را که میکردند؛ شیطان در نظرشان جلوه گروزینت داده بوده است؛ بلی هنگامیکه اندر زها دو ترساننده بسودی نبخشید؛ و آنچه را بآنها یاد آوری شده بود فراموش کردند؛ درهای همه چیز نعمتها را بروی آنها گشودیم؛ تا کاملاً خوشحال شدند؛ و دل بآنها بستند؛ و ناگهان آنها را گرفتیم و سخت مجازات کردیم؛ در این هنگام همگی آنها مأیوس و ناامید شدند؛ و درهای امیدواری بروی آنها بسته شد!!!

نکاتی از مؤلف: در این آیات قرآن وحی منزل الله خلاق و ربّ العالمین جهان هستی ثابت شده است؛ که تمام مسلمانان و تسلیم شدگان را الله سبحانه احد خلاق؛ بندگان خود را جور به جور امتحان و آزمایش خواهد کرد؛ هر کسی که از عهده امتحانش در

آمده باشد؛ خوش بحالش که راه سعادت راه الله رحمان ورحیم را پیدا کرده است!
 !الله سبحان احد متعال؛ یکی رابا ثروت؛ ومقام؛ وریاست؛ و نیرو مندی؛ و یکی رابا
 ضعیفی؛ و ناتوانی؛ و باشرّ؛ و گرسنگی؛ و بیچاره گی؛ و بیماری؛ و در ماندگی؛ و باهوش؛
 و نبوغ؛ و باخبرها؛ و گرفتاری بظالم؛ و با اولاد کثیر؛ و نداشتن اولاد؛ و با اخبار خوب و
 بد؛ و بامرگ عزیزان؛ و آزار و اذیت و شکنجه شدن در راه دین الله؛ و باناتوانی در مقابل
 شیاطین جنّ و انس؛ و خلاصه الله سبحان احد متعال همه مسلمانان راهمه گونه؛ و
 همه جو را متحان خواهد کرد؛ بموجب آیات قرآن کریم وحی منزل؛ بدون امتحان
 بهشت رفتن وجود ندارد؛ و الله سبحان احد و صمد متعال بهشت را ببهاء جان؛ و مال
 ؛ و تمام هستی هر مسلمان میدهد؛ و بهشت را ببهانه نمیدهد؛ و باید در راه دین الله
 ربّ العالمین همانند شهداء احد؛ و کربلا و غیره از جان؛ و مال؛ و تمام هستی مادی
 خود گذشت! الله سبحان احد و صمد متعال منّان؛ قرآن و سنّت را به محمّد رسول الله
 (ص) نازل فرموده که راه روش انسانها بوده باشد! و ائمه اطهار هم از این راه و
 روش پیروی کردند! و ب مردم هم این راه و روش را امر فرموده اند: ولی یک قرن
 از نزول قرآن و سنّت نگذشته بود؛ که شیاطین و منافقین و کفار؛ بین مسلمانان
 اختلاف انداخته اند؛ موجب خرابی دین اسلام گردیده اند! و اینها مذاهب باطل زیادی
 ضد قرآن را بوجود آورده اند! که امروز مسلمانان گرفتار این مسئله هستند! و آیات
 قرآن کریم نشان میدهد که عده ای از شیاطین دوپا بودند که بر روی! محمّد رسول الله
 (ص) میگفتند: که ماهرگزبه این قرآن ایمان نمی آوریم؛ که کار پیام آور این شیاطین
 و منافقین مانند! عبدالله ابن ابی آسانتر بوده است؛ ایکاش بعدا پیام آور محمّد رسول
 الله (ص) هم همه شیاطین و منافقین چنین میشدند که نشدند؛ و باروش بدتر از منافقین
 و شیاطین رفتار کردند! که بدین اسلام ضربات فراوان وارد کردند! که جبران ناپذیر
 شده است؛ و بعد از شهادت محمّد رسول الله (ص) مسابقه ای حدیث و مذهب سازی
 را آغاز کردند؛ که ببعضی از آنها اشاره میکنیم! گروهی از جاعلان حدیث که خطر
 شان از همه بیشتر بوده است؛ که یهودیان و ترسایان نومسلمان بودند که در پوست

گوسفندگرگی میکردند! و تا بحال ادامه دارد؛ و چون از دشمنی کاری نساخته بودند؛ در سنگردوستی نشسته خلط و جعل حدیث بضعف اسلام؛ و هن پیام آور اسلام را میخواستند! **فی المثل از یهودیان عبد الله ابن سبا؛ و کعب الاخبار و از پاس نژاد آن سامان؛ و هب ابن صنبه و از نصاری تمیم داری فلسطینی که بظاهر مسلمان بودند! عبد اله ابن سبا همان بود؛ که فکر خدائی علی؛ و علی ولی الله؛ و منکنت ملاه فهذا علی مولا**ه را فلسفه ای افلاطونی جدید را گرفته اند تبلیغ میکرد؛ و بفرمان امام علی، وی و بعضی رایارانش با آتش سوزانید! و یانفی بلد کردند! و امامگر میشد همه خاطره ها را به افکار پلیدی وی آلوده شده بود با آتش پاک کرد! و شاه نعمت الله ولی در قرن هفت با این روش کفر آمیزی رونق فراوان داد! و شاه نعمت الله جیهون آبادی هم همینطور به علی اله کمک زیادی روا داشت! که هنوز که هنوز علی الله هافراوانند! و تنبورها و دایره های نوشته شده با کفر و شرک و در خانقاهها رقاصی **(و تازگیها در حسنیه های شریعت)** فعالیت فراوان ایجاد کردند روز بروز هم زیاد تر تر میشوند مخصوصاً! که در آذربایجان شرقی و در تبریز! که در این باره بر هبران اسلام و بمسلمانان هشدار میدهم که بخواب خرگوشی نروند؛ و آگاه و بیدار باشند که در محاصره باطل و ضالین هستند؛ که جریان فتنه ای میان دو آب شاهد عرایض اینجانب میباشد؛ وقتی ابن ابی العوجا زندیق معروف را میبردند که گردنش را بزنند! گفت: بخدا چهار هزار حدیث را ساختم با آن حلال را حرام و حرام را حلال کرده ام؛ و شیخ احمد اهسائی بحرینی بارز انگلستان! با تزویر سه دین را بابی! و کریم خانی! و شیخی گری را ساخت! و مذهب علی الله هارا با روایت تقویت کرد و گفت: همه ای انبیاء علی بود! و در هر زمانی بصورت آنها آمده است! **یعنی دون به دون کرده است! که علی همان الله است)** **دون به دون یعنی علی در هزار و یک جلد ویا صورت! انسانهای گوناگون دون ویا جسم عوض کرده و آمده است؛ و یا تجلی روح کرد؛ و آخرین بار در صورت الله آمده است؛ و وحدت جو د بوده است!** اشعار شاه نعمت الله جیحون آبادی **(جیحون آبادیکی از دهات کرمانشاه است)** که پیروان شاه نعمت جیحون آبادی **(به اصطلاح اهل حق میباشد)** که در اورامانات! ایران و عراق! و در

استانهای کرمان شاه! و کردستان! و آذربایجان غربی؛ و آذربایجان شرقی! و اردبیل؛ و تهران پراکنده میباشند! و اهل حق طوائف گوناگون دارند! که پسر شاه نعمت الله جیحون آبادی؛ بنام نور علی الهی میباشد که (مقبره اش در هشت گرد کرج میباشد)؛ که مشهور زیارت گاه به اصطلاح اهل حق است؛ و سلسله صفویان هم از اهل حق اورامانات؛ کرمان شاه بوده است؛ که جد بزرگ صفویان بنام جبرئیل امین الدین؛ از کرمان شاه به اردبیل کوچ کرد! و یکی از دهات اردبیل؛ بنام کل خوران ساکن شده؛ که گله دار بود؛ و از دولت وقت هم حمایت شده! مرتع و غیره به او داده شد؛ که تاسلطنت رسیدند؛ و تبریز را پایتخت کردند؛ اول پسر شاه صفویان؛ شاه اسماعیل بود؛ که اولین بار در اذان؛ علی ولی الله؛ و علی حجة الله؛ را با دستور شاه اسماعیل ملعون صفوی گذاشته شده است؛ و وقتی که این عمل کفر و شرک حکومت ملعونیان صفویان ایجاد شد؛ مسلمانان تبریز با غیرت در تبریز به این عمل کفر و شرک و گمراهی اعتراض شدید کردند! ولی شاه اسماعیل ملعون صفوی دستور قتل عام مسلمانان غیور تبریز را صادر کردند! دویست هزار نفر خون مسلمانان را در تبریز زمین ریخت حکم کفر و شرک گمراهی خود را بکرسی نشاند! و در طول چهار قرن همه صفویان ملعون از بین رفتند و بدرک وجهنم انداخته شدند! افسوس هزار افسوس که هنوز که هنوز است! در اذان ایران اسلامی و از مساجد! این کفر و شرک و گمراهی یادکاری کفار لعین صفویان بگوشمان میرسد! باید بدانیم که الله خلاق هستی ازلی و ابدی؛ قهار و جبار! قبل خود ولی نداشت بعد از آغاز خلقت الله برای خود هم ولی خلق نکرده است! در قرآن کریم وحی منزل الله خلاق جهان هستی و رب العالمین؛ در 22 آیات فرمود الله سبحانه احد خلاق اصلاً و ابداً ولی ندارد؛ و الله خودش ولی مؤمنین و صادقین و متقین و انبیاء و نبیین مرسلین و ائمه اطهار میباشد!!!

بعد از شهادت امام حین (ع) و یارانش یهودیان شیطان پرست پیروان عبدالله ابن سبا که در لباس گوسفندی گرگی میکردن جسله ای خصوصی تشکیل دادند که

بعد از این چه کارهای باید انجام بدهند! اول کعب الاخبار گفت: تا حال از فاتحان قلعه خیبر انتقام گرفیم مخصوصاً از علی ابن ابی طالب که خود و پسرانش را تماماً بقتل رسانیدیم ولی کافی نیست بیاید هر چه توان داریم از مسلمانان انتقام بیگیریم بین ایشان فتنه آشوب و اختلاف کوناگون بیندازیم و هر چه توان داریم مسلمان را ضعیف و ضعیف تر کنیم! ریرا که بین ایشان قدرت پنهانی داریم که همه ما را مسلمان میدانند که بین ایشان طوری پنهان شده ایم که ما را نمی شناسند بظاهر همکاری با ایشان میتوانیم ضربه بزرگ بزنیم اول اینکه باید شروع کنیم برای حسین و یارانش گریه وزاری کنیم بسر صورت خود بزنیم و بگویم: که چرا به امام حسین نامه نوشیم آوردیم بکوفه کمکی نکریم باید توبه کنیم! بعد از اینکه این گریه و زاری براه اندختیم و ایشان بدور خود جم کردیم آنوقت است بگویم: توبه با گریه وزاری فایده ندارد باید کاری بکنیم ارزش داشته باشد؛ مادر اینجا گریه وزاری کنیم قاتلان امام حسین زنده باشند برای مانگاه کنند و بخندند آن وقت چندان نفر شما سوال خواهید کرد باید چه کاری انجام بدهیم که ارزش داشته باشد و توبه ما قبول بشود! در آن زمان من خواهم گفت: باید لشگری تشکیل بدهیم با یزید بجنکیم ویزی دوقوم و حکومتش را پایان بدهیم در آن زمان توبه ما قبول خواهد شد! با این روش مسلمانان را بجان هم میاندازیم تا بایکدیگر جنگ و کشت و کوشتار را براه بیاندازند؛ و باید کار بکنیم که یک نفر از ما کشته نشود! این طراحی و فتنه انگیز را در مساجد شروع مردم عوام از هم چیز بیخبر آرام آرام بدور جم شدند نقشه فتنه گری این یهودیان قوم گرگیهای در لباس گوسفندان را قبول کردند! شروع بگیریه وزاری بسر و صورت زدن شب و روز ادامه دادند مدت زیادی طول نکشید مساجد کوفه پر شد گرگیهای یهودیان در لباس گوسفندی دید که زمان است فتنه گری بزرگ را شروع کنند! یکروز چند نفر از یهودان فریاد کردند با گریه وزاری و بسر و صورت زدن کاری درست و توبه قبول نمیشود و خون امام حسین (ع) و یارانش گرفته نمیشود چه کاری بکنیم خون امام حسین (ع) و یارانش در آن زمان کعب الاخبار بر بلند شد با صدای بلند فریاد زد و گفت: من نظریه و پیش نهادی دارم امام

که راه امام حسین (ع) چنین راه محکم بوده است و در این پیمان همه توّابین سوگند دسته جمعی یاد کردند تا آخرین نفر باید شهید بشوند! در شهر کوفه شوروی جان بوجود آمده بود که حمله جنگ را با شدی و شادمانی شروع کردند!!!

توّابین حمله جنگ را با عشق الله اکبر بطوری سرعت اجله اشتیاق برق آسا شروع کردند! طوری حمله کردند هیچ کسی از لشریان یزید نتوانستند جلو توّابین بیگردند! دیوانه وار میزدند و میکشیدند و بجلو میرفتند جنگ باور نکردنی میکردند؛ در روز اول تا غروب همان طوریکه میکشیدند بجلو میرفتند شب آمد جنگ متارکه شد! شب را با روان آسوده خاطر و امیدواری استراحت کردند صبح بلند شدند نماز جماعت خواندن و بمیدان جنگ نگاه کردند دیدند که میدان جنگ همه نجنازه های قشون یزید پر شده در این زمان جسمشان از شادی نیرومند شده اند و آماده حمله جنگ شدند! روز دوم حمله را شروع همان طوریکه جنگ را با نیرومند پیش میبردند و جنگ جویان قشون یزید نمیتوانستند؛ در مقابل لشکر توّابین مقاومت کنند همین طور کشته میشدند و روز دوم با نیرومندی توّابین جنگ تمام شد تاریکی شب آمد متارکه جنگ روز سوم با هم باشادی اشتیاق شروع بحمله کردند با نیرومندی توّابین تا آخر روز با قدرت جنگ کردند مقدار کمی بغروب خورشید مانده بود که چهل هزار نفر قشون یزید رسیدند؛ و فرماندهان قشون بچگونگی جنگ بخوبی نگاه جنگ کردند لشکر توّابین چگونه جنگ میکنند شب آمد جنگ متارکه شد! وقتیکه شب شد بعضی لشکر توّابین ناراحت و کمین شدند با این نیروی نمیتوانیم مقابله بکنیم چه باید کرد! بزرگان لشکر توّابین گفتند: هیچ کاری نمیتوانیم بکنیم جز جنگ زیرا که مگر ما هم سوگند نشدید که توبه همه ما بشهید شدند قبول میشود تا توان داریم میجنگیم میکشیم کشته و شهید میشویم؛ و هر کسیکه عهدشکن باشد آزاد است میتواند از لشکر توّابین جدا بشود برود بگوفه در دنیا زنگی کند تا مرگش برسد؛ با این کلمات نیرومندی بتمام لشکر توّابین نیروی تازه ای بوجود آوردند!

همه باشادی استراحت کردند تا فردا آماده ای جنگ روز چهارم بشوند!!!

اما فرماندهان قشون یزید طراحی نقشه جنگ را اینطور طراحی کردند و قتیکه جنگ شروع شد پنج هزار نفر از سوران قشون از طرف راست آخر لشکر توّابین به آنها حمله ور شوند؛ و پنج هزار نفر از سواران قشون از طرف آخر چپ بلشگر توّابین هم حمله ور شوند و با این نقشه بمحاصره قشون ما خواهند افتاد! باید با قدرت و شدت بجگیم تا فردا باید با پیروز مادر این جنگ یک سره پایان قطی برسد! روز چهارم توّابین باشادی برای شهادت حمله را شروع و قشون یزید هم متقابلاً حمله کردند؛ جنگ بین دو طرف بشدت در گرفت و اما توّابین از قشون سوران یزید که بیخربودند؛ قشون سوران یزید از هر دو طرف حمله کردند و دیگر وضع میدان جنگ عوض شده بود؛ که توّابین دیگر نتوانستند که چگونه وضع میدان جنگ را کنترل نمایند؛ یهودان شیطان پرست که در پشت لشکر توّابین قرار گرفته بودند فهمیدند که امروز توّابین شکست خواهند خورد از پشت لشکر توّابین عقب نشینی کردن بطرف کوفه و صلاحشان را بزمین انداختند از دور تماشا میکردند! اما جنگ با شدت بسیار انجام میگرفت ولی توّابین با شدت تمام تلاش میکردند در مقابل قشون یزید مقاومت کنند و آنها را بقتل برسانند؛ اصلاً برای مرگ و شکست خودشان فکر و اندیشه نمیکردند؛ در حالیکه میدیدند که از سه طرف در محاصره هستند و کشته میشوند و کوچکترین ترس و سستی در لشکر توّابین دیده نمیشد همین طور میکشند و کشته میشدند؛ و جنگ با شدت ادامه داشت تا در آخرین وقت عصر روز آخرین نفر از توّابین کشته شده جنگ با پیروز قشون یزید تمام شد! در اثر طراحی و فتنه یهودیان شیطان پرست که در لباس گرگی گوسنقدی میکردند و در سنگردوستی با مسلمانان نشسته بودند؛ حدوداً نزدیک پنجاه هزار نفر از مسلمانان در این جنگ کشته شدند! کعب الاخبار که بزرگان یهودیان شیطان پرست و دوست برادر و عبدالله ابن سبا که این طراحی و فتنه تعیین و نقشه کشیده بود! بیاران گفت: خیال نکید که کارهای فتنه گری و خصومت یهودیان ماکه با مسلمانان که داریم بتمام برسید؛ تا دنیا هست این دشمنی یهود؛ با دینی ما با قرآن با مسلمانان هست که هیچ وقت متوقف نخواهد

شد؛ که دشمن ما و قرآن و دین مسلمانان هستند! که در قرآن وحی منزل الله سبحانه احد خلاق جهان هستی و رب العالمین! در دشمنی یهودیت شیطان پرست و فرما سونیری های همجنس بازر ا بمسلمانان دردها آیات قران هشدار فرموده است؛ و الله سبحانه احد فرمود: آگاه و هوشیار باشید که اصل دشمن الله و محمد رسول الله و قرآن الله سنت الله و دین الله شما! یهودیان بُت پرست و شیطان پرست فرزندان خوکها و میمونها میباشد! بعد از فتنه و کشتار توأبیین بعنوان مسلمان در حکومت و اطراف و در دربار یزید زندگی میکردند و حدیث و روایت و اخبار میساختند و جعل میکردند که مدت زیادی نوانستند کار آشکار بر خلاف بر علیه دین اسلام انجام بدهند! ولی زمانی که بنی عباس بر علیه حکومت یزید قیام کردند پنهانی با طرفداری بنی عباس شدند که باز هم فتنه ای بزرگ پنهانی بر علیه اهل اسلام را شروع کردند! و ابو مسلم خراسانی را نیز تشویق کمک بنی عباس نمودند که چندین سال کشت و کشتار و خون ریزی بر خره بنی عباس در جنگ بنی امیه پیروز شدند و حکومت را بدست گرفتند! یهودیانی که در لباس گوسفندی گرگی میگردند! دسمال عوض کردند در حکومت بنی عباس خدمت میکردند و در زمان حکومت عباسی فاطمیون شیعه شش امامی را در مصر ایجاد کرده و بوجود آوردند که فاطمیون با اقتدار تمام کشور مصر را تسخیر کردند و حکومت اسلامی شیعه شش امامی ملحد را بر مردم مصر تحمیل کردند و بعد از تثبت حکومت شیعه اسلامی و الحادی در مصر ب فکر افتادند شیعه شش امامی ملحد را هم به ایران انتقال بدهند! یکنفر بنام حسن صباح را امام غایب انتخاب کردند و به ایران و در منتقه قزوین و در قلعه الموت در کنار شهر الموت ساکن و اسکان دادند و یکنفر از اهل شهر الموت بنام محمود سجستانی بعنوان معاون و داعی بزرگ با حسن صباح دروغ گو: ملحد گمراه؛ همکار کردند؛ و نام اسلام باطنی را بر رویشان گذاشته اند باطنی یعنی عقاید مذهب خودشان را آشکار نکند تا امام ضحور زمانشان حسن صباح اجازه بدهد؛ حسن صباح در اوایل حزم محمود سجستانی با هیچ کسی ملاقات نمیکرد و محمود سجستان بین مردم الموت رابطه ای بود که

دستورفرمان امامشان را با اهل شهرالموت مرسانیدکه در زمان مدت کوتاه اهل شهرالموت رباطنی مذهب کردند و درالموت مذهب باطنی علنی و آشکارشد! بعدازمدتی حسن صباح خواست باهمه مردم ملاقات کنددرمیدان شهرحاضر بشوند به آنها سخرانی خواهدکرد در زمان موعود جماعت حاضر شدند؛ و دیدند که امام زمان درلباس سفیدسوار براسب سفیدآمد و آشکار شد و گفت: من امام غایب موعود هستم که ضحور کردم برای شما امامت و احکام اصلی معنی باطنی قرآن را بگویم: و یاد بدهم و بعضی حلال را حرام و حرام را احلال کنم! امروز قامت القیام است! من امروز نماز روزه را از شما برداشته ام و از امروز دیگر نماز نخوانید و روزه نگیرید! و از امروز دیگر مذهب باطنی خودتان را پنهان نکید و در همه جا مذهب باطنی خودتان را آشکار کنید و اجز و پاداش شما در کتاب باطنی نوشته خواهد شد سخرانی را تمام کرد و عنان اسبش را برگرانید و رفت؛ و بعد یک لشگر قوی و قدرتمند تشکیل داده که پادشاه ایران را شکست بدهد از بین ببرد! اما وقتی که وزیر مسلمان مقتدر ملکشاه سلجوقی خواجه نظام الملک از این ماجرای کفر و الحاد آگاه شد! با مشورت ملکشاه سلجوقی یک لشگر سی هزار نفری با فرماندهی پسر بزرگ ملکشاه بنام ارسلان سلجوقی که افسر لایق قدرت مند آرتش بود! بجنگ حسن صباح بقلعه الموت ارسال کرد ارسلان شاه زاده با نیروی تاز نفس بقلعه الموت رفت و حمله بقلعه الموت و جنگ خیلی در گرفت خلاصه لشگر ارسلان سخت شکست خورد ارسلان در این جنگ کشته شد و از قشونش عده زیادی کشته شدند و یا اسیر شدند و تمام لشگر ارسلان از بین رفت و تمام شد! بعد از مدتی خواجه نظام الملک ترور شد و مُرد! و ملکشاه سلجوقی بعد از سی و پنج روز ترور خواجه نظام الملک با اجل خود فوت کرد! تمامی کشور ایران با فرماندهی محمود سجستانی و (ابو حمزه کفشگر) بدست باطنی های ملحد افتاد! ملکشاه یک پسر بزرگ داشت بنام **برکیارق** که او را محمود سجستانی با اجازه

حسن صباح پادشاه ایران کرد بر شرط اینکه از امام باطنی ها فرمان ببرد و دین باطنیها را آزاد اعلام کند! **برکیارق** چندان بفرمان باطنیها را عمل نکرد! ملکشاه سلجوقی برادر بزرگی داشت بنام **تنش** حاکم یکی از شهرها بود محمود سجستانی بر سراغ او رفت و به او پیش نهاد کرد پادشاه ایران بشود بشرط اینکه از فرمان باطنیها اطاعت کند و دین باطنیها را آزاد اعلام کند! **تنش** برادر بزرگ ملکشاه سلجوقی **تنش** شرایط باطنیها را قبول کرد پادشاه ایران شد و بعد از آن باطنیها **برکیارق** را باز باز داشت کردند در قلعه ارجان زندانی کردند! که بعد از آن بر تمام کشور ایران را تسخیر و حکومت کردند! که در جلد دوم و سوم خدایان مخلوق تولد از فروج تمامی ماجراهای مذهب شیعه شش امامی ملحدان را خواهیم نوشت!!!

یهودیان شیطان پرست پیروان عبدالله ابن سبا و کعب الاخبار که در لباس گوسفندی گرگی میکردند بعد از این ماجراها بیکار ننشستند! شروع کردند ب مذهب سازی و سوفیگری گوناگون؛ تهمت افتراء بر محمد رسول الله (ص) و ائمه اطهار (ع) روایت ها و اخبارها و حدیثهای و کتابهای جعلی نوشتند و نسبت دادند و اورمانات ایران و عراق را مرکزیت خود قرار دادند! در آنجا یکنفر را بنام **جبرئیل امن الدین** رابه آذربایجان کوچانیدند و در یکی از ده های اردبیل بنام کل خوران ساکن کردند که امکاناتی هم در اختیار او گذاشتند که پنجمین نسل **جبرئیل امن الدین** شاه اسماعیل ملعون صفوی بود که تبریز را پایتخت سلطنتی کفر و شرک و کمراهه خود کرد؛ و خون پاک دویست هزار نفر مسلمان را بزمین ریخت و نثار کرد و همه را باشمشیر و نیزه و ادا کرد که بخلفاء توهین و لعنت فحاشی و سب کنند! در این زمان سلطان سلیم عثمانی در اروپا با اورپا جنگ میکرد و در جنگ پیشروی هم میکرد! شاه اسماعیل صفوی ملعون از پشت خنجر زد! به کشور امپراطوری عثمانی و اسلامی حمله کرد! سلطان سلیم عثمانی اوضاع را چنین دید اروپا را رها کرد! به ایران برگشت با دویست هزار

سرباز یغیچری وبا توپخانه به ایران حمله کرد! و در چالدوران آذربایجان شاه اسماعیل صفوی ملعون بابت نه هزار سربار جلو سلطان سلیم را گرفت و جنگ

را شروع کردند بست هفت نفر از قشون شاه اسماعیل ملعون کشته شدن با دو هزار سرباز فرار کرد بکوههای سبلان در آنجا ساکن شد و در اثر سرما بدرگ و اصل شد! تبریزی صاحب بدست سلطان سلیم عثمانی افتاد! و شاه عباس صفوی ملعون بجای شاه اسماعیل شاه کشور ایران شد با رهنمایی یهودیان شیطان پرست فرزندان خوک و میموانها؛ اصفهان را پایتخت شاه عباس ملعون کافر و مشرک و خدا ناساس را انتخاب کردند و برادران شرلی از یهودیان شیطان پرست باشصت هزار شمخال یعنی تفنگ سرپرو شش هزار توپ آوردند که شاه عباس ملعون استقلال ایران را حفظ نماید و کارخانه توپ سازی را در اصفهان ایجاد و درست کردند؛ بهمان دلیل اصفهان در صنعت از همه شهرهای ایران جلو تر و پیشرفته تر هست!!!

یهودیان شیطان پرست که در لباس گوسفندی گرگی میکردند؛ از کشور لوبنان از شهر جمل عاملی شخصی را بنام آیت اله یهودوسوفکری را برای ایران بعنوان مرجع تقلید آیت الله شیخ بهائی جمل عاملی آوردند! شاه عباس ملعون از آیت الله یهودی سوفیگری یهودیان درخواست کرده ما که از مسلمان جدا شدیم و استقلال یافیم تقاضا دارم برای ما رساله بنویس که صفویان بر رساله تو و خودتو تقلید نماید! آیت یهودی و سکوفی گر رساله تقلید نوشته نام رساله را جامع عباسی گذاشته است! که همان رساله کفر و شرک جامع عباسی را الان اینجاب دارم؛ و در کتاب خانه ام موجود میباشد! و همان آیت الله یهودی جمل عاملی دیوان اشعار سوفکری نوشته بنام کشگول شیخ بهائی که الآن در ایران چاپ شده در بازار موجود میباشد! رساله جامع عباسی در تاریخ 1121 هجری قمری نوشته شده است!!!

باید بدانیم که کفریات عبد الله ابن سبا و کعب الاخبار یهودیان شیطان پرست و بُت فرزندان زنا زاده یهودا و عروس او؛ و تمار! الآن در مساجد و منابر و در منابره های ما (علی ولی الله) بگوش میرسد! این کفریات همه از جانب یهودیان شیطان و بُت ص

۷۱

پرستی کبالاتی انتشار مییابد! **مانند علی الهی است؛ ولی الله است، و من کنت مولاه فهذا علی مولاه است!** هر کسی که در هر مقامی باشد این سه عبارت سخن و کلمه بگوید: و بنویسد کافرو مشرک و گمراه منافق میباشد؛ زیرا که این عبارات! ضد الله و ضد قرآن و سنت محمد رسول الله (ص) میباشد! گوینده عبارات هر کسی و هر مقامی که باشد؛ کافر و مشرک گمراه است! **مانند آیت الله عظماء وثقة اسلام و حجت الاسلام عالم و روحانی و زوضه خوان و نوحه خوان و استاد دانشگاه معلم و دکتر و مهندس و خبرنگار و پروفسور و علامه و نویسنده و مدرس و غیره ۰۰۰ باشد!!!**

شخصی میزا احمد پدر آیه الله امینی از افاضل و علماء نامی تبریز بشمار میرود آن مرحوم بسال 1287 هجری قمری در قریه (سردها) از نواحی تبریز متولد شد! بطور خلاصه و الدماجد آیه الله امینی از علماء و دانشمندان بنام در تبریز و شخصیتی برجسته بود! در سال 1371 هجری روز ۲۹ بیع الاول لعنت ایزد پیوست!!! حضرت علامه آیت الله آقای شیخ عبدالحسین امینی مؤلف کتاب الغدیر که در کتاب الغدیر نوشته است که؛ در روز غدیر محمد رسول الله (ص) گفت: **(من کنت مولاه فعلی مولاه)** تولد آقای عبدالحسین 1321 هجر قمری مطابق ۱۲۸۱ خورشیدی در تبریز تولد یافت!!!

آقای عبدالحسین امینی نوشته است؛ سیصد و شصت نفر از علامه ها و آیت الله های مراجع تقلید و دانشمندان و علماء و روحانیون بزرگ درجه یک و نویسندگان صاحبان تفاسیر و توضیح مسائیل و تاریخ و کتابهای دیگری! شاهد آورده است که نوشته اند که در روز غدیر محمد رسول الله (ص) گفته است **من کنت ملاء فهذا علی مولاه** از کتاب الغدیر جلد اول صفحه 97 و 241!!!

آقای عبدالحسین امینی نوشته است که یکصد نفر از صحابه محمّد رسول الله (ص) تأیید کرده اند که محمّد رسول الله (ص) گفته است که **من کت مولاهُ فهذا علی مولاهُ** از کتاب الغدير جلد اول صفحه 97 و 111!!!

آقای عبدالحسین امینی نوشته است جبرئیل من کت ملاهُ فهذا علی مولاهُ به محمّد رسول الله (ص) آورده است از کتاب الغدير جلد اول صفحه 99!!!

آقای عبدالحسین امینی نوشته است که ابوبکر و عایشه و عمرو و عثمان ابن عباس؛ تأیید کرده اند که محمّد رسول الله (ص) گفت: **من کت مولاهُ فهذا علی مولاهُ** را گفته است! از کتاب الغدير جلد اول صفحه 43 و 93 و 97 و 98!!!

آقای عبدالحسین امینی نوشته است که پنج یکم زمین مهریه فاطمه زهرا (س) است از کتاب الغدير جلد اول صفحه 5ه1 و 116!!!

۲۵ سال تألیف الغدير طول کشید صفحه 171!!!

هر کس روز عاشورا روزه ندارد؛ گوئی تمام عمر روزه گرفت؛ الغدير جلد 2 صفحه 96 نکاتی از مؤلف: در کتاب الغدير آقای میزا احمد امینی پدر عبدالحسین امینی یکی از علماء فاضل و دانشمندان بنام برجسته تبریز است! احمد امینی پدر عبدالحسین امینی هر که بوده باشد که باشد! الله سبحان احد را نمی شناخت زیرا که اگر الله خلاق را می شناخت نام پسرش را عبدالحسین نمی گذاشت! برای اینکه الله سبحان احد بنام حسین نامی ندارد! بنابراین نام عبدالحسین را خواندن و گفتند: کفر و شرک و کمراهی است! و آقای علامه و آیت الله عبدالحسین هم اگر خودش الله را می شناخت نامش را عوض میکرد یک عمر طولانی زندگی او را بنده غیر الله خواندن و گفتند: و صدا زدند و با همین نام کفر و شرک و کمراهی از دنیا رفته است؛ این بیتوجهی و نا آگای نادانی عبدالحسین نشاگر آن است او خداشناس و مسلمان نبوده است!!!

علامه و آیت الله عبدالحسین در گوشه کنار جهان اسلام سیصد و شصت آثار تفاسیر و توضیح المسائل و کتابهای شخصیهی مانند خودش را خوانده است؛ و در بیشتر از

هزار بار کمه و عبارت من کت ملاه فعلی ملاه و در کتاب ده جلدی در زبان عربی الغدير را نوشته است! سيصد و شصت تفاسير و توضيح المسائل و کتابهای کفر و شرک و گمراهی را خوانده است؛ ولی یک جلد کتاب قرآن وحی منزل آسمانی الله سبحانه

مولای احد خلاق جهان هستی و ربّ العلمين را ندیده و نخوانده است که! بداند الله مولارا در پانزده آیات قرآن فرمود: فقط مولای کلّ انبياء و مرسلين و پیام آوران و ملائکه و کلّ مؤمنين من خودم هستم! که پانزده آیات زیر را قرآن را توجه فرماید!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا يَكْفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسَعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لِطَاقَةِ لِنَابِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ
(قرآن کریم سورة البقره آیه 286)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: الله هیچ کسی را بجز در توانای ش تکلیف معین نمیکند؛ آنچه از خوبی بدست آورده بسودا و است؛ و آنچه ز بد بدست آورده بزبان او است؛ کسانی که میگویند: ای صاحب اختیار کلّ ما؛ اگر فراموش کردیم یا بخطر افتیم بر ما مگیر؛ و میگویند: ای صاحب اختیار کلّ ما؛ هیچ بارگرانی بردوش ما مگذار؛ همچنانکه بردوش کسانی که پیش از ما بودند نهادی؛ ای صاحب اختیار کلّ ما؛ و آنچه طاقتی آن را نداریم بر ما تحمیل نفرما؛ و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت بفرما؛ توی مولای ما هستی؛ پس ما را برگروه کافران پیروز بفرما!!!

وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاغْلُظْوا أَنْ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ نَعَمْ الْمَوْلَى وَنِعَمَ النَّصِيرُ (قرآن کریم سورة الانفال آیه 41)
ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: و اگر از الله روی برگردانید پس بدانید که الله مولای شماست چه نیکو مولا؛ و چه نیکو یاورى است!!!

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (قرآن کریم سورة الحج آیه 78)

ترجمه: الله سبحان احد فرمود: ودر راه الله چنانکه حق جهاد در راه الله است جهاد کنید الله است که شمارا برای خود برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است آیین پدرتان ابراهیم نیز چنین بوده است؛ الله بود که قبلا شمارا مسلمان نامید؛ و در این قرآن نیز همین مطلب آمده است تا این رسول بر شما گواه باشد و شما هم بر مردم گواه باشید؛ پس نماز را برپا دارید و زکات را بدهید و به الله متوسل شوید؛ توسل کنید که الله مولای شماست چه نیکو مولایی و چه نیکو یآوری است!!!

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَمَوْلَى لَهُمْ (قرآن کریم سورة محمد (ص)؛ (آیه 11))

ترجمه: الله سبحان احد فرمود: بدرستی که آن الله مولای کسانی است که ایمان آورده اند؛ ولی کافران مولای ندارند!!!

بَلِ اللَّهِ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ (قرآن کریم سورة آل عمران آیه 151)

ترجمه: الله سبحان احد فرمود: آری الله مولای شماست و الله بهترین یاری کننده است! قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (قرآن کریم سورة التحريم آیه 2)

ترجمه: الله سبحان احد فرمود: حقیقت این است که الله برای شما واجب کرد گشودن راه سوگندهایتان را مقرر داشته است و الله مولای شماست و الله دانا حکیم!!!

قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (قرآن کریم سورة التوبة آیه 51)

ترجمه: الله سبحان احد فرمود: ای محمد بگو: آنچه الله برای ما نوشته است هرگز از او بما نمیرسد؛ الله مولای ماست؛ و مؤمنان باید تنها بر الله توکل کنند!!!

إِنْ تَتُوبَ إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (قرآن کریم سورة التحريم آیه 4)

ترجمه: الله سبحان احد فرمود: اگر شما دوزن بدرگاه الله توبه کنید بهتر است؛ واقعاً دل‌هایتان انحراف پیدا کرده است؛ و اگر علیه محمد بیکدیگر کمک کنید؛ پس بد رستیکه خود الله مولای محمد است؛ و جبرئیل و صالح مؤمنان نیز با او محمد هستند؛ و از این

گذشته فرشتگان هم پشتیبان محمد خواهد بود!!!

ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقَّ ۗ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ (قرآن کریم سورة الانعام آیه ۶۰)
ترجمه: الله سبحان احد فرمود: آنگاه که بسوی الله مولای حقشان برگردانیده میشوند آنگاه باشید که داوری از آن الله است و الله سریعترین حساب کننده هُنَالِكَ تَبْلُغُ نَفْسٍ مَّا سَلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقَّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (قرآن کریم سورة یونس آیه ۳۰)

الله سبحان احد فرمود: آنجا است که هر کسی آنچه را از پیش فرستاده است بسوی الله مولای حقیقی خود بازگردانیده میشوند؛ و آنچه بدروغ برمی‌ساخته اند از دستشان بدر می‌رود و خارج میشود!!!

نکاتی از مؤلف: دال بر پانزده آیات قرآن وحی منزل آسمانی الله سبحان احد خلاق جهانی هستی و رب العالمین وحی در همه حاضر و ناضر ازل و ابدی! عبدالحسین امینی از پیروان یهودیان شیطان پرست فرزندان یهود و عروس او تمارزنا زاده محرمی عبد الله ابن سبا و کعب الاخبار که لباس گوسفندی گرگی میکردند! بنده ای حسین امینی کافر و مشرک منافق هم بعد از چهارده سال مانند عبد الله ابن سبا و کعب الاخبار در لباس میش گرگی پوشیده است! که کتاب الغدیر را نوشته و ایجاد و تحریر کرد سر تا پا کافر و مشرک گمراهی ضد دین قرآن؛ و مانند تورات فعلی میباشد؛ این ملعون ابن ملعون خواست! الله قرآن و خود قرآن وحی منزل؛ و خود

محمّد رسول الله (ص) ورسالت محمّد رسول الله (ص) سنّت الله ومحمّد رسول الله (ص) را و اسلام ناب محمدی (ص) را زیر سؤال ببرد! این ملعون حتماً قرآن را مانند بزرگانش عبد الله ابن سبا و کعب الاخبار میدانست که خواست دشمنی خود را در پیشگاه الله قهار آشکار کند! عبارت ضد الله و ضد قرآن و ضد محمّد رسول الله (ص) و ضد سنّت الله و سنّت محمّد رسول الله (ص) **من كنت مولاه فعلى مولاه!** بر محمد رسول الله (ص) نسبت بدهد و گفته: است در غدیر خم محمّد رسول الله (ص) عبارت! **من**

كنت مولاه فعلى مولاه گفته است! دال پانزده آیات قرآن وحی منزل محمّد رسول الله (ص) این عبارت را نگفته است! و اصلاً نمیتوانست ضد الله؛ و ضد قرآن وحی منزل الله؛ و ضد رسالت بیست و سه ساله خودش که برای بیشتر از سی هزار نفر انسان از جان و مال گذشتگان در راه قرآن موجود؛ که تبلیغ؛ و تدریس و تعلیم فرموده بود! یک باره برگشت کنند و ضد قرآن و ضد رسالت خود سخن بگویند! و بیچ وجه محمّد رسول الله (ص) چنین عبارت **كفر امن كنت مولاه فهذا على مولاه نفر فرموده است!** و اگر چنین عبارت را گفته بودی اول امام علی (ص) خود شدیداً اعتراض میکرد و حداقل ده هزار نفر حافظ قرآن بود آنها اعتراض میکردند و میگفتند! یا رسول الله (ص) بیست و سه سال است بمافرموده ای مولای شما فقط الله سبحانه احد است؛ حال چه شده است که میفرمائی مولای شما منم بعد از من هم علی است؟! و اگر غدیر خم هم وجود داشته باشد محمّد رسول الله (ص) کلمه و عبارت دیگری را فرمود: است! نیاز نبود که ضد قرآن کلام الله کلمه عبارت دیگر بکار ببرد! و ضد الله؛ و ضد قرآن؛ و ضد رسالت خودش؛ و قرآن؛ و ضد سنّت الله؛ و سنّت رسول الله (ص) که خودش بوده باشد کلمه عبارت کفر و شرک و گمراهی را بگوید: این عبدالحسین ملعون ابن ملعون است که از پیروان یهودیان شیطان پرست عبد الله ابن سبا و کعب الاخبار که که! بر علیه الله؛ و قرآن الله؛ و رسالت محمّد رسول الله (ص) کلمه عبارت کفر و شرک

وگمراهی منافقانه ضد کلام الله قرآن وحی منزل کتاب آسمانی این عبارت کفرو گمراهی را گفته است! **علی الله است؛ وعلی ولی الله است و من كنت مولاه فعلى مولاه** که این عبادتهای کفروشرک وگمراهی منافقانه ابداع و ایجاد و اختراع تحریر عبدالله ابن سبأ وکعب الاخبار ملعونین میباشد! که عبدالحسین امینی علامه وایت الله کلابی ملعون از عبد الله ابن سبأ وکعب الاخبار یهودیان شیطان پرست رهبران خود تقلید و پیروی کرده! **من کت مولاه فعلى مولاه** را نوشته و تحریر کرده است!

خلاصه هرکسی و هر مقامی داشته باشد مانند آیت الله و علامه وثقه اسلام و حجة اسلام و علماء و روحانی و پروفوسر و پرودکتور و مهندس در هر مقامی و منسب و لباسی و شغلی شخصیت باشد! اگر این سه عبارت را بگوید: و بنویسد و یابگفتار راضی باشد کافر و مشرک منافق و گمراه و الحاد است! **علی الله است؛ وعلی ولی الله است؛ و من كنت مولاه فعلى مولاه!** در پیشگاه الله سبحان احد خلاق جهان هست و رب العالمین ازلی و ابدی هیچ عمل خیر از او قبول نمیشود؛ شدیدترین عذاب جهنم مال او است و آتش جهنم جایگاه او است! **دال بر آیات قرآن وحی منزل الله سبحان احد علام!**
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَىٰ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُلْحِقُ الظَّالِمُونَ
 (از قرآن کریم از سوره الانعام آیه ۲۱)

ترجمه: **الله سبحان احد فرمود: چه کسی است ستمکار تر است از آن کسی که به الله کذب و دروغ می بندد و میگوید: یا آیات قرآن الله را دروغ و کذب انکار میکند؟! بد رستیکه بدون شک ستمگران رستگار و هدایت نمیشوند!!!**

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَىٰ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُلْحِقُ الْوَجْرِمُونَ (۱۷) وَيَبْعُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَٰؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ مَا يَشْرِكُونَ (۱۸)
 (از قرآن کریم از سوره یونس آیات ۱۷ و ۱۸)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: چه کسی است ستمکار ترو کافر کار تراست از آن کسیکه به الله کذب و دروغ می بندد و میگوید: یا آیات قرآن الله را دروغ و کذب انکار میکند؟! بدرستی که بدون شک گناه کاران مجرمین رستکار و هدایت و راه نمیشوند! غیر از الله چیزهایی را میپرستند که نسودشان میرسانند و نزیانشان و میگویند: اینها شفیعان ما در نزد الله است؛ ای محمد بگو: آیا به الله از چیزی خبر میدید که در زمین و آسمان از آن سراغی ندارد؟! ای محمد بگو: الله پاک و منزله است؛ و از آنچه به الله شریک قرار میدید؛ الله از آن فراتر و بالاتر و پاکیزه تر است!!!

قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ لَا يُفْلِحُونَ (۶۹) مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (۷۰)؛ (از قرآن کریم از سوره یونس آیات 69 و 70)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: ای محمد بگو: کسانی که به الله افتراء و دروغ میبندند و میگویند: هرگز رستگار و هدایت نمیشوند! برخورداری از بهره مند دنیا؛ آنگاه باز گشت ایشان بسوی ماست! سپس بکیفر کفر کردن ایشان عذابی دردناک و شدید میچشانیم!!!

قال امام علی(ع):

عِبَادَ اللَّهِ؛ إِنَّ أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدًا؛ قَدْ أَمَكَنَ مِنْ زِمَامِهِ فَهُوَ قَائِدُهُ وَأَمَامُ هُوَ يَحُلُّ حَيْثُ حُلَّ ثَقْلُهُ وَيَنْزِلُ حَيْثُ كَانَ مَنْزِلُهُ؛ (از نهج البلاغه؛ ج؛ 4؛ ص 411)

ترجمه: امام علی(ع) فرمود: بندگان الله؛ بدرستی که دوست ترین بندگان نزد الله بنده است! عنان خود را بکتاب قرآن سپرده است؛ پس کتاب قرآن الله جلودار و پیشوا و امام اوست؛ فرود میآید هر جا که بار قرآن فرود آمده است؛ و جای میگیرد هر جا که جایگاه قرآن است؛ و بهترین بنده نزد الله کسی است؛ که بقرآن ایمان آورده است؛ و قرآن را امام و پیشوا و خود قرار داده است؛ هر حکمی که قرآن امر فرموده تماماً

انجام داده است؛ بفرمان قرآن لیبیک گفته و اختیار خود را بقرآن سپرده است؛ هیچ عمل ضد قرآن انجام نداده است!!!

قال امام علی(ع) إذا كانت الروايات مخالفة للقرآن كذبها
(اصول کافی ج 1 ص 129)

یعنی: هرگاه روایت مخاف قرآن باشد من اورا تکذیب میکنم!!!

فَالْقُرْآنُ أَمْرٌ زَاجِرٌ، وَصَامِتٌ نَاطِقٌ، حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ اخذ عَلَيْهِ ميثا قهم، وَارْتَهَنَ عَلَيْهِ أَنْفُسَهُمْ، أتم نوره، وَأكمل به دينه، وَقَبَضَ نَبِيَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَدَفَرَغَ إِلَى الْخَلْقِ مِنْ أَحْكامِ الْهُدَى بِهِ فَعَظَمُوا مِنْهُ سُبْحَانَهُ مَا عَظَمَ مِنْ نَفْسِهِ ه، فَإِنَّهُ لَمْ يَخْفَ عَنْ شَيْئٍ مِنْ دِينِهِ (از نهج البلاغه امام علی(ع) خطبه 182)

ترجمه: امام علی(ع) فرمود: قرآن امرکننده بخوبیها؛ ونهی کننده از بدیهاست! و خاموش است! یعنی حرف نمیزند! باید کسی اورا بحرف درآورد! گویا است برای اینکه اگر کسی او را بسخن گفتن وادارد که سخن حقّ میگوید: دلیل و حجت و برهان الله خلاق است بر بندگانش! قانون الله است در آسمانها و در روی زمین و الله در روز قیامت باقرآن حساب خواهد گرفت در دنیا از ایشان باقرآن پیمان گرفته است! آنها را در گرو آیات قرآن قرار داده است! نور آیات قرآن را تمام گردانیده است است! دین خود را بسبب قرآن آشکار و کامل گردانیده است! پیام آور خود را قبض روح فرموده است! و از احکام قرآن که موجب هدایت و رستگاری است برخلقش فراغت یافته بود! پس الله خلاق رب العالمین را بعظمت و بزرگی یاد کنید! چنانکه بزرگواری خود را در قرآن یاد کرده است! پس بدرستی که از احکام دینش هیچ چیزی بر شما پنهان نگذاشته است! یعنی همه چیز را در قرآن فرموده است! که جامعه بشریت بدون امام و پیشوای الهی و بدون فرهنگ غنی الهی و بدون قانون الهی نماد!!!

قال امام باقر(ع) النبیاحة منمن عمل الجاهلیة (از وسائل الشیعة ج 1 ص 915)

ترجمه: امام باقر(ع) فرمود: نوحه گری از اعمال دوران جاهلیت است!

قال امام صادق(ع) شيعتنا من لا يهرهرير الكلب؛ ولا يطمع طمع الغراب
(از اصول کافر ج 3 ص 335)

ترجمه: امام صادق(ع) فرمود: شیعه ما کسی است مانند سگ عو عو نمیکند!
و مانند کلاغ طمع نمیورزد!!!

قال امام علي(ع) وإن الله سبحانه لم يعظ أحداً بمثل هذا القرآن فإنه حبل الله المتين
وسية الأمين وفيه ربيع القلب وينابيع العلم جلا غيرهُ (از نهج البلاغه؛ خطبه 75)

ترجمه: امام علی(ع) گفت: بدرستی که الله سبحان هیچ کسی را مانند قرآن پند داده
است؛ که قرآن ریسمان محکم استوار الله است؛ و راه الله قرآن است؛ که امین است
خیانت نمیکند! بهار عقلها در قرآن است؛ بهاری که بهمه چیز رشد و نمو میدهد؛ و
زمین مرده؛ و نباتات؛ و درختها؛ و تمام پرندگان؛ و چرندگان؛ و خزندگان؛ و حشرات را

ص

۸۰

جان تازه میدهد و زنده میسازد؛ و قرآن نیز عقلهای انسانهای مرده متحرک را
زنده میکند؛ و رشد و نمو میدهد؛ و انسانها را با قانون فطرت خود آشنا میسازد؛
و انسان را جهان ساز میکند! و قرآن سرچشمه های علم است؛ و جز قرآن صیقلی
بر عقلها نیست و وجود ندارد!!!

قال امام رضا(ع) وبیت الله الحق ونبذوا كتاب الله وراء ظهورهم كأنهم لا يعلمون
ون وفي كتاب الله الهدى وشفاء فنبدوه واتبوا هواهوا واتبوا هواههم فذمهم
الله ومقتهم وأتعتهم (از اصول کافی؛ ج 1؛ ص 291)

ترجمه: امام رضا(ع) گفت: و بخانه الله سوگند! که این مردم از حق تجاوز کردند! و
کتاب الله قرآن را پشت سر انداختند! مثل اینکه نمیدانند در صورتیکه هدایت و شفاء
و شفاعت در کتاب قرآن الله است! اینها کتاب قرآن را پرتاب کردند! و از هوی و
هوس نفس خود پیروی کردند! الله ایشان را نکوهش و سرزنش کرده است! و
دشمن داشت؛ و تباهی و نابودشان کرد!!!

قال محمدرسول الله(ع) من عَشَّ المسلمین حُشِرَ مع اليهودیومَ القيامةِ؛

لأنهم أعشّ النَّاسِ للمسلمين (از پیام پیامبر؛ حدیث 1114)

ترجمه: محمد پیام آورالله فرمود(ص) اگر کسی به مسلمانان خیانت کند! در روز قیامت بایهودیان محشور میشود! زیرا که یهودیان خیانتکارترین مردم بمسلمانان هستند!!!

هر کس که نداند که نداند که نداند====درجهل و مرکب ابدی دهر بماند
هر کس که نداند که بداند که نداند====لنگ خررکش را بمنزل برساند
هر کس که بداند که بداند که بداند====سم فرسش را بگردون برساند

اللَّهُمَّ جَعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكَرَامَةِ؛ **وَسَلْمًا نَعْرِجُ فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ؛** وَسَبِّبْ أَجْزَى بِهِ النِّجَاهَ فِي عَرَصَةِ الْقِيَامَةِ ذَرِيعَةً نَقْدَمُ بِهَا عَلَى نَعِيمِ دَارِ الْمَقَامَةِ؛ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ؛ وَاحْظُظْ **بِالْقُرْآنِ** عَنَّا ثَقَلِ الْأُوزَارِ؛ وَهَبْ لَنَا حَسَنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ؛ وَوَقِفْ بِنَاثَارِ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ حَتَّى تُطْرَنَامِنَ كُلِّ دَنَسٍ بَتَطْهَرِهِ؛ وَتَقْفُونَنَا آثَارَ الَّذِينَ اسْتَضَاءُوا بِنُورِهِ؛ وَلَمْ يُلْهِهِمُ الْأَمَلَ عَنِ الْعَمَلِ فَيَقْطَعَهُمْ بِخُدَعِ غُرُورِهِ؛ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ؛ **وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ** لِنَا فِي ظُلْمِ اللَّيَالِ مُنْسَأً؛ مِنْ نَرَعَاتِ الشَّيْطَانِ وَخَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا؛ وَلَا أَقْدَا مَنَاعِنَ نَقْلَهَا إِلَى الْمَعَاصِي حَابِسًا! (از صحیفه سجادیه و از دعاء 42)

ترجمه: امام عرض کرد: یاالله من! **وقرآن را برای ما! وسیله ای** رسیدن بگرامی ترین منزلهای ارجمند قرار بده! و نردبانیکه برای رسیدن بجایگاههای بیگزند! بر آن بالا برویم! **وسیله** که با آن رهائی از عذاب! و در عرصه و فراخی قیامت را پاداش بیا بیم! **و بوسیله ای** که با آن بر نعمت فرازورای ماندنی بهشت رسیده شده باشیم! یاالله بر محمد و آل او درود بفرست! **و بوسیله ای قرآن** بار سنگین گناهان را نابود کن! از خوبهای نیکوی از معاوضه فرما! و خوبهای نیکوی نیکوکاران را بمابخش! و ما را پیرو نشانه های کسانی بگردان که در ساعت شب و بامداد و شامگاهان

قرآن را برای تو پیداشته اند! تا بسبب پاک کردن آن! ما را از هر چرکی و ناپاکی! پاک نمائی! و پیر و نشانه کسانی گردانی! که بروشنائی قرآن روشنی حق پیدا کردند! و آرزوهای آنها را از کار بندگی باز نداشته است! که بفریبهای مغرور کننده ای آنان را فرا نگرفته و تباه نگردانی! یا الله بر محمد و آل او درود بفرست! **و قرآن را برای مادر تاریکی های جهل شب؛ نور و مونس و آشنا بگردان!** از تباه کاریهای شیطان؛ و از درد دل گذر اندن اندیشه های بده! **قرآن را حافظ و نگه دارنده قرار بده!** و برای گامهای ما از برد نشان ما را بسوی گناهان بازدار!!!

اللَّهُمَّ وَايْمُ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَلَهْرِنَا! وَحَجَبِ بِخَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنِ صِحَّةِ ضَمَائِنِنَا؛ وَاغْسِلْ بِهِ دَرْنَ قُلُوبِنَا وَعَلَائِقَ أَوْزَارِنَا؛ وَاجْمَعْ بِمُنْتَشِرِ أُمُورِنَا؛ وَأَرِوْبِهِ فِي مَوْقِفِ الْعَرَضِ عَلَيْكَ ظَنَّا هُوَ أَجْرِنَا؛ وَكَسْنَابِهِ خُلَّ الْأَمَانِ يَوْمَ الْفَرَزْغِ الْأَكْبَرِ فِي نَشُورِنَا؛ **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ؛ وَاجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلْتَنَا مِنْ عَدِمِ الْإِمْلَاقِ؛** وَوَسُقِ الْإِيْنَابِهِ رَغْدَ الْعَيْشِ وَخَصِبْ سَعَةَ الْأَرْزَاقِ وَجَنِّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَةَ وَمَدَائِي الْأَخْلَاقِ وَاعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هَوِّهِ الْكُفْرِ وَدَوَاعِي انْفَاقٍ حَتَّى يَكُونَ لِنَافِي الْقِيَامَةِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ قَائِدًا؛ وَلِنَافِي الدُّنْيَا عَنِ سُخْطِكَ وَتَعَدِّي حُدُودِكَ ذَائِدًا؛ وَلِمَا عِنْدَكَ بِتَحْلِيلِ خَلَالِهِ وَتَحْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا؛ **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ؛ وَهُونَ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرَّبِ السِّيَاقِ؛ وَجَهْدِ الْأَيْنِ وَرَأْدَفِ الْحَشَارِجِ إِذْ بَلَعَتِ النُّفُوسُ التَّرَاقِي!**
(از صفحه سجاده و از دعاء 42)

ترجمه: امام عرض کرد: یا الله من! بوسیله ای قرآن خیر و نیکی ما را ثابت و پابرجا بگردان! و در گذراندن اندیشه های بد را! از سلامتی درون های ما را بازدار! و چرکی و نیت بددلهای ما را! و وابستگی گناهانمان را بشوی! و کارهای پراکنده شده ای ما را فراهم آور! و در جای صف بستن و بیک رشته در روز قیامت آمدن در پیشگاهت!

تشنگی ما را در جاهای بسیار گرم! و در روز ترس بزرگ قیامت هنگام زنده شدن ما!
 با جامه ای ایمنی ما را بپوشان! یا الله بر محمد و آل او درود بفرست؛ و بوسیله ای
 قرآن ما را به احتیاج نداشتن بدنی اصلاح بفرما! و گشایش زندگانی؛ و بسیار فراحی
 روزیهارا بسوی ما روان بگردان! و ما را از خویهای نکوهیده؛ و اخلاق پست دور بنما
 ! و از درّه گود کفر! و چیزهایی که نفاق! و دورویی که پیش آورد نگاه بدارد! تا روز
 قیامت قرآن ما را! خشنودی و بهشت توکشاننده باشد! و در دنیا از خشم دوری از
 رحمت تو! و تجاوز و ترک کردن از احکام تو باز بدارد! و برای آنچه در حکم تو است!
 بحلال دانستن حلال آن! و آحرام شمردن حرام آن گواهی دهنده باشد یا الله بر محمد
 و آل او درود بفرست؛ و بوسیله ای قرآن هنگام مرگ اندوه جان کندن! و سختی ناله

۸۳

ص

کردن و پی در پی بودن ناله های وقت جان کندن! با بشمار افتادن نفسها در وقت جان
 کندن را! بر ما آسان بفرما! آنگاه که جانها بحجره های گردن رسیده باشد بمارحم بفرما!

السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته! کفر و شرک و گمراهی الحاد است

مورده را حضرت مخاطب قرار دادند: هر کسی که باشد! کفر و شرک و گمراهی
 است! زیرا که مورده را مخاطب قرار دادند! کفر و شرک و گمراهی میباشد!

مولاو مولانا گفتن بیک انسان مورده و یازنده کفر و شرک و گمراهی است! زیرا که
 در پانزده آیه قرآن وحی منزل الله سبحانه احد! فقط مولاو مولانا؛ مختص به الله احد
 سبحانه و تعالی میباشد! بعض برادران از اهل تسنن ب بزرگان خود؛ مولاو مولانا میگویند:
 اصلاً متوجه نیستند که مخاطب قرار دادند انسان مرده و یازنده کفر و شرک و گمراهی
 میباشد! حتی کلمه مولاو مولانا آنقدر زیر پا افتاده است که کافر و بی دینی مثنوی ملا
 رومی را که فرزندبها ولد ملا رومی را مولانا میگویند: اشعارهای این کافر بیدین

رادرپیش نوشته ایم؛ که امام علی (ع) وحلاج و شمس تبریزی و همه را خدا میداند

در دعا ان شاء الله گفتن کفر و شرک میباشد زیرا که الله دو تا میشود! باید اول خدای
دومی راضی باشد بخواند! تا خدای اولی کار را انجام بدهد! مانند الله؛ ان شاء الله
بیماری تو را شفاء بدهد!

در فعل ان شاء الله گفتن صواب مبارک میباشد! زیرا که خدای گانه میشود؛ و اگر خدای
یگانه راضی باشد! کار انجام میشود و گرنه راضی نشود کار انجام نمیشود!
مانند ان شاء الله میروم؛ و ان شاء الله یک ماشین میخرم!

سؤال قبروزندگی دربرخ وبقای روح انسان اصلاً وابتداً وجودندارد! روجوع شود بکتاب جستجوی درقرآن دراین وبسایت

قال محمد رسول الله اکرم(ص) انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وسنتی لن یفترقا حتی یرداعلی الحوض

محمد رسول الله(ص) فرمود: بدرستی که من در میان شما دو چیزی گران بهای سنگین بزرگ میگذارم؛ کتاب الله و سنتم را؛ هرگز این دو اصل گران بهاز یکدیگر جدا نمیشود؛ تا در حوض بهشت بمن بازگردانیده خواهد شد!!!

إِنَالَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُكَ إِلَى مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿85﴾ وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ ﴿86﴾ وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿87﴾ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿88﴾

(قرآن کریم سورة القصص آیات از 85 الی 88)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: ای محمد! آنکسی که احکام قرآن را بر تو فرض واجب کرده است؛ بدون شک تو را بوعده گاه روز قیامت باز میگرداند! بگو: صاحب اختیار کل من؛ بهتر میداند که چه کسی بر راه هدایت راست است؛ و چه کسی در راه گمراهی آشکار است! و اگر رحمت صاحب اختیار کل تو نبود؛ تو امیدي آن رانداشتی که این کتاب قرآن بر تو فرستاده و القا بشود! پس نباید پشتیبان و کمک کافران باشی! پس از آنکه آیات قرآن الله بر تو نازل شده؛ تو را از آن قرآن منحرف نکنند! مردم را بسوی قرآن صاحب اختیار کل خود بخوان و دعوت کن؛ و از مشرکین نباش! با الله یکتا؛ الهی دیگری را مخوان که هیچ الهی جز الله سبحان خلاق وجود ندارد؛ و نیست؛ همه چیزی نابود شدنی است؛ جز ذات الله که؛ فرمان؛ فرمان الله است؛ و همه بسوی الله در روز قیامت بازگردانید میشود!!!

نکاتی از مؤلف: هر کسی که بقرآن و بسنت و برسات محمد رسول الله (ص) ایمان آورده است؛ عمل کردن بقرآن و امر معروف و نهی از منکر و تعلیم و تعلم قرآن مانند محمدرسول الله (ص) بر او واجب عینی میشود؛ الله سبحانه احد در خود قرآن فرموده است؛ در راه قرآن با جان و مال خودتان تلاش و جهاد کنید؛ باید بزنگانی انبیاء و رسولان و پیام آوران و شهدا و صدقین نگاه کنیم عبرت بگیریم؛ الله سبحانه احد ببهشت را ببهامیدهد؛ و نبهانه میدهد!

قال الله تبارک و تعالی

يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا (۶۳) إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا (۶۴) خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۶۵) يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ (۶۶) وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا (۶۷) رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمُ لَعْنًا كَبِيرًا (۶۸) (از قرآن کریم و از سوره الاحزاب آیات از 63 الی 68)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود: ای محمد؛ مردم از تو درباره وقت قیامت سؤال میکنند؛ بگو: علم قیامت تنها در نزد الله احد است؛ و چه میدانی شاید قیامت نزدیک باشد؛ بدرستی که الله کافران را لعن کرده و از رحمت خود دور داشته و برای آنان آتش سوزاننده ای آماده کرده است؛ در حالیکه همواره در آن ابد میمانند؛ و بدون شک هرگز یار و یاور و نصیری نخواهند یافت؛ در آن روزیکه صورتهای آنان در آتش جهنم دگرگون خواه شد؛ از عملهای خویش پشیمان میشوند؛ و میگویند: ایکاش از الله و رسول الله را اطاعت کرده بودیم؛ و میگویند: ای صاحب اختیار کل ما؛ بدرستی که ما از سادات و بزرگان گمراهان خودمان اطاعت کردیم؛ پس ما را از راه قرآن تو گمراه کردند؛ ای صاحب اختیار کل ما؛ سادات و بزرگان ما از عذاب جهنم دوچندان بده؛ و آنها را لعنت کن؛ و لعنت بزرگی را بفرما؛ زیرا که ما را آنها از راه قرآن تو گمراه کردند!!!

وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهَوْلُهُ قَرِينٌ ﴿36﴾ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ
عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿37﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا آيَاتُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَعْدَ
الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ ﴿38﴾ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ
﴿39﴾ أَفَأَنْتَ تَسْمَعُ الصَّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿41﴾ فَأِمَّا نَذْهَبَنَّ
بِكَ فَأَنَا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ﴿41﴾ أَوْ نُرِيكَ الَّذِي وَعَدْنَا هُمْ فَأَنَا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ ﴿42﴾
فَأَسْتَمْسِكُ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿43﴾ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ
وَسَوْفَ يَسْأَلُونَ ﴿44﴾ وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ
آلِهَةً يُعْبَدُونَ ﴿45﴾ (از قرآن کریم سوره الخروف آیات از 36 الی 45)

ترجمه: الله سبحان احد فرمود: وهرکس از ذکر قرآن الله رحمان روی بگرداند؛ الله فرمود: شیطانی را براو همراه و دوست میگماریم تا برای وی رفیق بوده باشد! و بدرستیکه آنها بدون شک ایشان را از راه قرآن الله باز میدارد و آنها میپندارند که در راه هدایت هستند! تا زمانی که او بارفیش در روز قیامت بحضور الله میآید خطاب بر فیش شیطان میگوید: ایکاش میان من و تو فاصله از مشرق تا مغرب بود که چه بد همراه و رفیق هستی! الله می فرماید: و امروز هرگز پشیمانی برای شما سود نمی بخشد چون ستمگر هستید در حقیقت شما در عذاب مشترک خواهید بود! پس ای محمد آیا تومی توانی کران را شنوا کنی؟! یا نابینایان را بینا کنی؟! و کسی را که همواره در گمراهی آشکاری است راه نمایی؟! پس اگر ما تورا از دنیا ببریم قطعا از آنان انتقام میشیم! یا اگر آنچه را به آنان وعده عذاب داده ایم بتونشان بدهیم حتما ما بر آنان قدرت داریم! پس ای محمد به آنچه بسوی تو این قرآن وحی شده است؛ چنگ بزن دو متوسل شو که تو بدرستیکه در راهی راست الله قرار داری! و بدرستیکه قرآن برای تو و برای قوم تو! ما یه تذکری و نصیحت است و؛ بزودی در روز قیامت قرآن از تو

و از قوم تو پرسیده خواهید شد! و از رسولان ماکه پیش از تو گسیل داشتیم؛ فرستادیم
بپرس آید بر ابراهیم رحمان؛ خدایانیکه مورد پرستش قرار گیرند؟! مقرر داشته ایم؛
که پرستش بکنند؟؟؟!!!

پیروان عبدالله ابن ساوکعب الاخبار از بزرگان یهودیان کبلائی شیطان پرست!
که علی الهی ها با اصطلاح اهل حق و گورانها نوشتند: خدا در صورت شاهین
و شهباز شکاری! آمد با دختر باکره خانم دایراک؛ جفت شد و مقابرت کرد خانم دیراک
حامله شد؛ و پسر زائید بنام سلطان صحاک که بزرگ شد؛ گفت: علی خدانیست؛ من
خدا هستم؛ زیرا که علی را من خلق کردم؛ ما جرای دون بدون این طور میباشد
بصورت اشعار از کتاب الحقایق و یا شاهنامه حقیقت؛ از شاه نعمت الهی جیهون
آبادی که پدر بزرگوار؛ دکتر نور علی الهی؛ و بابای بزرگوار دکتر بهرامی میباشد؛
توجه بفرماید!!!

{ زمان ظهور سلطان صحاک تولد از فروج }

دگر گویم از چند تن بخردان	که بودند خود عارفان زمان
اول نعمت الله ولی بود سر	همی شاه ابراهیم بُد زان بشر
بُدی ذات یزدان بر او میهمان	خداوند بودی بقدر و توان
طریق تصوّف نمودی روا	شدی نیز عارف بسرّ خدا
زمانی که سلطان نمودی ظهور	در آندم مشرفّ شدی در حضور
پس آنگاه از لطف آن دادگر	شد آزاد دلشاد در هر دوسر
در آن عهد بر دین حق سر سپرد	ز هر چار ارکان رحمت ببرد
دگر بود حافظ که بنیام بود	بدر گاه حق بود اندر سجود
دیگر لطف الله بود داود یار	بدی قطب دین مصطفای قهار

بدی مظهر پیر موسی وزیر
 که بودند طالب بذات کبیر
 که بودند عاشق بیدار یار
 برنج و ریاضت بسطان شدند
 بمهمانشان بود اندر جهان
 بحق وصل بودند وهم شاد کام
 ز جای دگر باز گشته عیان
 گهی گشته ظاهر گهی در نهان
 بگردش بُدند دایماً در بشر
 همیشه جلی بوده باروح جام
 که تا در حقیقت فراز آمدند
 جهان گشت برکام آن ناجیان
 دلم روشن از جلوۀ نورکن
 بیا بقا تیز پرواز کن
 ز پس گلرخان روشن ضمیر
 بچنگ و رباب و افساز و کلام
 بنوشند هم می پیایی زجام
 که تامست گردند و روشن طریق
 شناسند حق را بهر روز گار
کنم نقل بر دامن دایراک
 که چون گشت ظاهر بروشن زمان
 ز ظلمت سیه گشت دیگر قلوب

دگر بود سلطان حسین امیر
 دگر شاخ نباتت رضبار، پیر
 حکیم نظامی بُدی یادگار
 که آنها همه از غلامان بُدند
 که هریک بیک ذرّه زان صاحبان
 بهر جامعه هر مظهر و هرایام
 گذشتند جمله بدور زمان
 چو حور شاه باناجیان در جهان
 چنین بود آیینشان در گذر
 گذر کرد چون طیر در آن مقام
 بهر دور رفتند باز آمدند
 چو اندر حقیقت شدند عیان
 مغنی بیا در دلم سوز کن
 بساطی چو جنت برم باز کن
 دگر مهوشان؛ مطربان منیر
 بیارید در جمع یاری مقام
 شوند ذاکر ذات حق صبح و شام
 بده ساقیا می با هل حقیق
 شوند جمله بینا بانوار یار
کنون داستان سلطان صحاک
 زسلطان بیان سازم آن داستان
 چو ناغوث اندر جهان شد غروب

پس از مدتی باز از امر حق
 طلوع کرد پس ذات حق همچوشید
 نخستین چنین بود بنیام پیر
 بدر گاه مردی شدی برزگر
 بپاوه بدی مسکنش آن زمان
 ز بنیام ناگه مرض شد پدید
 شب و زور با بخت در جنگ بود
 ببستر بخوابید بیهوش شد
 بگفتا چرا ناتوان گشته ای
 که اکنون مرا موقع زند گیست
 همی گفت با آن دل افسرده را
 بتو نی دهم مزد ایام پیش
 من اکنون روم دیگری برزگر
 دهم اجرت او را باین روزگار
 چرا بر سر کار من نیستی
 اگر به شدی زین مکرض ای پسر
 کنم آن زمان با تو زینسان حساب
 و گر نه دگر نیست حقی بمن
 بگفت این و آن مرد رفتی دیگر
 ز پس پیر را این مرض سخت شد
 گذشت چند روزی بآن بینوا
 یکی مرد بنمود وی را خبر

همی تیره شب رفت آمد شفق
 جهان کرد روشن بدور جدید
 که گم گشتی از خویش و ذات کبیر
 نبودیش دیگر ز یزدان خبر
 که نامش خدر بود بس ناتوان
 شد از جان شیرین دگر نما امید
 از آن درد بسیار دانتنگ بود
 بسر آمد ارباب در جوش شد
 که گویا از این رنجه خسته ای
 تو را کی دگر طاقت بند گیست
 نخواهم دگر بزرگ مرده را
 که چون نیستی در سر کار خویش
 همی آورم تا بود کارگر
 نداری دگر تو زمین مزدکار
 بخسته دلی این زمان زیستی
 بیان آورم یوم یوم از شمر
 اگر داشتی مزد بدهم جواب
 همیم است گفتم بتو این سخن
 بیاورد این برجاش یک برزگر
 نفس تنگ بیزار از لخت شد
 که نا گه بیاید ملایی ز راه
 ز آن رمل زن علام پر هنر

یکی رمل زن آمد پس چنین
 بهر نیک و بد طالع خود ببین
 بنالید از دست رنج و حزن
 همی رفت نالان زپس لنگ لنگ
 که رفت در خدمت رمل زن
 نظر کن کنون بخت حالم ببین
 بگفتا بآن پیر کای دل حزین
 از آن قسمت خویش بخشم دهی
 بگویم برت تا که آن پند را
 گناهم بمیزان نگهدار باش
 اگر من شوم در جهان قلب شاد
 ز احوال خویشم بکن با خبر
 نخستین تویی محرم شاه دین
 بمعنی بود پیر بنیامت نام
 که یزدان بیاید برت زان گذر
 نشو گم از او ؛ دار از وی خیر
 برت آدم تا کنم با تو راز
 بتو میشود ظاهر آن لم یزل
 بخواند تو را نیز آدم پیش
 که با حق کنند آن زمان گفتگو
 ندانم چه باشد بیارانش عهد
 بشاهو برو زود با جهد و جخت

۹۰
 باو گفت رافع ایا نارنین
 برو نزد او اندر آن سرزین
 چو بشنید بنیام زان کس سخن
 بنزدیک ملاً روران شد بتنگ
 نه در بدی هوش نی جان بتن
 بفرمود بنیام بار کن الدین
 نظر کرد بر رمل چون رکن الدین
 باین شرط سازم تو را آگهی
 بیزدان بکن یاد سوگند را
 بدنیا و عقبی مرا یار باش
 بگفتا ز پس پیر اقرار باد
 ز پس هرچه خواهی بیابی دگر
 بگفتا بنیام پس رکن الدین
 پناهم بتو ای در خشنده جام
 برو فوق شاهو در آجا نگر
 یکی شاهبازيست با بال و پر
 که بنده بفرمان آن شاهباز
 پس از من روان شو بفوق جبل
 بیاید بسروقت یاران خویش
 سه تن مرد آیند آدم بکوه
 خداوند آید در آدم بجهد
 همین دم بتو گویم ای نیک بخت

بشد فارغ از درد رنج و حزن
 ز دیدار بنیامین گشتند شاد
 الا ای رفیقان همراه من
 که پیدا بشد ذات حق از نهان
 بیرواز تا نزد یاران رسید
 چو خورشید بودی درخشان جبین
 بسجده فتادند بر روی خاک
 بیاد آور آن شرط عهد قدیم
 همی روز روشن بشب آمده
 شوی همچو خور ظاهر اندر بشر
 جدا سازی از هم سفید و سیاه
 که عالم شود روشن از نور شاه
 شود روسیه خلق بی اعتقاد
 دو صد سال عمرش گذشته تمام
 بُود نام آن زن همی دایراک
 نشانید زاندم بآن بوستان
 نشان باشد آید همان لحظه شاه
 گشاید بَرَم دامن جام پاک
 بر آرد بهم چاک پیرهنش
 شوم شکل یک طفل پاگیزه راه
 شوم پور عیسی در آن بارگاه
 حسین بیک بُو نام آن پاک هُش

ز ملاً چو بشنید پیراین سخن
 ز راه آمدندی سه درویش راد
 دگر گفت بنیام با آن سه تن
 بنظاره بودند در آن مکان
 بصورت یکی شاهبازی سفید
 بروی یکی سنگ کردی نشین
 چو یاران بدیدند آن ذات پاک
 بگفتند ای پادشاهی کریم
 که جانمان ز تنگی بلب آمده
 دیگر وقت آنست ای داد گر
 کنی دین و آیین حق را روا
 پیر دیور ایدون ببر بار گاه
 بخدمت نشینیم با قلب شاد
 که آن مرد شیخی است عیسی بنام
 بیاورد بهرش یکی روجه پاک
 چو آن توت نیم سوز ای دوستان
 شود برگ او سبز هر دم بگاہ
 برید آن زمان زان مکان دایراک
 من آنکه نشینم بآن دامنش
 دوباره گشاید چو بیند مرا
 پریدم پس آنگاه بآن خانقاه
 بُود دایراک دخت یک مرد خوش

بمظهر بُود روچیار کبیر
 ندارند رهی او بآیین و کیش
 نهان گشت بر چشمشان شاهباز
 عمل کرد آن را همه زان ورود
 ندارد دگر مثل در سرزمین
 بزرگ بر قوم جلد مهتر است
 تو اسباب باشی بر او ای سرا
 بدامنش بنشیند آن ذات تاک
 بیاید نشیند بدامان او
 شود باز بر شکل یک طفل پاک
 دگر آگه از قصد و منظور شد
 رسیدند در خانهٔ مام شاه
 که تا گشته وارد بآن خانقاه
 نمودند از باب دختر طلب
 کجا آورید در بَرَم شیربها
 که گفتارتان با خرد نیست جفت
 بشیرین زبانی بآن باب شاه
 بتو میدهیم نقد دختر بها
 ولی کان ما گنج شاهنشهیست
 بخوادم ز در و گهر بی شمار
 دهم دختر آندم بدست شما
 روید این زمان بر سر آن جبال

بُو صاحب ایل جلد آن امیر
 نباشد کنون مخبر از حال خویش
 چو یاران شنیدند این کونه راز
 هرچه که شاهباز فرموده بود
 بُود دایراک اسم آن نازنین
 حسین بیک کنون باب آن دخترست
 چنان بکر باشد ز پس دخترا
 که آن دخت باید بُود بکر پاک
 بشکل یکی باز اسپید رو
 چون دامن بهم برنهد دایرک
 از این مژده هم شیخ مسرور شد
 برفتند یاران همان دم براه
 کشیدند زاه ره فراوان جفا
 بماندند آنجا چند روز و شب
 حسین بیگ بگفتا بدرویشها
 کسی زن بخواهد نشاید بمفت
 بیاسخ بگفتند درویشها
 کنون هر چه خواهی زماها بخواه
 گمانت ز زر دست ما تهیست
 حسین بیگ بگفت هفت ناقه بار
 هر آن وقت موجود شد آن بها
 در این ندا آمد از لاتیزال

بگوید با آن جبل ای جبل
 چو فردا بر آید بلند آفتاب
 بیاید که موجود گردد بتو
 چو یاران ز حق این خبر یافتند
 هر آنچه بایشان خدا گفته بود
 چو بگذشت شب؛ روز آمد بکار
 ز گنج نهانی فروان ز غیب
 ز پس آن غلامان رزین کمر
 همان ده سپرده بدست حسین
 حسین بیگ از آن در تعجب فتاد
 هماندم بفرمان حق شد بصیر
 بگفتند یاران بدان پاک راه
 حسین بیگ در آندم بُدی شاه برام
 ز پس آن غلامان در آن سرزین
 نمودند سجده بآن پاک طین
 رسیدند تا خانهٔ شیخ راد
 سپردند بر شیخ پس دایراک
 همی میزدند طعنه بر مام شاه
 بُدی داراک پیش آن خلق زشت
 که ناگه رسید ایوت آندم ز راه
 بیاران بخرم دلی مژده داد
 بدیدند آندم زکوه زان فراز

چنانست فرمان از لم یزل
 هر آنچه حسین گفته است زان حساب
 ندارم جز این بتو گفتگو
 بسوی جبل هر سه بشتافتند
 بگفتند با جبل در ورود
 بچود آمد اشتران پر ز بار
 بر آنها شد بار بی نقض و عیب
 بیاورده آن اشتران با گهر
 حسین را شده خیره از آن دوعین
 از آن کنج و زر گشت حاصل مراد
 شد آگاه ز یاران روشن ضمیر
 ز تو باد سلطان مردان رضا
 دگر بود مالک طیارش بنام
 گرفتند از باب آن نازنین
 نهادند او را ابر خان زین
 بخرم دلی جمله گشتند شاد
 همه چشم بر راه آن ذات پاک
 که داری سه شوهر در این بارگاه
 که چند ماهی از آن در گذشت
 شده سبز آن توت بستان شاه
 که اکنون بما گشته حاصل مراد
 پدیدار گردید یک شاهباز

که بویش بُدی بهتر از بوی مُشگ
 بر شاه بگشود دامان پاک
 بدامنش بنشست در آن فراز
 بدیدی یکی طفل آمد بجود
 بدیدار او دیده روشن نمود
 بیاورده در خانه آن طفل پاک
 چو ذات خدا گشت آندم عیان
 که بُد مظهر حق بآن ذات پاک
 بزرگ گشت سلطان در آن بار گاه
 بر خلق باشد همان قبله گاه
 ندیدی دگر روی سلطان صحاک
 که باشد نظر گاه شاه عظیم
 بحور و ملایک ؛ بهفت آسمان
 بخواندند آنروز را عید شاه
 برقص آمدند جملگی کف زنان
 پس از آن قلندر شدی خاندان
 بالطاف شه فیض از حق ببرد
 پس از عالی او گشت صاحب مکان
 غلامش علی بعداز او شد امام

نشستی ابر فوق آن چوب خشگ
 در آنوقت حاضر بشد دایراک
 که ناگاه پرید آن شاهباز
 همان لحظه از شوق دامن گشود
 چو بانو بدید ذات حیّ ودود
 بخرم دلی بعداز آن دایراک
 کنون مختصر بشنو از من بیان
 بخوندند او را بسطان صحاک
 گذشت آن زمان تا پس از چند گاه
 بهرجا که سلطان زده بارگاه
 چوعیسی در آن مرز گشتی هلاک
 کنون هم در آن کوه باشد مقیم
 بفرمود زان پس بروحانیان
 زدند ساز و طنبور زان جشنگاه
 ملایک از این جشن در آسمان
 دگر آن علی شد ز عالی نشان
 بابرام او نیز سر را سپرد
 علی بود بنده بعالی چنان
 اول خاندان بود عالی بنام

یکی از خدایان مخلوق تولد از فروج؛ به اصطلاح اهل حق گورا نها؛ از کتاب حق
 الحقایق و یاشاهنامه حقیقت نوشته شد؛ شاه نعمت الله جیحون آبادی از صفحه

گیرم که خلق را بطریق فریفته ای ===== با انتقام دست الهی چه می‌کنی؟!

یاد دادن قرآن را یا پیشه نباید کرد	یاتهمت شیطانها اندیشه نباید کرد
هرگاه که ببارسنگ از تهمت از نیرنگ	مانند گوه استادن سستی نباید کرد
سنگ بنزند بر تو چون شیه نباید باش	ای اصغریا خود را فولاد چو نباید کرد

تألیف: ترجمه: و نویسنده عزیزاله اصغری

پایان کتاب ۱۴۴۴ تاریخ هجری قمری

۲۱۲۲ تاریخ میلادی

۱۴۰۱ تاریخ هجری شمسی

1.2

0

1





۱۰۵

۳

تألیف: ترجمه: و نویسندۀ عزیزاله اصغری

پایان کتاب

۵

هجری شمسی

میلادی 2122 و در تاریخ

1411

و در تاریخ

144 در تاریخ